

کودکان ضعیف‌ترین

قربانیان جنگ

کودکان بیش از همه در معرض تجاوزات جنسی قرار می‌گیرند و در شرایط نامتعادل از آنها سوءاستفاده می‌شود. بدون اینکه خانواده قدرت حمایت از آنها را داشته باشد. گاه پدران و حتی مادران برای تأمین نیازهای زندگی روزمره خود مجبور می‌شوند دختران نابالغ خود را به ازدواج دیگران در آورند. طبق بیانیه دیده‌بان حقوق بشر سوریه، حدود ۱۲ هزار کودک تاکنون در جریان جنگ داخلی این کشور کشته شده‌اند.

کلمبیا پس از سوریه دومین کشوری است که به دلیل منازعات، کودکان در آن آواره شده‌اند. در آنجا نیز حدود شش و نیم میلیون نفر خانه‌هایشان را به دلیل درگیری‌های داخلی رها کرده‌اند. نیروهای انقلابی مسلح کلمبیا که یک گروه تروریستی به شمار می‌آید، دختران بین ۱۱ و ۱۵ ساله‌ای را که از مناطق درگیری فرار کرده باشند، مجبور به روسپیگری می‌کنند. جنگ در شرق اوکراین موجب آواره شدن حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر شد که ۲۵۰ هزار نفرشان را کودکان تشکیل می‌دهند.

هنگامی که از کودکانی در سن کم به‌عنوان سرباز استفاده می‌شود، مشکلات دیگری به وجود می‌آید که قابل‌محاسبه نیست؛ برای مثال تا به حال سه هزار کودک آموزش نظامی دیده‌اند که کمترینشان هشت یا ۹ سال داشتند. از برخی از این کودکان در اردوگاه‌های حزب کارگران کردستان استفاده می‌شود. گروه‌های مسلح از دختر بچه‌ها سوءاستفاده جنسی می‌کنند و حتی دیده شده که آنها به‌مرور از اعضای این سازمان حامله شده‌اند. دلیل این کار آن است که آنها نتوانند فرار کنند و اگر دختری فرار کند، یا به سازمان بازگردانده یا به عنوان ارتکاب «جرم ناموسی» کشته می‌شود.

کودکان جنگ تنها از آسیب‌های جسمی رنج نمی‌برند. آنها از آسیب‌های روحی و روانی متعددی رنج می‌برند که عواقبی درازمدت خواهد داشت. احساس اضطراب و نگرانی، بدبینی، افسردگی و گاه شرارت و خشونت در آنها نهادینه می‌شود. آنها نمی‌دانند که به دلیل غرور، لجاجت، تعصب یا منافع سیاسی بعضی دولت‌هاست که به چنین سرنوشتی دچار شده‌اند. آنها نمی‌دانند بخشی از «آسیب‌های جانبی» عملیات وحشتناکی هستند که تحت عنوان «مبارزه با تروریسم» صورت می‌گیرد. قطعاً در این میان شرکت‌های تولیدکننده سلاح‌ها که فقط به منافع مادی خود می‌اندیشند،

کودکان بی‌گناه و محروم، در حال بازی شاد خود در خانه‌ها یا خیابان هستند که ناگهان با افتادن بمبی جانشان را از دست می‌دهند. آنها اگر شانس آورده و زنده هم بمانند، باید مایوسانه و در کمال حیرت نظاره‌گر اجساد مرده پدران، مادران، برادران و خواهران یا دوستانشان باشند.

در زمانی که بیش از هر چیزی نیازمند مهر و محبت و امنیت هستند، این کودکان ناچار خواهند شد بکوشند هرطور شده خود را از جنگ‌های خشونت‌بار و خونین نجات دهند. وقتی بزرگ شدند، آنها به مردان مسلحی تبدیل می‌شوند که بین ویرانه خانه‌ها، محلات، مدارس و محل بازی‌های خود می‌چرخند. گروهی نیز موفق می‌شوند از خانه‌های گرم خود فرار کنند و به جهانی متفاوت پناه برند؛ جایی که پر از مشکلات جدید است و باید در ابتدای آن با گرسنگی، سرما و بیماری دست‌وپنجه نرم کنند.

میلیون‌ها کودک هستند که در شرایط دشوار جنگ و نزاع‌های مختلف از سوریه گرفته تا عراق، یمن، لیبی، لبنان، ترکیه، افغانستان، غزه، اوکراین، کلمبیا، میانمار و تعدادی از کشورهای آفریقایی زندگی می‌کنند.

گزارش فوریه سال ۲۰۱۶ از سوی شورای اتحادیه اروپا که تحت عنوان «کودکان در شرایط اضطراری» تهیه شده بود، می‌گوید: «کودکان ضعیف‌ترین قربانیان جنگ‌ها هستند. هم‌اکنون بیش از ۲۵۰ میلیون کودک در کشورهای زندگی می‌کنند که طبق ارزیابی یونیسف دارای شرایطی خشونت‌بار است. بسیاری از این کودکان درگیر فاجعه جنگ‌های داخلی هستند. از مجموعه‌ای از آنها به‌عنوان کودک-سرباز استفاده می‌شود. گروه‌های تروریستی یا باند‌های جنایتکار از کودکان به‌عنوان عامل جنگی یا اطلاعاتی و جاسوس استفاده می‌کنند. بسیاری از این کودکان در معرض خطر سوءاستفاده‌های گوناگون از جمله تجارت جنسی قرار دارند. به گفته یونیسف، درحال حاضر بیش از هفت میلیون کودک به دلیل شرایط جنگی، مدارسشان را ترک کرده‌اند.

بدون تردید سوریه یکی از کشورهایی است که کودکان در آن بیش از هر جای دیگری از جنگ آسیب دیده‌اند. تاکنون حدود ۶٫۶ میلیون نفر از مردم سوریه آواره شده و ۶٫۶ میلیون نفر دیگر به دلیل درگیری‌ها مجبور به ترک خانه‌هایشان و رفتن به سایر مناطق شده‌اند که نیمی از آنان را کودکان تشکیل می‌دهند.



شرکت‌های بزرگ آمریکایی از روند انتخابات خشنود نیستند

آمازون، گوگل و اپل دشمنان سرسخت ترامپ

صفحه ۷



Exclusive fares only available at IKB Travel

First flight to Iran starts on
14 July 2016

Call now 0207 100 0151

BRITISH AIRWAYS
Preferred Partner

fr. **£354**

Enjoy top service with
British Airways

Call now 0207 100 0151
www.YouShouldTravel.com



www.YouShouldTravel.com



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

در انتخابات اخیر شهرداری لندن نامزد نشد تا بتواند در فرصت چهار ساله باقی مانده در يك انتخابات میان دوره‌ای وارد مجلس عوام شده و به تدریج خود را به عنوان رقیب و چالش‌ناپذیر احتمالی کامرون در رهبری محافظه‌کاران تثبیت کند. کامرون تلویحا عنوان کرده که در سال ۲۰۲۰ از رهبری حزب و به تبع آن از نخست وزیری کشورش کناره‌گیری خواهد کرد. پیروزی قاطع صادق خان نامزد مسلمان حزب کارگر در انتخابات شهرداری لندن نیز مستقیما در سرنوشت رفراندوم اتحادیه اروپا تاثیرگذار شده است. ظاهرا در موضوع اتحادیه اروپا، این شکست حزب حاکم چندان برای کامرون ناخوشایند نبوده است. در روزهای اخیر، جناح راست حزب محافظه‌کار بریتانیا در اتحادیه اروپا شکاک هستند. سواى ده‌ها عضو ارشد حزب محافظه‌کار که از ابتدا مخالف موضع کامرون بودند، در روزهای اخیر، مایکل گوو وزیر دادگستری در دولت کامرون نیز به جمع مخالفان ماندن کشورشان در اتحادیه اروپا پیوسته و آشکارا به موضع‌گیری علیه رهبری حزب و دولت پرداخته است. گوو به واسطه سابقه روزنامه‌نگاری

همه پرسی در بریتانیا؛

فرا تر از ماندن یا گسستن از اتحادیه اروپا

مجید تفرشی

با نزدیک‌تر شدن موعد برگزاری همه پرسی تاریخی و سرنوشت‌ساز پیش رو در بریتانیا، در موضوع باقی‌ماندن یا گسستن از اتحادیه اروپا، ابعاد این تصمیم مهم و تاریخ‌ساز به



خود و همکاری همسرش با روزنامه‌های دست راستی چون تایمز و دیلی میل نفوذ گسترده‌ای بر رسانه‌های مخالف حضور بریتانیا در اتحادیه اروپا دارد. سواى احزاب راست افراطی، اکنون رهبری مخالفت با ادامه حضور لندن در اتحادیه در درون حزب محافظه‌کار برعهده جانسون و گوو است. با این همه به نظر می‌رسد که بازی ماهرانه و گام به گام کامرون به‌شدت از تعداد رای‌دهندگان مخالف به ادامه حضور در اتحادیه اروپا کاسته است. دو سال قبل اکثر نظرسنجی‌ها نشانگر مخالفت اکثر مردم بریتانیا با ادامه حضور در اتحادیه بود. در آن زمان قلب و دل اغلب مردم نشانگر زیانبار بودن این ادامه همکاری بود. اکثر مردم تا آن زمان باور داشتند که بریتانیا در حال باج دادن به اروپا است و ادامه این عضویت به ضرر منافع آنان است. ولی اکنون کامرون از دو سو توانسته به تدریج این رای را برگرداند. از يك طرف با چانه‌زنی با رهبری اتحادیه اروپا توانسته امتیازات مهم و ویژه‌ای در جهت ورود مهاجر، اعطای مزایای بیکاری و بهداشتی و پولی به مهاجران اروپایی و معافیت‌های مالیاتی از اتحادیه اروپا بگیرد.

اکنون مشخص شده که اکثریت خارجی تباران و اقلیت‌های قومی، دینی و نژادی در بریتانیا نیز هوادار ماندن آن کشور در اتحادیه اروپا بوده و به همراه دولت و حزب کارگر به ماندن در اتحادیه اروپا رای می‌دهند. با آنکه شاید رای اقلیت‌ها در این همه‌پرسی از نظر کمی چندان مهم جلوه نکند، ولی در شرایطی که اکثریت خاموش ممکن است اقبال چندان به این رفراندوم نشان ندهند، رای فراگیر اقلیت‌ها اهمیت آشکار و تاثیرگذارتری خواهد یافت. با حمایت دولت امریکا، نشان دادن خطرات ملی، منطقه‌ای و جهانی در ابعاد مختلف اقتصادی، سرمایه‌گذاری، سیاسی، راهبردی و نظامی، به مردم نشان دادند که باید به حرف عقل و نه حرف دل گوش داد و اجازه غلبه احساسات سنتی ضداروپایی در جهت تخیل احیای امپراتوری بریتانیا را نداده و با این رویای دست نیافتنی به سوی کابوس انزوی منطقه‌ای و جهانی پیش نروند. هنوز صددرصد مشخص نیست که رای قاطع مردم بریتانیا در رفراندوم پیش رو به کدام سمت خواهد بود، ولی گمانه‌زنی‌ها نشانگر توفیق تدریجی کامرون در کنترل مخالفان داخلی حزب خود به سوی موفقیت کامل در همه‌پرسی برای راه ماندن کشورش در اتحادیه اروپا خواهد بود.

تدریج از مساله اعلام شده آن به مراتب فراتر رفته و شرایط کشور را به مراتب حساس‌تر از قبل کرده است. حدود سه هفته دیگر، در روز پنجشنبه ۲۲ ژوئن / سوم تیر، شهروندان بریتانیایی با حضور در مراکز عمومی رای‌گیری، درباره سرنوشت آینده کشورشان در قبال عضویت در اتحادیه اروپا مستقیما تصمیم‌گیری خواهند کرد. اگرچه دولت محافظه‌کار به رهبری دیوید کامرون اعلام کرده که بر اساس توافق‌های انجام شده در شرایط نوین و در وضعیت موجود، حامی ادامه عضویت کشورشان در اتحادیه اروپا است، ولی این موضع از مدت‌ها قبل موجب بروز شکاف در رهبری و بدنه حزب حاکم شده و با نزدیک‌تر شدن موعد برگزاری رفراندوم، این شکاف نیز به تدریج در حال عمیق‌تر شده است. اگرچه از ابتدای طرح موضوع همه پرسی در بریتانیا، عده قابل توجهی از اعضای حزب حاکم محافظه‌کار از رده‌های پایین و میانی حزب مخالف مواضع رهبری حزب در قبال ماندن مشروط در اتحادیه اروپا بودند، اکنون این رویارویی کاملا آشکار و به سطح وزرای ارشد کابینه گسترش یافته است. از سال ۲۰۱۰ و روی کار آمدن دولت ائتلافی محافظه‌کار- لیبرال دمکرات، دیوید کامرون ضمن اعلام عدم تصمیم مشخص خود درباره آینده ماندن یا گسستن بریتانیا از اتحادیه اروپا، تلاش کرد که با يك برنامه‌ریزی و زمان‌بندی ماهرانه، به تدریج و تا حد اکثر امکان، در چند دور مذاکره، امتیازات و معافیت‌های مختلفی را از رهبری اتحادیه اروپا برای بریتانیا دریافت کند. پس از پیروزی مهم و قاطع محافظه‌کاران در انتخابات سراسری ۲۰۱۵، روند مذاکرات لندن با اروپا شتاب بیشتری به خود گرفت و نهایتا به يك توافق قطعی و مشخص درباره اعطای امتیازات ویژه به بریتانیا و پررنگ‌تر شدن نقش آن کشور در رهبری اتحادیه منجر شد. اگرچه از ابتدا نیز قابل تشخیص بود که کامرون، تصمیم جدی برای خارج کردن کشورش از اتحادیه اروپا ندارد، ولی با رسیدن به این توافق، دولت رسما در موضع دفاع از رای مثبت به ماندن بریتانیا در اتحادیه قرار گرفت. این پایان ماجرا در کشور و حتی در حزب حاکم و رهبری آن نبود. سواى مخالفت رسانه‌های دست راستی و احزاب راست افراطی از قبیل یوکیپ، پیش از همه در درون حزب حاکم، بوریس جانسون شهردار پیشین لندن از هم‌اکنون آشکارا سودای رهبری حزب حاکم و نخست وزیری کشورش در انتخابات سراسری ۲۰۲۰ را دارد. جانسون به همین نیت،

این شناسنامه همه ماست



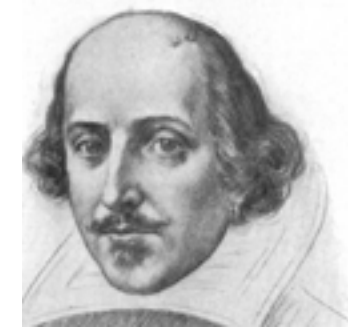
در تصاویر حکاکی شده بر سنگهای تخت جمشید هیچکس عصبانی نیست. هیچکس

مایه رنج و بدبختی تمام انسانها حماقت و جهل است.

ترویلوس و کرسیدا، پرده دوم، صحنه دوم.

The common curse
of mankind, folly
and ignorance.

Troilus and Cressida, Act II, sc. 2.



برگرفته از کتاب اندیشه های زرین شکسپیر
گردآوری و ترجمه: هلیا معینی

هفته نامه پرشین

اجتماعی، فرهنگی، هنری



هفته نامه پرشین به هیچ گروه و ارگان سیاسی و غیر سیاسی وابسته نمی باشد و صرفا در جهت اطلاع رسانی صحیح گام بر می دارد. تمامی مطالب از سایت‌ها، روزنامه‌های معتبر، مقالات رسیده و خبرگزاریهای رسمی با ذکر نام نویسنده انتخاب و به چاپ می رسد.

مدیرمسئول و سردبیر:

عباس نجفی زرافشان

editor@persianweekly.co.uk

شورای همکاران و نویسندگان:

دکتر علا امیرشاهی،

امیراسلان یکتامنش، ناصر نوروزی،

احسان صادقیان

Tel: 020 7193 5592

Mob: 078 11000 455

www.persianweekly.co.uk

info@persianweekly.co.uk

هفته نامه پرشین از نوشته های نویسندگان و خوانندگان استقبال کرده ولی در ویرایش آنها آزاد است. مسئولیت آگهی‌ها و صحت آنها بعهده صاحبان آن میباشد. هفته نامه پرشین در قبول یا رد آگهی‌ها صاحب اختیار می باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی برای Golden Class Ltd. به شماره ثبت ۰۶۷۶۲۵۱۱ به تاریخ اول دسامبر ۲۰۰۸ محفوظ است.

نمایندگی و مرکز پخش در سوئد:
کتاب فروشی بین المللی فردوسی
آقای مهدی رحیم زاده

Tegnérsgatan 32, Stockholm,
SE-11360, Sweden
Tel: 0046 8 3230 80

با تشکر از مواد غذایی ماهان جهت توزیع در
دیگر شهرهای انگلستان

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه چاپی

DON'T FORGET

Help to keep public area clean and tidy for everyone by taking your copy of Persian Weekly paper with you, when you leave
When you have finished with this publication please recycle it.

follow us on
twitter

Find us on
Facebook



121147 Likes

www.facebook.com/persianweeklypaper

یک قرن بحران

مرزهای کنونی جهان عرب شباهت اندکی به خطهای مداخله‌های آبی و قرمز رنگی دارند که در ماه می ۱۹۱۶ و در اوج جنگ جهانی اول به طور سری و مخفیانه بر روی نقشه سرزمین شام ترسیم شدند. سر مارک سایکس و فرانسوا ژرژ-پیکو به ترتیب از طرف دولت‌های انگلستان و فرانسه مامور شدند تا در مورد تقسیم سرزمین‌های امپراتوری عثمانی که در اتحاد با آلمان و قدرت‌های مرکز وارد جنگ شده بود، تصمیم‌گیری کنند. سرچی سازانوف وزیر امور خارجه وقت روسیه نیز حضور داشت. در آن زمان اوضاع جنگ مناسب نبود. بریتانیا در ژانویه ۱۹۱۶ از گالی‌پولی عقب‌نشینی کرد و در آوریل نیروهای آن در محاصره کوت در منطقه بین‌النهرین تسلیم شدند.

با وجود این متحدان توافق کردند که استانبول، گذرگاه دریایی از دریای سیاه به مدیترانه و ارمنستان به روسیه برسد، بارسا و جنوب بین‌النهرین در اختیار بریتانیا قرار گیرد، و بخش میانی شامل لبنان، سوریه و سیلیسیا (ترکیه امروز) نصیب فرانسه شود. فلسطین به عنوان یک قلمرو بین‌المللی شناخته شد. منطقه میان قلمروهای بریتانیا و فرانسه که عمدتاً بیابان بود، تحت نفوذ این دو قدرت قرار گرفت. در سال ۱۹۱۷ سهم ایتالیا نیز مشخص شد. اما پس از شکست امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۸ این خطوط بر مبنای دیپلماسی و دستاوردهای جنگی تغییر یافتند. ترک‌ها به رهبری کمال پاشا آتاتورک خارجیان را از آناتولی بیرون راندند. موصل در ابتدا به فرانسه رسید و سپس ترکیه مدعی آن شد و سرانجام به دست بریتانیا افتاد که آن را به عراق ملحق کرد. نفت یکی از دلایل بروز اختلاف‌نظرها بود. حتی قبل از جنگ نیز چندین منطقه عربی از جمله مصر، شمال آفریقا و بخش‌هایی از حاشیه خلیج فارس به عنوان مستعمره یا دولت‌های دست‌نشین معرفی شده بودند.

با وجود این سایکس-پیکو به عنوان اصطلاحی برای اشاره به خیانت‌های امپریالیستی به کار رفت. جرج آنتونیوس تاریخ‌نویس عربی این سند را محصول «تردید و بدبینی بیش از حد متحدان طمعکار و عامل بروز حماقت» می‌نامد. این در واقع یکی از سه تعهد جداگانه بزرگ و برگشت‌ناپذیری بود که انگلستان در قبال فرانسه، اعراب و یهودیان پذیرفت. تضادها و مناقشات ناشی از آن از همان زمان عامل پیدایش ناراحتی‌ها بوده است. در پایان اعرابی که در گذشته به پادشاهی بزرگ هاشمیان از دمشق عادت داشتند با چندین منطقه کوچک بدون دولت مواجه شدند. مسیحیان مارونی لبنان بزرگ را از آن خود کردند اما نتوانستند آن را کنترل کنند. کردها که خواهان دولت مستقل بودند، نتوانستند به آن دست یابند و خود در چهار کشور تقسیم شدند. یهودیان بخشی از فلسطین را گرفتند. هاشمیان که رهبری قیام اعراب علیه عثمانی‌ها را با کمک بریتانیا (به ویژه تی‌ای لورنس) بر عهده داشتند، توسط فرانسویان از سوریه بیرون رانده شدند. آنها همچنین پایگاه اجدادی خود حجاز شامل شهرهای مقدس مکه و مدینه را به عبدالعزیز بن سعود باختند که رئیس قبیله و مورد حمایت بریتانیا بود و به همراهی رهبران وهابی عربستان سعودی را پایه‌گذاری کرد. یک شاخه از هاشمیان حکومت عراق را در دست گرفت؛ اما پادشاه آنان ملک فیصل دوم در سال ۱۹۵۸ کشته شد. شاخه دیگر در پادشاهی کوچکی به نام ترانس اردن یا اردن کنونی مستقر شدند که بریتانیا آن را با عجله از فلسطین جدا کرده بود.

اسرائیل که در سال ۱۹۴۸ به جنگ با اعراب کشانده شد، بیشتر نبردها علیه دولت‌های عربی در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ را با پیروزی به پایان رسانید. اما هجوم آن به لبنان در سال ۱۹۸۲ یک شکست مفتضحانه به همراه داشت. فلسطینیان که در سرتاسر خاورمیانه پراکنده شده بودند، در سال ۱۹۷۰ به جنگ داخلی اردن وارد شدند و به آغاز جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ نیز دامن زدند. سوریه در سال ۱۹۷۶ در لبنان مداخله کرد و تا زمان قیام‌های سال ۲۰۰۵ در این کشور باقی ماند. بیش از دو دهه فرآیند صلح بین اسرائیل و فلسطینیان که متعاقب پیمان سال ۱۹۹۳ اسلو آغاز شده بود، فقط به پیدایش ناخوشایند مناطق خودمختار در کرانه غربی تحت اشغال اسرائیل و نوار غزه منجر شد. پس از خروج اسپانیایی‌ها در سال ۱۹۷۵ مراکش به غرب صحرای بزرگ وارد شد. یک سال پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ عراق جنگی را آغاز کرد که هشت سال به طول انجامید. سپس در سال ۱۹۹۰ عراق به کویت حمله کرد و توسط نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا عقب رانده شد.

کانال سوئز و ذخایر عظیم نفتی، این منطقه را در خط مقدم ژئوپولیتیک جنگ سرد قرار داد. در سال ۱۹۵۶ انگلستان و فرانسه، اسرائیل را در جنگ علیه مصر یاری کردند اما مجبور شدند با فشار آمریکا عقب بکشند. با وجود این آمریکا به زودی به قدرت مسلط خارجی و حامی اسرائیل تبدیل شد. پس از خروج مصر از اردوگاه شوروی در سال ۱۹۷۹ آمریکایی‌ها پیمان صلح اسرائیل و مصر را منعقد کردند. همچنین آمریکا دو بار در سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ در لبنان دخالت کرد. در طول جنگ ایران و عراق ناوهای جنگی آمریکا در خلیج فارس از نفتکش‌ها محافظت می‌کردند و پس از بیرون راندن عراق از کویت در سال ۱۹۹۱، آمریکا در عربستان باقی ماند تا منطقه پرواز ممنوع عراق را تحت نظر داشته باشد. آمریکا در پاسخ به حملات القاعده به واشنگتن و نیویورک در سپتامبر ۲۰۰۱ به افغانستان حمله کرد و در سال ۲۰۰۳ عراق را به تصرف درآورد. به گفته رامی خوری از دانشگاه آمریکایی بیروت: «بسیاری از کشورها مرزهای عجیب و غریب دارند، اما برای اعراب توافقنامه سایکس-پیکو نشانه‌ای از ناراضی‌تبی عمیق از سنت استعماری است. حدود یک قرن است که قدرت‌های غربی ما را بازی داده‌اند و در این منطقه دخالت نظامی کرده‌اند.»

منبع: اکونومیست

با ایجاد موسسات خیریه و ترویج وهابیت

عربستان از کوزوو برای تروریست‌ها نیرو می‌گیرد

کوزوو به عنوان کشوری کوچک به نسبت بیشترین جمعیت جوان خارجی عضو داعش را داشته است. تبلیغ وهابی‌گری و سرمایه‌گذاری‌های گزاف عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس در کوزوو را می‌توان علت اصلی آن دانست.

دیپلماسی ایرانی: سال هاست عربستان سعودی سیاستگذاران آمریکایی را ناامید کرده است. عربستان که متحد مهم آمریکا در خاورمیانه است و در پناه تسلیحات و کمک‌های آمریکا توانسته مقابل دشمنان خود مقاومت کند، میلیون‌ها دلار مخفیانه صرف

پرورش افراط‌گرایی نشان دهنده رفتار تناقض‌گویانه و دوگانه متحدان آمریکا در خلیج فارس است و نشان می‌دهد که چرا روابط آمریکا با این کشورها دچار مشکلات فزاینده شده است. کوزوو که در سال ۱۹۹۹ و به دنبال بمباران‌های ناتو توانست از زیر یوغ صربستان رها شود، به عنوان جامعه‌ای متساهل شناخته شده است. برای چندین قرن، جامعه اکثریت مسلمان آن از مذهب به نسبت لیبرال حنفی پیروی می‌کردند. از زمان جنگ این سنت از سوی پیشوایان عربستان مورد تهدید قرار گرفته و هزینه‌های آن نیز از سوی خیریه‌های تحت حمایت عربستان تامین شده است که مشوق حاکمیت قانون شریعت و تقویت خشونت و تفکر تکفیری هستند. این ایدئولوژی کشتن مسلمانانی که آنها را بدعت‌گذار می‌داند، مجاز می‌شمرد.

اکثر مردم کوزوو مقابل این تبلیغ‌ها مقاومت کرده‌اند و مقامات این کشور نیز اعلام کرده‌اند که حمایت از غرب و آمریکا به قوت خود باقی است. با این وجود کارشناسان به عللی اشاره می‌کنند که نشان می‌دهد این کشور بستری مناسب برای جذب نیرو به ایدئولوژی‌های رادیکال است؛ جمعیت گسترده‌ای از جوانان که در مناطق روستایی فقیر زندگی می‌کنند و امید اندکی به فرصت‌های شغلی دارند، فساد و عدم اعتماد به حکومت و



وجود یک سیستم آموزشی که به گفته گزارش مرکز مطالعات امنیتی کوزوو، مشوق تفکر انتقادی نیست، از عوامل گرایش به ایدئولوژی‌های رادیکال است.

این که چرا حکومت کوزوو، سازمان ملل و آمریکا زودتر وارد اقدام نشده‌اند نامشخص است. شاید آمریکایی‌ها به این دلیل که جامعه کوزوو، جامعه‌ای متعادل به لحاظ مذهبی تصور می‌شد دچار اشتباه شدند.

حملات ۱۱ سپتامبر به سرعت خطر را مشخص کرد. چندین نهاد وابسته به عربستان سعودی در کوزوو بسته شدند و عربستان نیز که به نظر می‌رسد کمک‌های خود را به کوزوو کاهش داده، اکنون اصرار دارد که کنترل مستقیم روی خیریه‌ها، مساجد و مبلغ‌های خود ایجاد کند. با این وجود، کویت، قطر و امارات متحده عربی کمک‌های مالی خود برای تقویت تندروان اسلام‌گرا در کوزوو را افزایش داده‌اند.

دولت‌های عرب هنوز نتوانستند درک کنند تا چه اندازه اسلام افراطی می‌تواند خود آنها را در معرض خطر قرار دهد. اگر چه خاندان سلطنتی عربستان مشروعیت خود را بر پایه وهابیت بنیان نهاده‌اند، اما داعش پادشاهی عربستان را نیز متهم کرده است. از سال ۲۰۱۴ تا کنون بیست حمله تروریستی در عربستان صورت گرفته که بسیاری از آنها را داعش انجام داده است.

دولت کوزوو که با آمریکا همکاری دارد تلاش کرده است تا با اتخاذ برخی قوانین مرتبط به مبارزه با تروریسم و پیگیری اقدامات پولشویی برای مخفی نگاه داشتن تامین مالی گروه‌های افراطی، به مبارزه با تروریسم بپردازد. به نظر می‌رسد طی هفت ماه اخیر هیچ تبعه کوزوویی به داعش نیویورک و تعداد اتباع این کشور که هم‌اکنون در میدان مبارزه سوریه و عراق هستند نیز به ۱۴۰ نفر رسیده است.

منبع: نیویورک تایمز

اشاعه وهابیت، یعنی ایدئولوژی افراط‌گرایانه‌ای کرده که الهام بخش عاملان حملات ۱۱ سپتامبر بود و هم‌اکنون نیز بر آتش داعش می‌دمد.

آخرین برگ این تاریخ تاسف‌بار مربوط به کوزوو است. کوزوو با جمعیت اندک ۱/۸ میلیون نفری خود بیش از هر کشور دیگری جمعیت جوان خود را برای جنگ به سوریه و عراق فرستاده است. از ۲۰۱۲ تا کنون حدود ۳۱۴ نفر شامل ۲ عامل انتحاری، ۴۴ زن و ۲۸ کودک از کوزوو به داعش پیوسته‌اند. حتی بلژیک نیز که پس از حملات به پاریس و بروکسل به عنوان منبعی برای اشاعه تروریسم تصور می‌شود تا این اندازه داوطلب پیوستن به داعش نداشته است.

همان‌طور که مجله تایمز به خوبی در یکی از گزارش‌های اخیر خود بدان اشاره کرده، کوزوو به خاطر تلاش‌ها و هزینه‌های زیادی که عربستان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس طی سال‌ها برای ایجاد انجمن‌های مخفی و مساجد در این کشور کردند، در موقعیت فعلی قرار گرفته است. اگر چه هیچ مدرکی دال بر این که گروهی مستقیماً به کوزوو برای اعزام نیرو به سوریه پول داده باشد، وجود ندارد اما به گفته مقامات رسمی کوزوو گروه‌ها و پیشوایان افراط‌گرا در این کشور هزینه‌های گزافی برای گسترش تفکر افراط‌گرایانه میان جوانان و اقبال آسب پذیر انجام داده‌اند. به گفته «فاتوس ماکولی»، رئیس اداره مبارزه با تروریسم پلیس کوزوو، گروه‌های افراطی از متفکرانی حمایت می‌کنند که به اسم حفاظت از اسلام، مروج خشونت هستند.

آمریکا و ناتو سرمایه‌گذاری سنگینی در حمایت از کوزوو و استقلال آن از صربستان و برقراری دموکراسی در سال ۲۰۰۸ انجام دادند. استفاده عربستان سعودی از کوزوو به عنوان بستر



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

بین الملل

جهان با خطر ظهور گرایش‌های ملی گرایانه روبه‌رو است

ترامپ؛ کیم جونگ اون آمریکایی

نویسنده: کریستوفر هیل

خلق و خوی ترامپ نشان می دهد که وی از درایت و دانش لازم برای نظارت و رهبری جهانی برخوردار نیست. از این رو می توان دونالد ترامپ را با کیم جونگ اون مقایسه کرد.

از هر زاویه ای که نگاه کنیم، هفتمین کنگره سراسری

هایی برای تسهیل این مشکلات داخلی به وجود آمده اند. یکی از این راه حل ها همگرایی در موجودیت هایی گسترده تر مانند اتحادیه اروپا است. متاسفانه استفاده از این مدل مانند گذشته کارا نیست و نظرسنجی های عمومی نیز نشان می دهد که ماهیت های فراملیتی در حال از دست دادن محبوبیت خود هستند. تمایل به خروج بریتانیا از اتحادیه می تواند شاهدی بر این مدعا باشد. در این میان، کشورهای مثل ترکیه که خارج از اتحادیه اروپا هستند، تلاش می کنند بدون پذیرش مسئولیت هایی که رفتار آنها را محدود می کند، مسیر خود را به داخل اتحادیه باز کنند. اما ترکیه هر چه بیشتر برای شکل دادن به امور خاورمیانه تلاش می کند، بیشتر از این که شبیه یک دولت - ملت قوی شود، شبیه یک قدرت منطقه ای خودسر می شود که نتوانسته از تاریخ درس بگیرد. آشوب موجود در خاورمیانه معضلی نه تنها در مقابل ترکیه، بلکه مقابل جهانیان است. آنهایی که تصور می کردند بهار عربی می تواند خاورمیانه را وارد دوران دموکراسی کند، هرگز پیش بینی نمی کردند که نیروهای پس رونده - نظیر داعش - چه قدرت و تاثیری می توانند در عقب گرد موقعیت منطقه داشته باشند. حتی کشورهایی که سخت برای حفظ دولت سکولار تلاش کرده اند، در نهایت گرفتار دولت نظامی شده اند. مصر مثال خوبی از افتادن به دام این تله است.



تضعیف دموکراسی با یک رویه دیگر نیز همراه بوده است: ظهور دشمنی میان کشورهایی که می توانند از همکاری، به مراتب بیش از رقابت منفعت بجویند. روسیه تبدیل به یک قدرت تجدید نظر طلب شده است. چین، به نوبه خود برای تثبیت دعای سرزمینی خود وارد تلاش های یک جانبه در دریای چین جنوبی شده است. این اقدام نه تنها روابط آن را با همسایگانش در منطقه پیچیده تر کرده، بلکه رابطه آن با آمریکا را نیز دچار مشکل کرده است. آمریکا نیز با مشکلات خاص خود مواجه است. انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری و بویژه ظهور ترامپ، شک و تردیدها را در مورد توان آمریکا برای مدیریت شرایط جهانی برانگیخته است. کمپین ترامپ با گرایش های ملی گرایانه خشن، حمایت از قوانین ضد مهاجرت و انتقاد از روابط آمریکا با متحدان و مخالفان خود شناخته شده است. ترامپ هم اکنون هواداران وفاداری دارد. این موضوع نشان می دهد که تا چه اندازه نظم جهانی معاصر آسیب پذیر است. خلق و خوی ترامپ نشان می دهد که وی از درایت و دانش لازم برای نظارت و رهبری جهانی برخوردار نیست. از این رو می توان دونالد ترامپ را با کیم جونگ اون مقایسه کرد. تفاوت عمده آنها این است که کیم تنها بر کشور کوچک کره شمالی سلطه دارد، اما نفوذ ترامپ در صورت پیروزی به مراتب و رای مرزهای سرزمینی ایالات متحده خواهد بود.

منبع: پراجکت سیندیکیت

در سایه تحولات امروز

عرب تمام شد؟

هانی عماره

هانی عماره، نویسنده و روزنامه‌نگار مصری، دبیر تحریریه روزنامه الاهرام و عضو شورای شش نفری پیکسوتان اتحادیه روزنامه‌نگاران مصر است.

هانی عماره می نویسد: من فروپاشی عرب را در سایه درگیری‌ها و فرار میلیون‌ها نفر و همچنین ویرانی و تخریبی که همه چیز را در برگرفته و صحنه وحشتناکی به وجود آورده است می بینم.

آیا "عرب" پایان یافته است؟ این سوالی است که غالباً ذهن مرا به خود مشغول می کند. من فروپاشی عرب را در سایه درگیری‌ها و فرار میلیون‌ها نفر و همچنین ویرانی و تخریبی که همه چیز را در برگرفته و صحنه وحشتناکی به وجود آورده است می بینم. صحنه ای که هنوز تمام نشده و همچنان ادامه دارد. می توان گفت جهان عرب تنها نقطه ای در جهان است که هر روز در آن خونریزی می شود و جان افراد به دست خودمان، نه دیگران، گرفته می شود.

کسانی که از عرب متفر هستند و طمع کاشتن فتنه و ایجاد جنگ داخلی در دل جهان عرب را داشتند، موفق شدند به هدف خود برسند، آنها خوشحالی خود را پنهان نمی کنند. در حال حاضر هم بی کار ننشسته اند و زیر پرچم موسوم به پیمان مدعی مبارزه با (داعش) جمع شده اند. جایی که تبدیل به موقعیتی شده تا فرصتی تاریخی برای ایجاد استعماری جدید

به وجود آید و سلاح های پیشرفته خود را در کارخانه های اسلحه سازی شان بسازند و در سرزمین های عربی مورد آزمایش قرار دهند. علاوه بر آن ارزش های میهنی و زیرساخت های کشورها را نابود کرده اند و فرصتی به وجود آورده اند تا جنگ ها ویرانه ای



به پا کنند تا برای بازسازی آن شرکت های آنها مجددا وارد عمل شوند و میلیاردها دلار تاراج کنند.

با وجود تصویر بد و قساوت شدیدی که بر وضعیت فعلی جهان عرب حاکم است اما من یقین دارم که ملت عرب از این مرحله عبور خواهند کرد و روزی خواهد رسید که ملت عرب از این خواب غفلت بیدار خواهند شد و خود را نجات خواهند داد و چه بسا علیه این استعمارگران جدید قیام کنند و علیه مخاطراتی که وجود آنها را تهدید می کند، متحد شوند. چه بسیار کشورهایی بودند که در معرض بدترین و وحشی ترین جنگ ها قرار گرفتند و ویران شدند اما به خود آمدند و برخاستند و از این وضعیت عبور کردند و به پیشوای امت ها تبدیل شدند. در تاریخ ژاپن و آلمان و حتی اروپای دور کم چنین تجربه هایی از خود به جای نگذاشته اند.

بین پرانتز: تاریخ ثابت می کند که امریکایی ها خود تروریسم و مرگ آفرینی را در عصر مدرن ساخته اند اما کسانی که الآن به اوپاما حمله می کنند باید منتظر باشند و ببینند که در صورت پیروزی ترامپ یا حتی هیلاری کلینتون در انتخابات آینده چه وضعیتی بدر از این به وجود خواهد آمد.

منبع: الاهرام

ELHAM EXCHANGE

REGISTERED WITH:




صرافی الهام

نقل و انتقال ارز به ایران و بالعکس

EMAIL: elhamexchange@gmail.com

Tel: 020 800 19 347

Fax: 020 804 33 789

Mobile: 07525 234 789

www.elhamexchange.com

BASED IN HARROW

کارگران مشغول تنبیه اند!

شرایط بد سال های تحریم اثرات منفی بسیاری بر اقتصاد و معیشت افراد جامعه داشته است از ورشکستگی بسیاری از کارخانه ها و کارگاه های کوچک گرفته تا تعدیل نیروهای گسترده و بیکاری کارگران. از سویی کم نیستند کارگران مشغول به کاری که معوقات بسیاری دارند و چرخ زندگیشان در میان گل و لای مشکلات اقتصادی دوران تحریمها جا خوش کرده و حتی فضای پسا برجام هم هنوز نتوانسته گرهی از مشکلات شان را باز کند. در این بین شنیدن



خبر اعتراض و تجمع و تحمیل کارگران برای دریافت معوقات شان که هراز گاهی از نقاط مختلف کشور به گوش می رسد در حال تبدیل شدن به امری عادی است. هرچند باید برای حل مشکلات این قشر آسیب پذیر چاره ای اندیشیده شود، اما به جای شنیدن صدای اعتراض کارگران توسط مسئولان شاهد خبر مجازات کارگران معترض در استان آذربایجان غربی هستیم، البته این اولین باری نیست که کارگران معترض مجازات می شوند ولیکن نباید فراموش کرد که احکام قضایی در مواردی که اعتراضات صنفی به خشونت کشیده و تخریب اموال را در پی داشته و شامل وصف کیفری باشد، اجتناب ناپذیر است.

مجازات کارگران معترض

فروردین ماه سال گذشته، ۵ تن از کارگران معدن چادرملو در استان یزد محکوم به گذراندن یک سال زندان و تحمل ضربات شلاق شده بودند. همچنین سال گذشته، دو تن از نمایندگان قانونی کارگران نانوائی های سنندج به تحمل ۵ ماه حبس تعزیری و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند که محکومیت این دو فعال کارگری با نظر مثبت قاضی به ۵ سال حبس تعلیقی تبدیل شد.

در شهریور سال ۹۳ نیز دادگاه عمومی بندر امام خمینی ۴ کارگر شرکت پتروشیمی رازی را به تحمل ۶ ماه حبس و ۵۰ ضربه شلاق محکوم کرده بود. حکم دادگاه در پی شکایت مدیر عامل شرکت پتروشیمی رازی از این کارگران به اتهام اخلاف در نظم صادر شد. با این همه، دادگاه با توجه به فقدان سوء سابقه کیفری و متاهل بودن کارگران، حبس و شلاق آنان را به مدت دو سال تعلیق کرد.

ماجرای کارگران معدن آق دره

دی ماه سال ۱۳۹۳ بود که جمعی از کارگران معدن «طلای آق دره» در استان آذربایجان غربی در اعتراض به تصمیم کارفرما در خصوص تعدیل ۲۵۰ نفر از همکاران شان در داخل محوطه معدن تجمع کردند. ماجرا از این قرار بود که شرکت پیمانکار اصلی معدن طلای آق دره از ابتدای همان ماه، ۲۵۰ نفر از کارگران این معدن را به دلیل تمام شدن مدت قرارداد اخراج کرد. این اخراج در حالی انجام شد که سابقه کاری این کارگران به یک تا هفت سال می رسید. همان روزها بود که کارفرمای این کارگران نسبت به این تجمع به دادگاه شکایت کرده و ۱۷ نفر از کارگران معترض به جزای نقدی و شلاق محکوم شدند. هم اکنون حکم شلاق این کارگران اجرا شده است. البته اولین بار نیست که کارگران معدن طلای آق دره خبر ساز می شوند. سال ۹۳ خبر خودکشی ۳ تن از کارگران بیکار شده معدن طلای آق دره در محوطه معدن نیز در شهر تکاب پیچید و عدم توجه مسئولان به حادثه و وخامت شرایط کاری کارگران این معدن سبب ادامه اعتراضات و تجمع کارگران شد.

پرونده مخومه است

«وحید یاری» وکیل کارگران در زمینه اتهامات کارگران گفته است: این کارگران براساس دو پرونده قضایی که به صورت جداگانه علیه آنها تشکیل شده بود، به ترتیب در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری در شهر تکاب و شعبه ۱۰ تجدید نظر استان آذربایجان غربی محاکمه شدند. در پرونده نخست که به صورت مشترک با شکایت شرکت کارفرما و یکی از نهبانان شرکت علیه ۸ نفر از کارگران فصلی معدن تشکیل شده بود این ۸ نفر به اتهام «ممانعت و بازداشتن مردم از انجام کسب و کار با ایجاد هیاهو و جنجال»، «توهین به نهبان شرکت»، «تخریب لباس و توقیف غیر قانونی نهبان» و «تخریب عمدی تابلوی شرکت» مورد محاکمه قرار گرفتند و براساس رای دادگاه بدوی تمامی این افراد مجرم شناخته شدند. بر این اساس هرکدام از متهمان ردیف اول تا پنجم به تحمل ۱۵۰ ضربه شلاق و ۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند که این حکم در دادگاه تجدید نظر به ۱۰۰ ضربه شلاق و ۳۷ ماه حبس تعزیری تقلیل پیدا کرد. یاری در مورد رای که از سوی این دادگاه برای سایر متهمان ردیف ششم تا هشتم صادر شده است، افزود: در نهایت در جلسه تجدید نظر این احکام به ۵۰ ضربه شلاق و ۳۷ ماه حبس تعزیری محکوم شدند.

این وکیل دادگستری همچنین در مورد پرونده دومی که علیه ۹ نفر از کارگران

فصلی معدن طلای آق دره تشکیل شده بود، گفته: در این پرونده کارگران یاد شده به ارتکاب «ممانعت و بازداشتن مردم از کسب و کار با هیاهو و جنجال» متهم شده بودند که در نهایت همگی از سوی دادگاه مجرم شناخته شدند. او افزود: براساس رای دادگاه تجدید نظر به حبس ۶ ماهه و محکومیت شلاق به ۵۰ ضربه محکوم شدند. یاری همچنین در مورد آرای که برای سایر متهمان صادر شده است، گفته: مطابق حکم دادگاه بدوی هرکدام از متهمان ردیف های دوم تا سوم و پنجم تا نهم به پرداخت ۵۰۰ هزار تومان جریمه نقدی و ۵۰ ضربه شلاق تعزیری محکوم شدند که در نهایت در مرحله تجدید نظر محکومیت جزای نقدی تعیین شده ثابت ماند اما مجازات شلاق هرکدام از متهمان به ۳۰ ضربه کاهش یافت. وی تاکید کرد: در حال حاضر به دلیل آنکه سایر مجازات های تعیین شده برای متهمان پرونده به استناد رای دادگاه تجدید نظر به اجرا درآمده است، پرونده های یاد شده از نظر حقوقی مختومه اعلام شده است.

اختلاف کارگر و کارفرما نباید به دستگاه قضا برود

فرامرز توفیقی مشاور مجمع نمایندگان کارگری در رابطه با این حکم گفته است که ارجاع پرونده هایی که در حوزه روابط کار است، به مراجع قضایی، از اساس ایراد دارد چرا که روابط کار در حوزه مراجع حل اختلاف است و در صورت نیاز به پیگیری قضایی این هیات ها باید ارجاع پرونده به مراجع قضایی را تشخیص دهند. این نماینده فعال کارگری خاطر نشان کرد: اینکه کارفرما از کارگرش به دلیل اعتراض به حق قانونی خودش شکایت کند و این شکایت منجر به حبس و شلاق یا دیگر احکام شود، پسندیده نیست و دل هر کسی به درد می آید؛ وقتی کلمه کارگر را در کنار کلمه شلاق، زندان و جریمه نقدی می بیند، این نماینده کارگری با اشاره به اینکه درخواست این کارگران، بررسی لغو قرارداد به صورت یکجانبه از سوی کارفرما بود، خاطر نشان کرد: از نظر قراردادهای بین المللی که کشور ما نیز به آن پیوسته و آنها را قبول دارد، اعتراضات صنفی یکی از حقوق حقه کارگران محسوب می شود و اینکه با استناد به ممانعت از کسب و کار کارفرما، از کارگر شکایت شود به هیچ عنوان صحیح نیست. براساس این گزارش، باید گفت کارگران در شرایط سختی زندگی می کنند و اگر به موقع صدای اعتراض آنها شنیده شود هرگز شاهد چنین رخداد تلخی نخواهیم بود. رسیدگی به اختلاف کارگر و کارفرما باید در مراجع حل اختلافی که در قانون کار پیش بینی شده در کمال آرامش انجام شود. با توجه به حساسیت های افکار عمومی در این موارد دولت باید با صدور بخشنامه ای به استانداری ها از آنها بخواهد که در موارد اختلاف کارگران و کارفرمایان پیش از آنکه پای دستگاه قضایی به ماجرا کشیده شود به مسئله ورود کنند و جلوی طرح آن دعوا را بگیرند و به حل مسالمت آمیز آن کمک کنند. زیرا با گسترش اعتراضات و عدم حل قانونی آن احتمال برخورد و رفتار خلاف قانون از هر دو طرف وجود دارد که در آن صورت ارسال پرونده به دستگاه قضا اجتناب ناپذیر است. انتظار برای برخورد عقلانی و توأم با آرامش میان کارگر و کارفرما در صورت بروز اختلاف دست یافتنی است، بنابراین امیدواریم در آینده شاهد چنین اتفاقاتی نباشیم.

تجمع صنفی نباید موجب توهین یا تخریب شود

عبدالصمد خرمشاهی حقوقدان

موضوع اعتراض کارگران به اخراج و معوقات خود و به دنبال آن تخریب اموال کارفرما و ... که در نهایت منجر به صدور و اجرای حکم شلاق برای آنان شده است از این بابت اهمیت پیدا می کند که بارها گفته شده و شنیده ایم که کارگران اقتدار زحمتکش و شریف جامعه هستند و در هر جامعه ای حضور کارگر از لوازم و مقدمات توسعه و پیشرفت یک جامعه است. شنیدن خبر شلاق خوردن ۱۷ نفر از کارگران معدن طلای «آق دره» انعکاس بسیار منفی ای را در اذهان عمومی و رسانه ها ایجاد کرده است. در اینجا به چند نکته اساسی به صورت گذرا اشاره می کنیم و امیدواریم، از این نوشتار مختصر نتیجه مثبت گرفته باشیم. اولاً موارد اتهامی که برای کارگران موصوف ذکر شده از قبیل بازداشتن افراد از کسب و کار و سایر موارد با تطبیق ماده ۶۱۸ مجازات اسلامی اندکی دور از ذهن به نظر می رسد. اگر چه از محتویات پرونده خبری نداریم، اما بر فرض صحت موضوع باید به اهداف مجازات ها و تاثیر آن در جامعه دقت بیشتری اعمال شود. مسلماً کارگران زحمتکش معدن موصوف، که برای قوت لایموت خود نسبت به عملکرد کارفرما اعتراض داشته اند، خواسته شان صرفاً حل مشکلات معیشتی و کاری خود بوده ولا غیر. بنابراین احکامی که مطابق قانون، دادگاه محترم صادر کرده و در مرحله تجدیدنظر تغییری در آن داده شده است با عنایت به انگیزه کارگران می توانسته اجرای آن مطابق ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی معلق بماند یا اینکه صدور حکم به تعویق بیفتد یا مطابق بند (پ) ماده ۲۸ قانون یاد شده، حداکثر تخفیف در مورد آنان اعمال شود. اعمال مجازات شلاق که ظاهراً اجرا نیز شده، طبیعتاً همان گونه که در مقدمه ذکر شد پاسخ مطلوبی به تجمع صنفی کارگران که از حقوق مسلم آنان است، نیست. البته لازم است به این موضوع اشاره کنم وزارت کار زمانی صلاحیت ورود به موضوع را دارد که صرفاً اختلاف میان کارگر و کارفرما بر سر میزان دستمزد یا پرداخت اجرت معوقه و سایر موارد مشابه باشد که همه این موارد در قانون کار ذکر شده است اما زمانی که تجمع صنفی موجب توهین یا تخریب شود صرفاً رسیدگی به موضوع در صلاحیت محاکم قضایی است. اما نهایتاً باید گفت به لحاظ انگیزه کارگران و حساسیت موضوع اجرای مجازات می توانست معلق بماند چرا که نه تنها آن چه مراد و منظور قانونگذار از اعمال مجازات است برآورده نشده، بلکه با صدور چنین احکامی موجب دلسردی و ناراحتی این قشر شریف و زحمتکش نیز خواهد شد. ضمن آنکه طبیعتاً رسانه های معاند و مخالفان حکومت می توانند به بهترین نحو از این گونه اخبار له خود استفاده کنند.

اویس مدبر و خانم کوچکی

www.principalaccounting.co.uk

FROM BASIC BOOKKEEPING TO MORE COMPLEX FINANCIAL NEEDS.

Preparation of Accounts and Relevant Documents for Tier 1 Entrepreneur £200,000 Investment Visa

- Self Assessment Tax Return, Accounts and Income Tax
- Company Accounts and Corporation Tax Return
- VAT, CIS and Payroll
- Company Formation
- Business Plans, Commercial Loans and Mortgages
- Specialist Tax Investigations
- Tax Saving Advice and Tax Planning
- Specialist Accountants for Dentists, IT Gas & Oil Engineers and Sub Contractors

Ovace Modabber FCPA, FMAAT
Licensed & Regulated by AAT

Certified Public Accountants
Time House
56b Crews Road
Golders Green, NW2 2AD

Telephone: 020 8209 1919
Fax: 020 8209 1915
Mobile: 078 5232 8888
ovace@principalaccounting.co.uk

شرکت‌های بزرگ آمریکایی از روند انتخابات
خشنود نیستند

آمازون، گوگل و اپل دشمنان سرسخت ترامپ



از قرار معلوم دونالد ترامپ نامزد جنجالی و میلیاردر حزب جمهوری خواه آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری این کشور، پس از موضع گیری های عجیب و غریب و آزاردهنده علیه مهاجرین مکزیکی، چینی ها و زنان، به سراغ غول های تکنولوژی آمریکا می رود. این کاندیدای ریاست جمهوری ایالات متحده در جریان رقابت های انتخاباتی خود به صورتی آشکار و به دور از هر ملاحظه ای شرکت های بزرگ و محبوبی مانند اپل و آمازون را تهدید کرده است و همچنان به تهدیدهای خود علیه آنها ادامه می دهد. در آغاز این تهدیدها و رجزخوانی های ترامپ، حتی شخص "جف بزوس"، رئیس کمپانی معظم آمازون نیز واکنش نشان داد و به نوعی اظهارات تهدید آمیز این میلیاردر جنجالی را به باد تمسخر گرفت اما در حال حاضر سکوت کرده و تنها به این تهدیدها می خندد. ترامپ که خود یکی از غول های ساختمان و املاک به شمار می رود روز به روز بیشتر این کنسرسیوم های عظیم و باارزش را به سمت نهادهایی با ریسک تجاری بالا سوق می دهد.

ترامپ در ماه فوریه و در خلال یکی از گردهمایی های انتخاباتی در ایالت تگزاس خطاب به طرفدارانش گفت: "باور کنید اگر من رئیس جمهور شوم آنها مشکلات زیادی پیدا خواهند کرد." این تهدید ترامپ متوجه بزرگترین فروشنده آنلاین جهان یعنی شرکت آمازون و رئیسش بزوس بود. ترامپ که خود یک میلیاردر و از جمله بزرگترین سرمایه داران عرصه املاک و مستغلات است، شرکت های چند میلیارد دلاری آمریکا را متهم کرد که روزنامه سنتی این کشور یعنی "واشنگتن پست" را خریده اند تا به این صورت در مالیات هایشان صرفه جویی کنند و افکار عمومی را به سمت منافع شان سوق دهند. پیش از این یعنی در ماه دسامبر سال پیش بود که ترامپ و بزوس به دلیل همین جنجال آفرینی ها به شدت علیه یکدیگر آن هم در شبکه اجتماعی توئیتر تاختند. بزوس که از جمله مالکان کارخانه سازنده موشک های فضایی "بلوآوریجین" نیز به شمار می رود در یکی از توئیتهای خود نوشته بود: "بالاخره آقای ترامپ سراغ ما هم آمد. با این حال ما حاضریم که در یکی از موشک های فضایی شرکت بلوآوریجین برای ایشان یک صدلی رزو کنیم و او را به فضا بفرستیم." اما دونالد ترامپ هم که تا به امروز از این مواضع خود عدول نکرده، در همان زمان در مقام پاسخ برآمد و بار دیگر با حضور در استودیوی شبکه تلویزیونی فاکس نیوز آمریکا اعلام کرد: "آمازون یک مشکل منحصر به فرد اما بسیار بزرگ دارد و باید بر اساس قوانین کارتل ها مورد پیگرد قضایی قرار بگیرد." اما این بار بزوس با شدت و حدت کمتری به ادعاهای ترامپ واکنش نشان داد و تنها به یادآوری این نکته اکتفا کرد که این روش براننده یک کاندیدای ریاست جمهوری نیست.

ترامپ شرکت اپل را نیز از حملات لفظی و ادعاهای خود بی نصیب نگذاشته است. این جمهوری خواه ۶۹ ساله تهدید کرده که چنانچه به ریاست جمهوری برسد اجازه نخواهد داد که اپل محصولاتش را در خارج از ایالات متحده آمریکا تولید کند: "ما اپل را مجبور

خواهیم کرد که آن کامپیوتر لعنتی اش (...). را در همین کشور بسازد." این حملات ترامپ زمانی شدت بیشتری یافت که تیم کوک، رئیس شرکت اپل با اف بی آی بر سر شکستن قفل آیفون یکی از تروریست های احتمالی وارد دعوایی حقوقی شده بود. ترامپ در همان زمان آتش بیار معرکه شد و گفت: "باید تا زمانی که اپل پسورد این موبایل را نداده است آن را تحریم کنیم." ترامپ در حالی از تحریم اپل می گفت که می دانست این شرکت اصولاً به پسوردهای خریدارانش دسترسی ندارد. اما موضوع این جنگ و دعوا تنها بر سر مسائلی چون حفظ اطلاعات محرمانه و شخصی یا مقابله با خطر تروریسم نیست. کوک، رئیس اپل در جریان دیدار اخیرش از کشور هندوستان به صراحت علیه سخنان جنجالی ترامپ در مورد ممنوعیت ورود مسلمانان به خاک ایالات متحده آمریکا موضع گرفت اما با وجود همه این موضع گیری ها باز هم به شخص ترامپ حمله ای نکرد و تنها گفت که قدرت شرکت تحت ریاست او و شرکت های مشابه آن در همین گستردگی و تنوع طیف کاربران و مشتریان نهفته است.

با این حال در محافل سیاسی و اقتصادی آمریکا این شایعه جریان دارد که بزرگان سیلیکون ولی، به صورتی نه چندان پنهان، بلکه کاملاً آشکار تلاش دارند که تقابلی کاملاً مستقیم علیه ترامپ را کلید بزنند. بر اساس این اطلاعات از قرار معلوم این گروه ها تلاش دارند که راه هایی برای جلوگیری از رسیدن دونالد ترامپ به صندلی ریاست جمهوری آمریکا پیدا کنند و از پیروزی وی در انتخابات آینده ممانعت به عمل آورند. روزنامه آمریکایی "هافینگتون پست" در ماه مارس سال جاری از ملاقاتی در همین راستا خبر داد. ملاقات و نشستگی که با حضور بسیاری از بزرگان سیلیکون ولی از جمله "لری پیج"، بنیان گذار گوگل، "الون ماسک"، رئیس شرکت تسلا و همین طور تیم کوک، رئیس شرکت اپل برگزار شد. با این حال الون ماسک بلافاصله به این خبر واکنش نشان داد و در صفحه توئیتر خود نوشت که این نشست به هیچ عنوان در رابطه با اختلاف ها با ترامپ نبوده است.

این موضوع که این میلیاردر نیویورکی یعنی ترامپ در سیلیکون ولی هیچ محبوبیت خاصی ندارد به هیچ عنوان امری پوشیده و محرمانه نیست. او در این منطقه به غیر از یک استثنای یعنی "پیتر تیل"، رئیس مشهور شرکت سرمایه گذاری کپیتال ونیچر تقریباً هیچ حامی و پشتیبان بزرگی ندارد. در عین حال غول های سیلیکون ولی از انتقاد تند و علنی علیه ترامپ به نوعی پرهیز می کنند. زیرا این کنسرسیوم های مولتی میلیاردری و مدیران آنها از این که ریسک کرده و در انتخابات ریاست جمهوری از کاندیدای خاصی حمایت کنند یا علیه کاندیدایی موضع بگیرند ابا دارند.

در این میان اما مارک زاکربرگ، بنیان گذار شبکه اجتماعی فیسبوک در مقایسه با دیگر غول های سیلیکون ولی موضع تندتری و علنی تری علیه ترامپ دارد. زاکربرگ پس از حملات پاریس در ماه نوامبر گذشته آشکارا از حملات لفظی ترامپ علیه مسلمانان انتقاد کرد و در ماه آوریل سال جاری هم به ترامپ هشدار داد که "با این اظهارات و عقاید وحشتناک موجب می شود دیوارها ساخته شوند و انسان ها از هم جدا شوند." این انتقاد زاکربرگ در واقع کنایه ای بود به سخنان انتخاباتی ترامپ که خواسته بود با ساختن دیواری در مرز آمریکا و مکزیک از ورود غیرقانونی مکزیک ها به خاک ایالات متحده جلوگیری شود. اما کمی پس از این انتقادات زاکربرگ بود که شرکت فیسبوک متهم شد که از انتشار آرا و عقاید محافظه کاران به نوعی خودداری می کند. و همین مساله زاکربرگ را به شدت تحت فشار گذاشت. به همین خاطر زاکربرگ ۳۱ ساله برای کاهش این فشارها، همین چند روز پیش گروهی از سیاستمداران و روزنامه نگاران اردوگاه راستگرایان را به ساختمان مرکزی فیسبوک در منلوپارک کالیفرنیا دعوت کرد. یکی از مدیران برنامه های انتخاباتی ترامپ نیز در این مهمانی بزرگ حضور داشت. از قرار معلوم بزرگان سیلیکون ولی در برابر این کاندیدای جنجال برانگیز که در صورت پیروز شدن به هیچ عنوان پیروزی خود را مدیون شرکت های پیشرفته و بزرگی مانند اپل و فیسبوک و گوگل و آمازون نخواهد بود، در لاک دفاعی فرو رفته اند.

منبع: دی پرسه

ثبات در منطقه‌ای بی ثبات

اکنونومیست

امیدهای بسیاری وجود داشت که امضای برجام در جولای گذشته میان ایران و ۶ قدرت جهانی به تقویت دست میانه‌روها و کمتر شدن قدرت اصولگرایان بینجامد و این توافق باعث تقویت اقتصاد رکودزده ایران با لغو تحریم‌ها و پیوستن ایران به بازارهای مالی جهانی می‌شود. ولی اکنون چالش‌ها یکی پس از دیگری نمایان می‌شود و فعلاً به نظر نمی‌رسد ایران شرایط کافی برای خروج کامل از انزوای جهانی و روابط با غرب را داشته باشد.

صادرات نفت ایران که به دلیل تحریم‌های وضع شده تقریباً به نصف کاهش یافته بود از زمان برداشته شدن تحریم‌ها در ماه ژانویه گذشته رشدی ۶۰ درصدی داشته است و هیات‌های تجاری غربی به ایران سفر کرده‌اند؛ اما واقعیت آن است که تا زمانی که تحریم‌های وضع شده علیه ایران به خصوص علیه برخی نهادهای این کشور وجود دارند، ریسک سرمایه‌گذاری در ایران بالا خواهد بود.

همچنین انتظارات زیادی ایجاد شده بود که با رفع تحریم‌های بخش مالی و بازگشت ایران به شبکه سوئیفت، شرایط عمومی تجارت و سرمایه‌گذاری، به خصوص در بخش‌های مهم غیرنفتی، بهبود می‌یابد. بعد از جریمه‌هایی که توسط ایالات متحده آمریکا، به دلیل نقض تحریم‌های ایران بر بانک‌های بزرگ اروپایی تحمیل شد، سایر بانک‌های خارجی برای رعایت جانب احتیاط، از ادامه روابط با ایران اجتناب کرده‌اند.

یک مقام ایرانی در این باره و با اشاره به جریمه ۹ میلیارد دلاری بانک «بی ان پی پارینا» در سال ۲۰۱۴ میلادی به اتهام نقض تحریم‌های آمریکا علیه ایران می‌گوید که پس از برجام وضعیت شبیه حالتی است که یک بزرگراه تازه ساخته و افتتاح شده اما هیچ کس از آن استفاده نمی‌کند. هنوز هم بازدیدکنندگان از ایران باید مقادیر انبوهی از پول نقد را با خود به همراه داشته باشند و کارت‌های اعتباری بین‌المللی در ایران کار نمی‌کنند. بانک‌های غیر آمریکایی، نگرانی کمتری برای ورود به ایران دارند تا جایی که برخی از سازمان‌های اعتباری صادراتی اروپا از جمله ایتالیا شروع به اعطای اعتبار کرده‌اند. علاوه بر این، بانک‌های بلژیکی و آلمانی نیز تمایل خود برای



فعالیت در ایران را اعلام کرده‌اند.

سرمایه‌گذاران آمریکایی نیز ترس آن را دارند که در صورت سرمایه‌گذاری در ایران با مجازات تحریم مواجه شوند. به‌رغم آنکه ایران کشوری با ثبات در منطقه‌ای بی‌ثبات محسوب می‌شود و جمعیت تحصیل‌کرده‌ای دارد و شبکه‌های زیرساختی‌اش به خوبی توسعه یافته است بسیاری از شرکت‌های غربی نگران تحریم‌های ضد ایرانی هستند. همچنین انتخابات آمریکا نیز پیش‌رو است و نتیجه آن نامشخص است و همین موضوع بر تردید سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در ایران می‌افزاید.

اظهارات ولی‌الله سیف، رئیس بانک مرکزی ایران در کشورهای خارجی نشان می‌دهد که ایران از عدم اجرای وعده غربی‌ها رضایتمند نیست. همچنین به نظر می‌رسد که رئیس‌جمهوری ایران کاملاً دست بازی در دیدار با مقام‌های خارجی ندارد از جمله آنها می‌توان به لغو سفر برنامه‌ریزی شده روحانی به بلژیک و اتریش در ماه گذشته در آخرین لحظه اشاره کرد. روحانی در موقعیت دشواری قرار گرفته است. از یکسو می‌خواهد نشان دهد که سمت مردم است هم از لزوم اقتصاد مقاومتی می‌گوید و هم مزایای تعامل با اقتصاد جهانی. لیکن واقعیت آن است که رئیس‌پیشین شورای عالی امنیت ملی بوده است.

یکی از اعضای اتاق بازرگانی این کشور اشاره می‌کند که آقای روحانی به آزادسازی اقتصاد اعتقاد دارد و اقداماتی را در راستای آزادسازی اقتصادی این کشور انجام داده است؛ اما اهرم‌های لازم را در اختیار ندارد. واقعیت آن است که اکنون اکثریت کرسی‌ها در اختیار اصلاح طلبان نیست و باید دید نمایندگان مستقل چه موضعی اتخاذ خواهند کرد. با این حال، نشانه‌های امیدوارکننده‌ای وجود دارند و سه چهارم از نمایندگان مجلس قبلی که مخالف برجام و روحانی بودند جایگاه خود را از دست داده‌اند. همچنین برای اولین بار تعداد حضور نمایندگان زن در مجلس ایران افزایش چشمگیری یافته است. همچنین آقای روحانی از حمایت آیت‌الله هاشمی برخوردار است.

اکنون اصولگرایان در وضعیتی قرار گرفته‌اند که جایگزینی در مقابل روحانی ندارند و بسیاری می‌بینند که احمدی‌نژاد با شعارهای پوپولیستی‌اش چگونه طبقه متوسط ایران را در بحران اقتصادی قرار داد و پول‌های نفت را در سال‌های پررونق فروش و افزایش قیمت هدر داد. با این حال، حمیدرضا ترقی از اعضای مولف‌ها باور دارد زمانی که احمدی‌نژاد به استان‌ها سفر می‌کند ده‌ها بار محبوب تر از روحانی است. در هر صورت شاید دور بعدی انتخابات ایرانیان به نسبت انتخابات اخیر شور و هیجان برای مردم نداشته باشد.

راوندی

نامی مطمئن و آشنا در امور ارزی و بازرگانی

خدمات ارزی و بازرگانی

MADOCKS LTD.

HMRC & FCA Registered

Tel: 020 7499 5455

Fax: 0207 493 9797 دفتر لندن

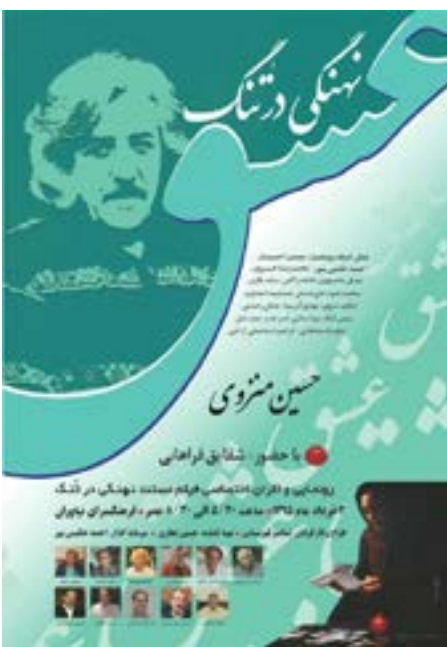
ravandigt@gmail.com

24 Nort Audley Street, London W1K 6WD

فیلم نهنگی در تنگ اکران شد

فیلم مستند حسین منزوی با عنوان «نهنگی در تنگ» در فرهنگسرای نیاوران رونمایی و اکران شد. این فیلم مستند که روز دوشنبه سوم خرداد با حضور عوامل آن روی پرده رفت با استقبال گسترده اهالی شعر و سینما روبرو شد.

در این اکران اختصاصی تعدادی از شاعران بزرگ کشور از جمله: حافظ موسوی، محمدعلی بهمنی، عبدالجبار کاکایی و فاطمه راکعی حضور داشتند. همچنین از اهالی سیاست، شعر و موسیقی: نعمت احمدی، احمد حکیمی پور، مهدی آذرسینا و خانواده منزوی نیز در این برنامه حاضر شدند.



بعد از اکران نهنگی در تنگ، عبدالجبار کاکایی به جایگاه منزوی در ادبیات معاصر پرداخت و وی را یکی از موثرترین غزل نویسان امروز که نگاه معاصر به جامعه جدید دارد، دانست.

همچنین احمد حکیمی پور؛ سرمایه‌گذار این مستند نیز به نقل خاطراتی از منزوی پرداخت و فقدان زود هنگام این شاعر را ضایعه‌ی بزرگی به غزل معاصر قلمداد کرد.

حسین نجاری؛ تهیه کننده‌ی این مستند نیز در این مراسم با اشاره به اینکه منزوی یکی از جدی‌ترین غزل نویسان و شاعران متجدد روزگار ماست که نخله‌ی غزل سرایان جدید نیز معمولاً ملهم و متأثر از

نگاه و زبان شعری ایشان است، به چگونگی ساخت آن در طی یک سال گذشته پرداخت. گفتنی است مجری طرح و سرمایه‌گذار این مستند، احمد حکیمی پور، تهیه کننده حسین نجاری و کارگردان آن ناصر قهرمانی است.

در این مستند بزرگان چون: محمد علی بهمنی، حافظ موسوی، بهزاد فراهانی، بیژن کامکار، تهمورس پورناظری، قطب الدین صادقی، احمد مسجد جامعی، نعمت احمدی، فاطمه راکعی، علی موسوی گرماردی، سهیل محمودی، عبدالجبار کاکایی، رشید کاکاوند، بهروز رضوی، جمال رحمتی، جمشید انصاری، احمد حکیمی پور و ... در خصوص کیفیت اشعار حسین منزوی، خلیقات و مشکلات زندگی شخصی وی صحبت کرده و نیز به نقل خاطراتی با این استاد غزل پرداخته اند.

#بازیگر این مستند ۸۰ دقیقه‌ای شقایق فراهانی است که نقش یک محقق را بازی می کند.

همچنین گفتگوهای این مستند توسط حسین نجاری و فاطمه سیاحتی انجام گرفته و مدیر تولید آن فرید احدیان است.

نگاهی به کتاب «در میان ایرانیان» اثر «نایجل کولتارد»

۴۰ سال با ایرانیان

همان‌گونه که سر ریچارد دالتون، سفیر پیشین بریتانیا، در مقدمه کتاب «در میان ایرانیان» نایجل کولتارد می‌نویسد: «کتاب‌های عمیق‌تری در مورد تاریخ و سیاست و کتاب‌های عالمانه‌تری درباره جامعه و هنر وجود دارند. کتاب‌های راهنمایی هم وجود دارند که به شما می‌گویند چگونه این طرف و آن طرف بروید و کتابچه‌های آکنده از عدد و رقم هم هستند که بتوانید کاملاً از وضع اقتصاد ایران سر دربیایید. اما این کتاب صد و اندی صفحه‌ای، ثمره ۱۲ سال زندگی طی چهار دهه در ایران است که می‌تواند همه این اطلاعات را در اختیارتان بگذارد، چه به تجارت یا سیاست علاقه‌مند، چه گردشگر باشید».

کولتارد، مشاور مدیریت بین‌المللی در بخش‌های فناوری و صنایع سنگین و مهندسی به ویژه در محیط‌های پیچیده چند فرهنگی است. سوابق کاری او در گروه‌های صنعتی بزرگ بین‌المللی، شامل مهندسی و توسعه کسب و کار، مدیرعاملی به ویژه در صنایع برقی نیمه‌هادی، الکترونیک و مهندسی برق در بریتانیا و فرانسه است. وی همچنین سابقه ریاست گروه صنعتی و مهندسی آلستوم در ایران را نیز در کارنامه خود دارد. کتاب‌هایی که توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور نوشته شده‌اند مانند «آیتا... نظری متفاوت دارد» به قلم هومن مجد، نوشته دیپلمات‌های غیرایرانی با نگاه سطحی و ظاهربین یا تجربه محدودی از زندگی در این کشور بوده، مانند «عمامه و گل رز» نوشته فرانسویس نیکولاد اما کتاب کولتارد براساس تجربیات دست اول یک شاهد عینی اروپایی است در گستره تاریخی بیش از چهار دهه، شامل دهه ۷۰ و حکومت شاه بر ایران، دوران انقلاب اسلامی و جنگ ۸ ساله ایران و عراق در دهه ۸۰، تا ایران امروز.

ایران به روایت قصه

این کتاب که به سه بخش مجزا تقسیم شده است از طریق داستان‌های واقعی و سرگرم‌کننده واقعی چندبعدی از ایران را به تصویر می‌کشد بدون آنکه آن را به اتفاقات سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) محدود کند.

بخش نخست درباره جامعه است که به بررسی خصلت‌های ایرانی می‌پردازد. این بخش تنوع نژادی مردم را در کنار حس مشترک آنها از تعلق به یک ملیت واحد توضیح می‌دهد. همچنین به بررسی نقش زنان ایرانی در خط مقدم توسعه سیاسی و اجتماعی کشور می‌پردازد و رویکرد سیاسی و اجتماعی قبل و بعد از انقلاب را مقایسه می‌کند. بخش دوم کتاب مربوط به بررسی سیاست‌ها و روابط ایران با غرب است و بخش سوم به توضیح پیچیدگی‌های بازار اقتصادی ایران و چگونگی تجارت و مدیریت کسب و کار در کشور می‌پردازد. کولتارد در این بخش توضیح می‌دهد که چرا نسل جدید بازرگانان و مدیران کسب و کار ایران به دنبال سودجویی هستند و برخی از نخبگان سیاست و

اقتصاد این کشور برای فرار از «حس به حاشیه رانده شدن از دنیایی که آرزو دارند بخشی از آن باشند» به ناسیونالیسم مفرط روی آورده‌اند.

وایتی به سبک سفرنامه

ادبیات کتاب «در میان ایرانیان» برای ما آشناست. دست‌کم از روزگار شاه عباس، سفرنامه‌ها بدل به بخشی مهم از منابع اساسی شناخت و تفکر پیرامون اوضاع و احوال تاریخی‌مان هستند. هرچند که سنت سفرنامه‌نویسی در قرن بیستم و خاصه قرن جدید به دلایلی بسیار کم‌رنگ شده اما هنوز از اهمیتی جدی برخوردار است. سفرنامه‌های ایرانی‌ها به غرب نیز واجد اهمیتند، اما نه به این اندازه. شاید به این دلیل که غالب سفرنامه‌های ایرانی در ذیل «حیرت‌نامه» بوده‌اند. به عبارت دیگر، به جای توجه و کاوش در مبادی نهادها و فرآیندهای حقوقی و سیاسی غرب، از سطح توجه به ظواهر و آداب و سنن فراتر نرفته و عموماً از سطح و عمق ترقی و تجدد به وادی حیرت افتاده‌اند اما در مورد سفرنامه‌های غربی‌ها، به‌ویژه ملل اروپایی، عمدتاً توجهات از آداب و سنن به لایه‌های عمیق فرهنگی و رفتارهای سیاسی کشیده می‌شود، به‌گونه‌ای که بدل به منبعی مهم برای پی‌بردن به‌طرز فکر و عمل ایرانی‌ها در هر دوره‌ای می‌شود.

همان‌گونه که سید جواد طباطبایی معتقد است، سفرنامه و سیاحت‌نامه‌نویسی یکی از مبادی ورودی مفاهیم نوآیین و اندیشه تجددخواهی بود. سیاحت‌نامه به ایران آمده از دوره صفویه به بعد در آغاز دوره، شکل تمدن جدید غربی بوده و با باور به ترقی و پیشرفت فرهنگ و تمدن و اندیشه غربی به ایران نگاه کرده و در نتیجه به جز گسست در ایران مشاهده نکرده‌اند. «تاریخ ایرانیان به‌گونه‌ای که در نوشته‌های تاریخی ایرانی آمده، تاریخ ظهور و سقوط سلسله‌ها و ضعف و قدرت شاهان است. آنچه پیش از این، از خلال نوشته‌های تاریخی درباره تاریخ ایران زمین در دوره گذار آوردیم، مبین این امر است که به سبب فقدان اندیشه تاریخی خردگرا و نیز مفاهیم بینادین اندیشه سیاسی که به ویژه در این دوره دستخوش زوال جدی شد، تاریخ نویسی به وقایع بی اهمیت ولی نعمتان تاریخ نویسان فرو کاسته شد...».

کتاب «در میان ایرانیان» را می‌توان در ادامه سنت سفرنامه‌نویسی دانست که با نگاهی عاری از پیچیدگی اما به‌طرزی مستدل به تحلیل جامعه و حکومت ایران می‌پردازد. شاید برجسته‌ترین نکته کتاب این باشد که نایجل کولتارد در دام قدیمی اما همیشه جذاب

«خلقیات ما ایرانیان» نمی‌افتد و تحلیلش هم در این زمینه دقیق و عاری از سوگیری غیرعلمی است. البته باید توجه داشت که کتاب «در میان ایرانیان»، صرفاً سفرنامه نیست بلکه نوعی حدیث نفس است که حاصل زندگی و آشنایی کمابیش ۴۰ ساله با ایرانیان است. بی‌تردید به‌عنوان خواننده‌ای ایرانی از بیشتر این حقایق و جزئیات و تحلیل‌ها اطلاع داریم اما آنچه کتاب را برایمان جذاب می‌سازد، نگاه نویسنده‌ای اروپایی است که خود طی چهار دهه گذشته، سال‌ها در ایران زندگی و کار کرده است و نگاهی بیرونی از این واقعات در اختیارمان می‌گذارد. نگاهی که خودمان به سبب نزدیکی بیش از حد تصور، آن را نمی‌بینیم.

دردم از یارست و درمان نیز هم دل فدای او شد و جان نیز هم

دوره تفسیر ابیات لسان الغیب حافظ شیرازی

از منظر حکمت، فلسفه، عرفان

و کنفرانس شخصیت و راهکارهای تقویت آن

توسط استاد: محمد حسین متقی

زمان: پنج‌شنبه‌ها ساعت ۱۸ تا ۱۹/۳۰

هر دو هفته یکبار

مکان: Imam Khomeini Foundation

Chevening Road NW6 6TN - Hall 4

تلفن تماس: ۰۷۴۰۲۰۹۰۹۸۷



10% off any shipments to IRAN via DHL

سرویس اختصاصی DHL برای ارسال مرسولات شما به ایران با 10% تخفیف ویژه

خدمات ما شامل:

- نماینده رسمی شرکت های پستی معتبر دنیا (Royal Mail, UPS, FedEx, DHL) بدون نیاز به داشتن شماره حساب
- سرویس مستدوق های پستی دائمی (کمتر از 60 پنس تر روز)
- تحویل و نگهداری بسته های پستی شما
- فروش انواع پاکت و جعبه جهت بسته بندی با سایز های مختلف
- ارائه بیمه مرسولات پستی تا سقف 25000 پوند
- ارائه انواع خدمات چاپی (چاپ آگهی، کارت ویزیت، بروشور و ...)
- خدمات فتوکپی و پرینت
- تحویل رایگان مرسولات پستی از محل شما





78 Golders Green Road, London NW11 8LN
020 8455 4848 | info@mbegoldersgreen.co.uk



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

فرهنگ و هنر

ثبت جهانی مثنوی مولانا به نام ایران و ترکیه

این خبری است که چندان به آن پرداخته نشد و در پل و پستوی خبرها رد شد و رفت. ماجرا از این قرار است که هفته گذشته رئیس سازمان مرکز اسناد در اشاره‌ای کوتاه پرده از خبری برداشته موجز و کوتاه اما پرمنا، صالحی‌امیری به ایسنا گفته: «با ترکیه توافق کرده‌ایم که مثنوی مولوی را به صورت مشترک ثبت کنیم. مولانا یکی از نقاط مشترک فرهنگی ایران و ترکیه است.» وی در ادامه آورده: «در حال حاضر ۴۳ اثر در نوبت ثبت داریم. ایران رتبه هفتم این فهرست است. البته به علت محدودیت یونسکو برای ثبت آثار که یک اثر در سال است، امکان ثبت همزمان چند اثر وجود ندارد. همین امر باعث می‌شود ما به سمت ثبت مشترک آثار برویم.» که اصولاً نه دلیلی منطقی برای توجیه این ثبت است و نه شتاب برای آن فضیلتی به‌شمار می‌آید. مثنوی مولوی ۲۶ هزار بیت است و کل آن کمتر از ۶۰ واژه ترکی دارد. البته تلاش دست‌اندرکاران ثبت این اثر ملی قابل توجه است اما نمی‌توان آن را دستاوردی دانست. درواقع اگر هم دستاوردی شکل گرفته برای دولت ترکیه بوده چراکه صرفاً به خاطر حضور مولانا در قونیه این کشور توانسته در یکی از مهم‌ترین آثار ملی‌مان سهمی شود. هرچند در برابر از دست رفتن سازی ایرانی چون «تار» که در غفلت دلوپسان و احمدی‌نژادیان به نام جمهوری آذربایجان ثبت شد، این اقدام نیز خود غنیمت است اما باید توجه داشت قطعاً ملاحظات سیاسی بیشتر از آنچه در ظاهر دیده می‌شود در این ماجرا نقش داشته است. هرچند آقای صالحی‌امیری در نشست خبری سازمان اسناد و کتابخانه ملی



که ظهر دیروز سه‌شنبه، ۱۱ خردادماه در ساختمان آرشو ملی برگزار شد، گفته: «مولانا در ۸ سالگی از بلخ به قونیه رفت و مدرس و مکتب او قونیه بود. مثنوی را آنجا نوشت و مدفن او نیز همین شهر است. از طرفی نسخه مثنوی که در اختیار ترکیه است ۴۰۰ سال قدیمی‌تر از نسخه ما است و این مسأله به آنها اجازه می‌داد که مثنوی معنوی را به صورت مستقل به نام خود ثبت کنند.» جملاتی که توجیه‌پذیر نیست، چون ما با اثری به زبان فارسی مواجه هستیم و بعید است دست‌اندرکاران ثبت آثار ملی در یونسکو این موضوع را جزو یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها لحاظ نکرده باشند. حال چه ماجرای پیش آمده که ایران به ثبت مشترک این اثر آن هم با ترکیه رضایت داده خود داستان دیگری است؛ کشوری که در سفر وزیر امور خارجه ژاپن، مثنوی را (با ترجمه ترکی!) به این مسئول رده بالای کشوری به‌عنوان بزرگترین اثر ملی ترکیه (!) تقدیم کرده بود. این گفته‌ها درحالی از زبان آقای صالحی‌امیری نقل شده که شرایط ثبت آثار ملی در یونسکو با آنچه ذکر شده تفاوت‌هایی دارد. به‌عنوان مثال می‌توان به این شروط مهم اشاره کرد: اثر مربوطه باید گواهی بی‌همتا یا دست‌کم استثنایی بر یک سنت فرهنگی یا تمدن زنده یا از میان‌رفته باشد. «که مثنوی گواهی بر سنت گذشته ترکیه (که اصولاً قدمتی نداشته) یا حتی عثمانی نیست. به شرط دیگر هم اگر نگاه کنید متوجه خواهید شد که به احتمال قریب به یقین مسئولان فرهنگی کشور در این زمینه کوتاهی کرده‌اند: اثر مربوطه باید به طرز مستقیم یا ملموس مرتبط با رویدادها یا سنن زندگی، افکار و عقاید یا آثار هنری یا ادبی واجد اهمیت والای جهانی باشد.» که تازه اگر هم شاخصه‌ای ویژه برای کشور ترکیه بتوان در آن یافت فرهنگ اسلامی است که ذیل فرهنگ ایرانی - اسلامی قابل بررسی است. درهرحال صالحی‌امیری در ادامه این جلسه گفته: «نسخه مثنوی ما نیز به دلیل زیبایی‌شناسی در تذهیب ارزشمند قابلیت ثبت در یونسکو را داشت؛ به همین دلیل یونسکو پیشنهاد کرد که این اثر به صورت مشترک از سوی ایران و ترکیه ثبت جهانی شود و طبیعی است که اگر این اتفاق نمی‌افتاد و وارد مباحث حقوقی می‌شدیم، نمی‌توانستیم به نتیجه مثبت برسیم.» که نشان می‌دهد سازمان مربوطه و دست‌اندرکاران صرفاً برای ثبت اثر به نسخه‌های موجود بسنده کرده‌اند و مهم‌ترین مولفه یعنی «زبان» را نادیده گرفته‌اند. درست است که رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که مولانا و مثنوی مربوط به جامعه بزرگ فارسی‌زبان نیست» اما در عمل مسئولان به ثبت مشترک یکی از بزرگترین میراث‌های فرهنگی ایران و زبان و ادب فارسی با کشوری تن داده‌اند که صرفاً شاعر آن یعنی مولوی در کودکی به آنجا مهاجرت کرده است. درواقع یک پارامتر «زندگی در قونیه» کل برگ برنده دولت ترکیه بوده و این بازی را هم برده است، هرچند که مسئولان از آن با عنوان موفقیت یاد می‌کنند!

سخنرانی جالب خواننده بریتانیایی در کنسرتش

ادل خواننده سرشناس بریتانیایی از تماشاگران درخواست کرد که از دیدن کنسرت با چشمان خود لذت ببرند و دست از فیلمبرداری بردارند. این خواننده که برای اجرای کنسرت به ایتالیا رفته بود، در طول برگزاری کنسرت به فیلمبرداری تماشاگران واکنش نشان داد.

او از تماشاگران خواست که از تماشای برنامه لذت ببرند و روی فیلمبرداری از آن تمرکز نکنند. در ویدئویی که یکی از حاضران در کنسرت در شبکه اجتماعی توئیتر منتشر کرده است، خواننده ۲۸ ساله بریتانیایی خطاب به یکی از تماشاگران می‌گوید: «آیا امکان دارد دیگر با آن دوربین از من فیلم‌نگیری؟ می‌دانی چرا؟ چون من در دنیای واقعی روبه‌روی تو ایستاده‌ام، می‌توانی با تماشای برنامه در دنیای واقعی از آن لذت ببری به

جای آنکه برنامه را در دوربین تماشا کنی.» او در ادامه گفت: «این یک برنامه ضبط‌شده روی دی‌وی‌دی نیست، این یک برنامه واقعی است و من



دوست دارم از دیدن برنامه لذت ببرید، چون خیلی‌ها آن بیرون هستند که نتوانستند داخل شوند.» بنابر گزارش ای‌بی‌سی نیوز این ویدئو در جریان کنسرت یکشنبه شب ادل در ورونا، ایتالیا ضبط شده است

The Kamkars & Docklands Sinfonia with London Contemporary Voices

CHILDREN OF WAR CONCERT IN AID OF SAVE THE CHILDREN



UK Premier of Hooshang Kamkars orchestral works
& UK Premier of Mehran Rohani's new work
+ Traditional Kurdish Music from the Kamkars Ensemble



Save the Children

19 June 2016 7.30pm

Tickets £20/25/30/35/40/45/50

Book now: www.barbican.org.uk

Silk Street, London EC2Y 8DS

barbican

Box Office
020 7638 8891
barbican.org.uk

presented by:



می‌کند. کن لوچ نیز با ابراز تشکر از طرح این سؤال گفت که با پل (لاورتی) موافق است و البته مایل است اضافه کند که خوب است به شرطی که صنعت سینمای اروپا در کشورهایی که لازم است فیلم درباره چنین دشواری‌هایی ساخته شود، سرمایه‌گذاری کند. وی افزود: «این مسئولیتی برعهده اروپاست، چون اروپا نیز به‌نوعی در مسائل پیش‌آمده نقش داشته است و ما باید به صنعت فیلم کشور شما کمک کنیم».

کن لوچ در پاسخ به این سؤال مجری برنامه که چرا نیوکاسل را به‌عنوان لوکیشن فیلم خود انتخاب کرده است، گفت: «شهر بزرگی است، تاریخی طولانی از لحاظ مسائل و درگیری‌های کارگری مربوط به اسکله‌ها و معادن اطراف آن دارد، حس شوخ‌طبعی معرکه‌ای در آن وجود دارد، هویت دارد، یکی از آن شهرهایی است که مثل لیورپول، گلاسکو یا منچستر می‌توانید هویت آن را تشخیص بدهید و فرهنگی غنی دارد و پس‌زمینه‌ای قوی در اختیارتان می‌گذارد».

سعی می‌کردیم انجام بدهیم، این بود که از ابتدا شروع کنیم و فیلم‌برداری را به ترتیب خط سیر داستان انجام بدهیم و فیلم‌نامه خرده‌خرده به بازیگران داده می‌شد. این کار باعث می‌شد که حسی از بداهه به وجود بیاید. اما فیلم‌نامه خیلی دقیق نوشته شده بود و وقتی که فیلم را تا آخر ببینید و با فیلم‌نامه مقایسه کنید، متوجه می‌شوید که خیلی شبیه هستند. اما باید احساس می‌شد که همه چیز در لحظه اتفاق می‌افتد. ولی این کار پیچیده‌ای نیست. مثلا افرادی که می‌بینید در محل تأمین غذا کار می‌کنند، واقعا در آنجا کار می‌کنند. این یک سنت قدیمی نئورئالیستی ایتالیایی است که از مردمی استفاده شود که کار خودشان را می‌کنند. آدم‌هایی هم که در دفتری کار می‌کنند که آنها برای امضا می‌روند، کارمندان همان دفتر هستند. به‌این‌ترتیب سعی کردیم حس واقعیت به وجود بیاوریم ولی بازیگران افرادی هستند که تخیل قوی و ظرفیت زیادی برای زنده‌کردن لحظه دارند و همین ظرفیت آنهاست

کفایت کند و وقتی من بگویم که چیزها شبیه به چه هستند، این کارم قلب همه را خواهد شکست» و به نظر ما سعی کردیم همین کار را بکنیم، چون اگر می‌گفتیم این مسائل شبیه به چه هستند، نه فقط قلبتان را می‌شکستیم، بلکه عصبانی‌تان می‌کردیم».

در پاسخ به پرسشی از گزارشگر تایمز لندن در مورد اینکه لوچ ۵۰سال پیش فیلم تلویزیونی «کتی به خانه برگرد» را برای بی‌بی‌سی در مورد افراد خانه‌به‌دوش ساخته و اکنون آیا تکان‌دهنده نیست که بعد از ۵۰سال دوباره به این مضمون بازگشته است، لوچ گفت: «بله، به نظرم تکان‌دهنده است و من فکر می‌کنم این مسئله تکان‌دهنده است، چون مختص مردم کشور ما (بریتانیا) نیست و در سراسر اروپا جریان دارد و اکنون در شیوه سازماندهی زندگی ما بی‌رحمی آگاهانه‌ای وجود دارد که به آسیب‌پذیرترین افراد گفته می‌شود که فقرشان تقصیر خودشان است. اگر کار نداری، تقصیر توست

ساسان گلفر

ببست‌وینجمن فیلم سینمایی کن لوچ، فیلم‌ساز ۷۹ساله بریتانیایی، سیزدهمین‌مرتبه حضور او را در جشنواره بین‌المللی فیلم کن رقم زد و دومین جایزه نخل طلا را برای او به ارمغان آورد. او اولین‌بار ۱۰سال پیش با فیلم «بادی که ساقه‌های جو را تکان می‌دهد» برنده نخل طلای بهترین فیلم پنجاه‌ونهمین دوره جشنواره کن در سال ۲۰۰۶ شد و این‌بار، در دوره شصت‌ونهم با «من، دنیل بلیک» همان جایزه را دریافت کرد. این فیلم‌ساز چپ‌گرای انگلیسی با بیش از پنج دهه سابقه کارگردانی آثار سینمایی و تلویزیونی، همچنان نگاه غمخوارانه‌اش را به محروم‌ترین اقشار جامعه دوخته و در فیلم تازه‌اش به انتقاد از شرایط تأمین اجتماعی و نظام بوروکراتیک حاکم بر آن پرداخته است.

در فیلم «من، دنیل بلیک» یک نجار میان‌سال اهل نیوکاسل که به علت ازکارافتادگی برای تأمین یک لقمه نان اسیر سیستم پیچیده بوروکراتیک تأمین اجتماعی شده، به زن جوانی برمی‌خورد که برای تأمین نیاز فرزندانش با مشکل مشابهی دست‌وپنجه نرم می‌کند. کنفرانس مطبوعاتی این فیلم، حدود یک هفته پیش از آنکه نام آن به‌عنوان برنده بزرگ‌ترین جایزه جشنواره فیلم کن ۲۰۱۶ اعلام شود، در تاریخ ۱۳ می (۲۴ اردیبهشت) با حضور کن لوچ، کارگردان، دیو جانز و هیلی اسکوایرز، بازیگران نقش اصلی، ربکا اوبراین، تهیه‌کننده، روبی رایان، فیلم‌بردار و پل لاورتی، فیلم‌نامه‌نویس «من، دنیل بلیک»، برگزار شد.

آنری بیار، منتقد فرانسوی، تاریخ‌نگار هنر و استاد رشته زبان فرانسه که نقش مجری برنامه کنفرانس مطبوعاتی فیلم «من، دنیل بلیک» را در جشنواره کن برعهده داشت، نخستین پرسش را از دو بازیگر درباره خاستگاه و سوابق کار آن دو پرسید. دیو جانز، ایفاگر نقش دنیل بلیک، پاسخ داد که کار خود را به‌عنوان استندآپ کمدین آغاز کرده است و سال‌ها در گمنامی، در باشگاه‌های کمدی ایالات متحده برنامه اجرا کرده و البته این کار برای او «تجربه شگفت‌انگیزی» بوده است. هیلی اسکوایرز، بازیگر نقش کیتی، گفت که شش‌سال پیش از مدرسه هنرهای نمایشی فارغ‌التحصیل شده و همیشه تلاش کرده تا در زمینه بازیگری کار کند و هم‌زمان به کار نوشتن نیز مشغول بوده است.

مجری در ادامه سؤال کرد که این دو بازیگر چگونه جذب پروژه «من، دنیل بلیک» شده‌اند. دیو جانز گفت که یکی از دوستان تهیه‌کننده‌اش به او گفته که کن لوچ به‌دنبال بازیگری از نیوکاسل که هم‌سن او باشد، می‌گردد و او گفته است: «آه، می‌شود من باشم؟» و بعد از طریق سایت اینترنتی خود با تهیه‌کنندگان تماس گرفته است. هیلی اسکوایرز توضیح داد که کارگزارش به او تلفن زده و بعد از یک گفت‌وگوی کوتاه ۱۰، ۱۵دقیقه‌ای با کن لوچ و مدیر بازیگردانی او که به پرسش‌هایی در مورد زندگی و زانگاه و پدر و مادر و سوابق خانوادگی او گذشت و دو مرتبه تست و تمرین بداهه با کارگردان و بازیگر نقش مقابل، بالاخره با تهیه‌کننده در مورد گرفتن نقش به توافق رسید.

آنری بیار این پرسش را از کن لوچ پرسید که آیا به نظر او انتخاب فیلم‌بردار به اندازه انتخاب بازیگر مهم است یا نه. لوچ پاسخ داد: «بله، کاملا. پیداکردن لحن مناسب برای فیلم خیلی مهم است. برای این یکی احساس کردیم که داستان خیلی قوی است، بنابراین باید خیلی ساده، صریح و مقتصد باشیم و به هیچ تزئینی نیاز نداریم. این شد که من و روبی (رایان، فیلم‌بردار) که قبلا با هم کار کرده بودیم (این سومین‌مرتبه همکاری این کارگردان و فیلم‌بردار بود)، در مورد سبک کار به این نتیجه رسیدیم که باید مطلقا صریح و بی‌پیرایه و بدون حرکت اضافی یا هر چیزی باشد که حواس تماشاگر را پرت کند و مانع از دریافت جوهره شخصیت‌های جلو دوربین شود و این موقعیت را به‌سادگی و مقتصدانه تشریح کنیم.

برتولت برشت (۱۹۵۶-۱۸۹۸) شاعر، نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان آلمانی) جمله‌ای گفته که خیلی خوب است و ما آن را آویزه گوش کردیم و بیش از یک‌مرتبه به کارمان آمد. او گفته است: «من همیشه فکر کرده‌ام که ساده‌ترین واژه‌ها باید



خبرنگار خبرگزاری فرانسه با تبریک اینکه فیلم توانسته است شب پیش از آن، تماشاگران کن را به گریه بیندازد، نظر لوچ را در مورد رفتارند جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا جویا شد و از تهیه‌کننده پرسید اگر چنین اتفاقی بیفتد، به نظر او چه تأثیری در صنعت سینما برجا خواهد گذاشت. لوچ پاسخ داد: «سؤال خیلی سختی پرسیدید. چون از یک طرف، اتحادیه اروپا یک پروژه نئولیبرال است، حرکتی به سمت خصوصی‌سازی، به‌سوی مقررات‌زدایی که امنیت کارگران و محیط‌زیست را پیوسته در معرض خطر قرار می‌دهد، بنابراین در این لحظه نمی‌شود از آن طرفداری کرد. از طرف دیگر، اگر ما آن را ترک کنیم، می‌دانیم که دولت فردگرا تا حد امکان به راست گرایش پیدا خواهد کرد، قوانین حمایت از کارگران را از میان می‌برد، محیط‌زیست را بیش از پیش تخریب می‌کند و ما با یک دولت راست افراطی مواجه می‌شویم، اگر (اتحادیه اروپا را) ترک کنیم. سؤالی که برای من مطرح است، این است که چگونه می‌توانیم به بهترین شیوه بجنگیم؟ آیا بهتر است که از درون (اتحادیه اروپا) بجنگیم و این کار را با داشتن ارتباط با گروه‌های چپ اروپایی انجام دهیم یا بهتر است از بیرون بجنگیم؟ این تقریبا یک پرسش تاکتیکی است... اکنون لحظه بسیار بسیار خطرناکی است». ربکا اوبراین، تهیه‌کننده فیلم لوچ، نیز گفت که با «جنگیدن از درون» موافق است و از دست‌دادن ارتباط با اتحادیه اروپا از جنبه مناسبات تولید فیلم «یک تراژدی» خواهد بود.

آخرین پرسش‌ها را خبرنگار روزنامه انگلیسی دیلی‌میل مطرح کرد. وی اول درباره این پرسید که با توجه به اتکای فیلم به بازی‌های قدرتمند، به‌ویژه بازی هیلی اسکوایرز، آیا انتظار می‌رود که دو بازیگر نقش اصلی فیلم ستاره‌های آینده سینمای بریتانیا باشند (این سؤال با خنده تمسخرآمیز دو بازیگر مواجه شد) و پرسش دوم اینکه آیا این فیلم که «مانند آواز قوی بسیار تأثیرگذار بوده» قرار است آخرین فیلم کن لوچ بعد از یک دوره ۵۰ ساله فیلم‌سازی باشد؟ لوچ پاسخ داد: «این را نمی‌دانم» و جانز حرفش را تکمیل کرد: «او قرار است تا ابد فیلم بسازد».

که باعث می‌شود شما به آنها توجه کنید و سرگرم شوید. من فکر می‌کنم هیلی و دیو واقعیت را بهتر از من درک می‌کنند». بعد از طرح بحثی از سوی خبرنگار گاردین درباره سیاست داخلی انگلستان و پاسخ کن لوچ در مورد جرمی کوربین، رهبر فعلی حزب کارگر و نماینده پارلمان در جناح اپوزیسیون و تغییرات به‌وجودآمده در یک‌سال گذشته و مسائل ناشی از خصوصی‌سازی در اتحادیه اروپا و روابط با ایالات متحده، پرسش خبرنگار کالناهایی روزنامه تورنتوستار در این مورد مطرح شد که کن لوچ چگونه توانسته است در عین حفظ لحن صریح و حس واقعی، لحظات کمیک متعددی را نیز در فیلم بگنجاند و در عین‌حال حس طبیعی آن نیز حس شود. لوچ پاسخ داد: «من فکر می‌کنم این از موقع نوشتن (فیلم‌نامه) شروع شد و به نظر من این‌طور نیست که وقتی داستانی درباره مردم بینوا می‌نویسید، فقط آدم‌های مصیبت‌زده را ببینید. اگر به محل‌های تأمین غذا (ی افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی) بروید، خنده و کمدی و کارهای احمقانه و از این قبیل چیزها هم می‌بینید و واقعیت زندگی مردم همین است و اگر این حس طنز را از آن جدا کنید، خطا کرده‌اید. مردم همین هستند، ولی این از موقع نوشتن شروع شد.

خبرنگاری از کردستان عراق درباره این پرسید که آیا کن لوچ قصد نوشتن فیلم‌نامه یا ساختن فیلمی درباره مشکلات پناهندگان خاورمیانه و به‌ویژه پناهندگان کرد در اروپا را دارد یا نه. پل لاورتی به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس پاسخ داد که اخبار مربوط به این «تراژدی عظیم» را دنبال می‌کند و از «دورویی» در سیاست بین‌المللی در این مورد انتقاد کرد ولی گفت: «یک مضمون خوب یا موضوع خوب، الزاما به فیلم‌نامه‌ای خوب منجر نمی‌شود... این به نویسنده‌ای نیاز دارد که تاریخ، زبان، فرهنگ و ظرایف آن را درک کند و شاعرانگی همان لحظات دردناک را دریابد. من نمی‌توانم این کار را بکنم و واقعا انتظار دارم که ببینم نویسندگان و کارگردانان درخشانی از کردستان این کار را بکنند که زیروم مسائل را می‌دانند و خیلی بهتر می‌توانند ارتباط برقرار کنند». دیو جانز نیز گفت که این مسائل را از طریق اخبار دنبال و به‌عنوان انسان ابراز همدردی

که شغلی پیدا نکردی. بی‌کاری گسترده‌ای در اروپا وجود دارد و در بریتانیا نزدیک به دومیلیون بی‌کار مطلق وجود دارد و در واقع تعداد آنها چهارمیلیون نفر است. این باعث افزایش تعداد خودکشی شده و برخی از کارکنان (تأمین اجتماعی) دستورالعمل‌هایی گرفته‌اند در مورد اینکه چگونه با خودکشی‌های بالقوه برخورد کنند و ما می‌دانیم که این وضع همچنان برقرار است و تعداد کمی هم نیست. ده‌ها هزار نفر و صدها هزار نفر در سراسر اروپا؛ رقم عظیمی است. این عمیقا تکان‌دهنده است که چنین چیزی در قلب دنیای ما دارد اتفاق می‌افتد. ولی چیزی که ما متوجه شدیم این است که واکنش مردم خیلی انسانی است. آنها می‌توانند خود را با آن تطبیق دهند. ممکن است عمیقا مأیوس شوند و در رنج و ناامیدی فرو بروند و گاهی برای زنده‌ماندن تقلا کنند. بسیار تأثیرانگیز است اما در دل همه این رویدادها یک سیاست هولناک نهفته است».

پل لاورتی، نویسنده فیلم‌نامه «من، دنیل بلیک»، این نکته را به گفته‌های کن لوچ افزود که علت انتخاب این شخصیت‌های خاص این بوده که نشان بدهد چه افراد توانا و دارای قابلیت‌های متعددی به این شرایط دچار می‌شوند و چه تحقیری را تحمل می‌کنند و بخش بزرگی از جمعیت درگیر این مسائل می‌شوند. وی گفت: «این یک مسئله اتفاقی نیست، سرنوشت بخش عظیمی از جامعه است».

خبرنگار دیگری از تایمز در این مورد پرسید که چرا فیلم در کن با زیرنویس انگلیسی به نمایش درآمده و آیا این به‌خاطر لهجه (نیوکاسلی) بازیگران بوده است. ربکا اوبراین، تهیه‌کننده فیلم، توضیح داد که زیرنویس برای بازارهای بین‌المللی بوده، نه برای بریتانیایی‌ها: «اگران‌های اینجا را افرادی می‌بینند که زبان اول آنها نه انگلیسی است و نه فرانسه، بنابراین انطباق با این لهجه برای آنها بسیار دشوارتر است. این کار صرفا برای کمک به تماشاگران در کن بود».

یک گزارشگر تلویزیونی فرانسوی در مورد شیوه کار کن لوچ با بازیگران و نابازیگران و تمرین و بداهه‌سازی پرسید و کارگردان جواب داد: «کار با بازیگران خیلی آسان بود، چون آنها سرشار از تخیل و حساسیت بودند و تنها کاری که ما



بود. هر چقدر هم که می گفت ازدواجش با آنجلا بخاطر رفتن بوده من زیر بار نمی رفتم. بالاخره با آنجلا خوابیده بود و توی این پنج سال موظف بوده وظایف همسری اش را به جا بیاورد. اینکه آنجلا چیزی داشت که من با همه زیبایی ام نداشتم حرص مرا در می آورد. بحث عشق نبود. بحث این بود که من همیشه می خواستم شماره یک باشم. با آمدن آنجلا، حالا به هر دلیلی من شماره دو شدم. می دانستم رفتن برای سینا از هر چیز دیگری مهم تر بود. می دانستم آمریکا برایش کعبه آمل بود. سرزمین رویایی رهایی و آزادی. رفتن به آمریکا برایش یک رویای محال بود که آنجلا تحققش داد. هر سال لاتاری شرکت می کرد. همه راه ها را امتحان کرده بود برای رفتن. حتی یک بار غیر قانونی اقدام کرد و طرف پولش را خورد و توی ترکیه رهپایش کرد. دست از پا درازتر برگشت.

می گفتم سینا یعنی این قدر این جا بهت بد می گذرد که حاضری برای رفتن هر آب و آتشی را به جان بخری؟ جواب می داد هر ثانیه که اینجا زندگی می کنم حس می کنم که دارم خفه می شوم. انگار که هوا مسموم است. می گفت با این مردم بیگانه ام. از رفتارشان منزجرم. از بدبختی که اینجا است. راستش من همیشه احساس می کردم دارد اغراق می کند. خب من هم داشتم توی ایران زندگی می کردم و اوضاع آن جورها که او خراب توصیفش می کرد نبود. فکر می کنم سینا هم هتل هزاران نفری که سودای رفتن داشتند فکر می کرد اینجا دارد حرام می شود. شنیدم بعد از رفتن شرکت کامپیوتری زده و حسابی کار و بارش سکه شده بود. البته عمومی پولدار و صاحب نفوذ آنجلا حمایتش کرده بود. با آنجلا توی استانبول ازدواج کرده بود. آنجلا دو سال قبل از رفتن سینا رفته بود لس آنجلس. قبل از رفتن به من تلفن زده و گفته بود پونه اینها فقط تشریفاتی ست.

من هیچ چیز نگفته بودم. برایش آرزوی خوشبختی کرده بودم و او گفته بود خوشبختی من با توست. اما بعدها زن عمو برای مادرم تعریف کرده بود که برای آنجلا یک سرویس جواهر خریده اند که موقع ازدواجشان یلدا به آنجلا داده بود. دلم می خواست به سینا بگویم خودش خر است و برای عروس الکی کسی سرویس جواهر نمی خرد. روزهای متمادی گریه می کردم. حس می کردم از اینجا رانده و از آن جا مانده شده ام. مادر هم مدام سرکوفتم می زد که بخاطر سینا زندگی خوب و خوشم را از هم پاشیدم. آخر کجای آن زندگی خوب و خوش بود من نمی دانم. سامان شش ماه بعد از طلاقمان با همان خانم دکتری که مچشان را با هم گرفته بودم ازدواج کرد. خانم دکتر میلیاردر که از خودش شش سال بزرگتر بود و عاشق بر و روی سامان شده بود. برایش هدیه عروسی یک بی ام دبلیو خرید. به خانه قصر مانند دکتر نقل مکان کردند. شوهرم مرا به پول فروخت و سینا به آمریکا. تا سه سال بعد از رفتن سینا تنها ماندم.

دیگر به هیچ کسی نمی توانستم اعتماد کنم. انگار هر کس می آمد توی زندگیم قرار بود مرا به چیزی بفروشد. اتفاقات وحشتناکی در روح و روانم می افتاد. حتا گاهی از طلاق پشیمان می شدم و حس می کردم زندگی ام را مفت باخته ام تا اشکان آمد. هرگز فکر نمی کردم آن طور زندگی ام را عوض کند و پای همه چیز من بایستد. حالا من بخاطر مردی که پنج سال پیش برای آمریکا رفتن ترکم کرده بود او را ناراحت کرده بودم. یک لحظه از کاری که کردم خجالت کشیدم. تلفن را برداشتم و بهش تلفن زدم. خاموش بود. چند باره زدم. خاموش بود. می خواستم بگویم بیاید پیشم. عدخواهی کنم و بگویم که بهش احتیاج دارم. اما جوابم صدای ممتد دستگاه تلفن مشترک مورد نظر خاموش است بود و بس...

بزنیم. گفتم بگذار سرفرصت باهات تماس می گیرم و مفصل حرف می زنیم. از تاتر که آمدم بیرون اشکان گفت پونه کجای این کار عالی بود؟ این اصلا با سلیقه تو جور نبود. تو یک چیزیت هست و نمیگی. رفتیم کافه نادری. راستش تمام مدت داشتم به این فکر می کردم که به اشکان بگویم یا نه. در نهایت تصمیم گرفتم فعلا چیزی نگویم. نمی دانم چطور این فکر آمد توی ذهنم و گفتم:

-این روزا یه کم با بردیا مشکل دارم عزیزم.
-بردیا؟ اون که پسر معقولیه. چه مشکلی؟
-با یه دختره آشنا شده. حس می کنم دختر معقولى نیست. می خواد از بردیا سوء استفاده کنه.
-پونه؟ عزیزم از تو بعیده. بگذار خودش تجربه کنه.
-که ضربه بخوره؟
-خب ضربه خوردنم برای زندگی لازمه. بگذار اگر داره اشتباه می کنه خودش بفهمه.
-معلومه اینقدر راحت میگی. بچه تو که نیست.
-این چه حرفیه پونه؟ بچه ندارم. آدم که هستم.
-نه. تو اصلا منو درک نمی کنی. حس مادرانه منو درک نمیکنی. نگرانی منو درک نمی کنی. خیلی ریلکس نشستی جلوم و میگی بزار بچه ت ضربه بخوره.
-پونه تو واقعا حالت خوب نیست.
-نمی دانم چه می شود که یهو می زنم زیر گریه.
«آره. من حالم خوب نیست اشکان. ممنون میشم اگر منو برسونی خونه. می خوام قرص بخورم و بخوابم.»
خیره نگاهم می کند.

«یعنی نمی خوای من امشب پیشت باشم؟ می دونی که بردیا فردا میاد خونه و تا چند روز نمی تونیم با هم باشیم.»
توی چشمهایش نمی توانم نگاه کنم. سرم را می اندازم پایین و می گویم:
-متاسفم اشکان. حالم مساعد نیست. بهتره تنها باشم.
-توی این دو سال هیچ وقت اینو بهم نگفتی.
-چون هیچ وقت حالم اینقدر بد نبود.
-پونه ماجرا بردیا نیست. چی شده؟
-هیچی. راحت بزار اشکان. اصلا نمی خواد برسونیم. با آژانس میرم.
-متوجه رفتارت هستی؟
-ازت خواهش کردم درکم کنی و بزاری به حال خودم باشم. ولی ول کن نیستی.
-باشه. راحت باش. راست میگی. الانبرات تلفن می زنم تا کسی بیسیم.
-اشکان...

-دیگه نمی خوام چیزی بشنوم. برو خونه. فردا حرف می زنیم.
تمام طول راه از پنجره ماشین به بیرون نگاه می کنم. راست می گوید. توی این دو سال توی بدترین شرایط نخواسته بودم که نباشد. همیشه حضورش برایش دلگرمی بود. حتا توی روزهای سخت از دست دادن یلدا. روزهایی که همه چیز برایم بوی مرگ می داد او کنارم مانده بود. ازم پرستاری کرده و زخمهای دلم را مرهم زده بود. حالا بعد از دو سال سرش داد کشیده بودم که می خواهم تنها باشم. به او دروغ گفته بودم. حالا که خودم با خودم تنها شده بودم می توانستم بفهمم چه چیزی مرا دارد آزار می دهد. اینکه از برگشتن سینا ناراحت نبودم.

اینکه خوشحال بودم که برگشته و به دست و پایم افتاده است. همیشه رفتنش را یک شکست برای خودم تلقی می کردم. اینکه او آمریکا را به من ترجیح داده

داستان عشق و مهاجرت

سالهای خاکستری

ماندانا رستگار

قسمت پنجم

۶

بعد از تاتر می رویم کافه نادری. راستش هیچی از تاتر نفهمیدم. نویسنده و کارگردانش دوستم بود. آخر نمایش پرسید خوب بود، من که در طول نمایش اصلا حواسم نبود جواب داده بودم عالی بود. گفته بود بیا در موردش حرف

جایزه ملی بریتانیا برای کتاب مصور کودکان پناهنده

چطور بحران پناهندگی را برای کودکان شرح می‌دهید؟ این سوالی است که در ذهن کیت میلنر، هنرمند شکل گرفت و با استفاده از مهارت تصویرگری‌اش کتابی را خلق کرد که خوانندگان نوجوان و کودک تشویق شوند خود را جای کودکی بگذارند که مجبور به مهاجرت شده است. حالا این کتاب که قرار است سال جاری منتشر شود، معتبرترین جایزه ملی بریتانیا را از آن خود کرده است و تصاویر کتاب در موزه ملی انگلستان به نمایش در خواهد آمد. کتاب مصور «نام من پناهنده نیست» درباره تجربه پسر بچه‌ای است که عازم سفری طولانی به کشور دیگری می‌شود. میلنر در این کتاب به جای اینکه روی مسائل سیاسی که موضوع پناهندگی را احاطه کرده، تمرکز کند، تلاش می‌کند تجربه ورود به فرهنگ دیگری را برای کودکان بازگو کند. کیت میلنر درباره ایده نوشتن این کتاب به خبرنگار کمبریج نیوز گفت: «وقتی از کمبریج به سمت خانه‌ام می‌رفتم این ایده به ذهنم رسید. دخترم که در مدرسه‌ای تدریس می‌کند به من گفته بود بچه‌های کلاسش از او درباره بحران پناهندگی سوال کرده‌اند. این بچه‌ها نمی‌توانستند بفهمند اخبار پناهندگی راجع به چیست و دخترم چیز زیادی برای گفتن نداشته. این سوال در ذهنم به وجود آمد که چه کاری می‌توانم انجام دهم، و وقتی به خانه رسیدم طرح کلی کتاب در ذهنم شکل گرفته بود. داستان کتاب از کودکی که زندگی امن و راحتی دارند می‌خواهد به این موضوع فکر کنند که چه می‌شود اگر آنها مجبور به ترک خانه‌شان و راهی جایی شوند که نمی‌شناسند.» کیت میلنر چند روز گذشته در مراسم جایزه تصویرگری ویکتوریا و آلبرت که در موزه ویکتوریا و آلبرت برگزار شد، عنوان «دانشجوی تصویرگری سال ۲۰۱۶» را از آن خود کرد. همچنین جایزه نقدی ۳۰۰۰ پوندی به او تعلق گرفت و اثر او تا ۲۱ آگوست در محوطه کتابخانه هنر ملی ویکتوریا و آلبرت به نمایش درخواهد آمد. میلنر که به تازگی مقطع کارشناسی ارشد خود را در رشته تصویرگری کتاب کودک به پایان رسانده است، می‌گوید: «خیلی خوشحالم. به دست آوردن این جایزه خیلی من را غافلگیر کرد. تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد مثل این است که به باشگاه آدم‌هایی راه پیدا کنید که به یکدیگر کمک می‌کنند تا بهترین استعداد‌هایشان شکوفا شود.» آنجلیا راسکین و کتیول لوید دیگر نامزدهای نهایی این جایزه هستند، راسکین برای تصویرگری رمان «فلاش» اثر ویرجینیا وولف نامزد این جایزه شده بود.



خانه ترجمه (لندن)

ترجمه و ویرایش کلیه مدارک، کتب، مقالات، پایان نامه
ترجمه شفاهی در محل یا تلفنی
(کلیه زبانها منجمله انگلیسی، فارسی، دری، پشتو)
مطمئن، سریع و با هزینه ای عادلانه

آیا برای ترجمه مدارک خود با مشکل مواجه شده اید؟

مدارک خود (صورتحساب بانکی، شکایت نامه، دادخواه، وصیت نامه، گواهی ازدواج و طلاق، گواهی فوت، گواهی انحصار ورثه، دیپلم، ریز نمرات مدرسه و دانشگاه، سند مالکیت، سند خانه و...) را برای ترجمه به ما بسپارید.

"خانه ترجمه" برای تسهیل کار شما مشتریان عزیز از طریق ایمیل، فاکس و پست خدمات ترجمه ارائه می کند و نیازی به حضور در محل نیست.

دکتر مریم تقوی - دارای دکترای ترجمه از دانشگاه سالفورد انگلستان

مراجعه حضوری: 203A Uxbridge Road, W13 9AA

Office hours: 9/30am -2/30pm, Monday to Friday

(All languages inc. Persian, English, Dari, Pashtu)

Mob: 07828-889395 - Tel: 02085679403

ایمیل: info@translation-house.org وب سایت: www.translation-house.org

زندگی خصوصی آنها با نوشته‌ها و عکس‌های خودشان روایت می‌شود. روابط فامیلی، سفرها، موضع‌گیری‌ها در برابر اتفاق‌های بزرگ و کوچک اجتماعی و سیاسی و... پیش از این تصور هواداران سلبریتی‌ها از آنها مبتنی بر تصویری بود که سینما یا تلویزیون از آنها ساخته بود اما در این دوره انگار به شیوه مستقیم‌تری و از سوی خودشان این تصورها ساخته می‌شود. شکاف میان این دو گونه تصور و تصویرسازی، طبیعتاً احتمال کنش‌های متفاوت هواداران سلبریتی‌ها را هم به دنبال دارد. کسی شگفت‌زده می‌شود و دیگری پرشورتر و... قس علی هذا.

حال همه این هواداران می‌توانند در قالب‌های مختلفی مثل تگ کردن عکس، کامنت نوشتن یا پیغام خصوصی فرستادن با سلبریتی‌ها در ارتباط باشند و واکنش‌های خود را به آنان برسانند. در حالی که پیش از این تنها مجرای ارتباطی با هنرمندان به تلاشی برای گرفتن امضا یا انداختن عکسی یادگاری خلاصه می‌شد. هنرمندان در دوره حاضر به واسطه پیوسته بودن و روزمره بودن استفاده



از شبکه‌های اجتماعی، حس و حال‌های متنوع و متعددی از خود به مخاطبان نشان ارائه می‌کنند. روزی شاد، روزی غمگین، روزی عصبانی و... این خصیصه باعث شده است تا شیوه ارتباط‌گیری هواداران آنها تا حدودی صمیمانه‌تر و روزمره‌تر شود. به همین دلیل است که بیشتر مخاطبان نشان بی‌پروا تر و صریح‌تر با آنها حرف می‌زنند. آنها را «تو» خطاب می‌کنند و درباره شیوه‌های پوشش و آرایش صورت و... آنها هم نظر می‌دهند. از مجموع صداها و هزاران کامنتی که معمولاً زیر پست یک سلبریتی نوشته می‌شود، تعداد قابل توجهی به شوخی و بذله‌گویی و نقد دوستانه و... مربوط است. دور از ذهن نیست که هواداران برای بیشتر دیده شدن در میان خیل عظیم کامنت‌ها سعی کنند با نوشتن جملات و تعابیر عجیب و غریب و حتی گاهی توهین‌های آنچنانی بیشتر جلب توجه کنند. برخی نیز زندگی خصوصی هنرمندان را دستمایه قرار می‌دهند تا شکاف طبقاتی را به یاد بیاورند و انتقام‌های تاریخی از آنها بگیرند. گاهی جهت‌گیری کاربران شبکه‌های اجتماعی از توهین‌ها چنان زیاد می‌شود که پست اصلی هنرمندان نسبت به یاد می‌رود. توهین‌ها گویا برای کاربران شبکه‌های اجتماعی از این جهت که بی‌واسطه و مستقیماً، خود سلبریتی‌ها را به واکنش وا می‌دارد، جذابیت بسیاری پیدا کرده است. گاهی مرز توهین و شوخی از بین می‌رود و... خلاصه آنکه خندانند یا عصبانی کردن سلبریتی‌ها به یک تفریح مجازی تبدیل شده است.

پاسخ به یک سوال مهم

مطالعات نشان می‌دهد در اغلب موارد جوانان، عاملان این دعوها و بی اخلاقی‌های مجازی هستند، افراد زیر ۳۰ سال چهار برابر بیش از دیگران احتمال دارد که درگیر مکالمات یا پیام‌های هیجانی، عصبی یا پرخاشگرانه شوند. آنچه در اکثر این مطالعات مغفول واقع می‌شود پاسخ به این سوال است که چرا افراد در فضای آنلاین

چرا کاربران اینترنت با سلبریتی‌ها وارد جنگ روانی و فحاشی می‌شوند؟

زد و خورد‌های مجازی با کلمات رکیک

اواخر دهه ۷۰ بود که محمد مایلی کهن در گفت‌وگوهایی با یکی از مجلات ورزشی آن زمان گفت: «تعارف را کنار بگذاریم و به کسانی که فحاشی می‌کنند نگوییم تماشاگرنما! تماشاگرنما یعنی یک عده کوچک. وقتی از ۱۰۰ هزار تماشاگر حاضر، ۸۰ هزار نفر فحاشی می‌کنند اینها تماشاگرند، نه تماشاگرنما!»

حالا فحاشی‌ها از روی سکوها به شبکه‌های اجتماعی تغییر مکان داده است تا نشان دهد ما گرفتار یک چالش اخلاقی هستیم و این بی اخلاقی ربط چندانی به فضا و مکان ندارد. لذت فحاشی کردن زیر دندان جوان‌ترها آن قدر مزه کرده است که برای نشان دادن محبت و رفاقت هم به همدیگر ناسزا می‌گویند!

افزایش موج رکیک نویسی در برخی شبکه‌های اجتماعی در قالب «کامنت» و «پست» در دو، سه سال اخیر به گفته بسیاری از اندیشمندان اجتماعی بحران‌زا و نگران‌کننده بوده است. صاحب‌نظران می‌گویند که بی‌اخلاقی در فضای مجازی رشد قابل توجهی داشته و امنیت اخلاقی کاربران این شبکه‌ها را تهدید می‌کند. گسترش دامنه این بی‌اخلاقی‌ها، شمار قابل توجهی از والدین را هم مجاب کرده تا امکان دسترسی فرزندانشان به شبکه‌های اجتماعی را محدود کنند. به هر حال مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۲ روی کاربران فیس‌بوک انجام شده نشان می‌دهد ۸۸ درصد از اعضای این شبکه معتقدند افراد در فضای آنلاین بی‌ادب‌تر و گستاخ‌تر از ارتباطات رودررو هستند و از هر چهار نفر، سه نفر گزارش کرده‌اند که بارها شاهد توهین، دعوا یا فحاشی در حساب کاربری خود بوده‌اند. ۷۵ درصد از پاسخگویان این مطالعه هم اعلام کرده‌اند که فحاشی و بی‌ادبی در شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر افزایش پیدا کرده است. این آمارها نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی احتمالاً نه تنها باعث کاهش فحاشی‌ها نشده‌اند بلکه شدت و حدت فحاشی‌ها و ناسزاگویی‌ها با کمک این رسانه‌های مجازی، بیشتر هم شده است.

ریشه یابی توهین‌های مجازی

زمانی فیس‌بوک، پایتخت کاربران اینترنت بود. حالا دوران این شبکه اجتماعی گذشته و عصر تلگرام و اینستاگرام آغاز شده است. ابزارهایی ارتباطی که مهم‌ترین وجه آنها امکان تعامل و مواجهه مستقیم است. تکنولوژی‌های جدید ارتباطی به تایید بسیاری از کارشناسان و اساتید حوزه ارتباطات و جامعه‌شناسان، توانسته‌اند جهان را به قبل و بعد از خود تقسیم کنند. زندگی خصوصی سلبریتی‌ها که تا پیش از این عمدتاً در یک بستر رسانه‌ای غیرتعاملی همچون مجلات و برخی روزنامه‌ها دنبال می‌شد و مخاطبان پروپاقرصی داشت، در عصر رسانه‌های تعاملی تغییر شکل بنیادینی در شیوه بازنمایی دارد. برای مثال بازیگرانی که پیش از این تنها از طریق بیلبوردهای بزرگ سطح شهر یا پرده عریض و طویل سینما دیده می‌شدند و امکان ارتباط با آنها از سوی هوادارانشان فراهم نبود، حالا دیگر مثل همه شهروندان و کاربران دیگر اینترنت، یک صفحه معمولی در شبکه‌های اجتماعی دارند و به سادگی می‌شود آنها را مخاطب قرار داد. حال دیگر بخشی از

موسسه حقوقی بین المللی دادآفرینان

پذیرش دعاوی حقوقی، خانوادگی و کیفری در ایران توسط وکلای مجرب پایه یک دادگستری

پرونده های خانوادگی (مهریه، طلاق، نفقه)،

انحصار وراثت، ثبتی و ملکی و مالیاتی

پرونده های پولی، بانکی، فروش اموال غیر، جعل و غیره

انجام کلیه امور اداری در ایران اعم از :

شهرداری ها، اداره نظام وظیفه، ثبت ازدواج و طلاق،

استعلام خروج از کشور و اداره ثبت احوال

مشاوره و تنظیم قرارداد های بین المللی تجاری

تلفن لندن: 02071935592

ایران: خیابان مطهری روبروی ترکمنستان ساختمان پروشات طبقه ۳ واحد ۱۵

تلفن: 00982186011638

موبایل: 00989122334075

T.F.C شرکت

معاملات ارزی و حواله به ایران

با مدیریت شاهرخ ایزدی
کارشناس ارشد امور بانکی و بازرگانی

با مجوز رسمی از
FCA , HMRC

Tel: 020 8998 5316

Mob: 077 7068 6861

West Africa House, Ashbourne Road

izadi@tfcltd.net

Hanger Lane, London W5 3QP



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

هدف ما
پاسداری از اعتماد شما
در سرتاسر دنیا

**SEPARAYEN
MONEY EXCHANGE**

خدمات ارزی سپر آیین

مهدی محسنی

MLR : 12613563 FCA: 582008

Mehdi Mohseni
Colton House
Princes Avenue
Finchley Central
London N3 2DB

☎: 02083431875
Fax: 02083431875
Mob: 07988603026

@: separayen.ltd@hotmail.co.uk تعمیرات انواع ساعت

www.separayen.com

خانه دوم دور شوید!

زمانی که داشتن یک خانه کاری بس دشوار است، تنفر از افرادی که دو خانه دارند بسیار آسان است. داشتن خانه دوم رایج نیست: در سال ۲۰۱۰ حدود چهار درصد خانه‌های آمریکا خانه دوم بودند؛ یک درصد از خانه‌های انگلستان در مالکیت افراد در قید حیات دارای دو خانه بود. اما آنها هنوز هم سبب برانگیختن خشم می‌شوند.

دولت نروژ و دانمارک داشتن خانه دوم را ممنوع می‌کند، و در سال ۲۰۱۲ سوئیس رای بر ممنوعیت مالکیت خانه دوم در مکان‌هایی داد که این امر در آنجا رواج داشت. استرالیا نیز خرید املاک مسکونی را توسط خارجی‌ها ممنوع کرد. آخرین ممنوعیت از این دست شهر ساحلی سنت ایوس (St Ives) در جنوب غربی انگلستان است که یک‌چهارم خانه‌های آن جزو خانه‌های دوم یا خانه‌های تعطیلات هستند. در ۵ می ۸۲ درصد از ساکنان دارای حق رای در سنت ایوس رای دادند که ممنوعیت مالکیت بر خانه‌های نوساز باید برای افراد غیرساکن مستثنی شود. هنوز مشخص نیست آیا این رای قابل اجراء است یا خیر. اما کاملاً مشخص است که در جهت اشتباه پیش می‌رود.

در بعضی موارد انزجار از مالکیت خانه دوم تنفری زشت از خارجی‌هاست؛ در دیگر موارد، دلایل هاله تقدسی است که افراد دارای دوخانه پیرامون خود می‌پندارند و مایل به حفظ انحصار املاک تابستانی خود هستند. (در سوئیس، این ساکنان بازل، زوریخ و ژنو بودند که رای به ممنوع کردن آن دادند، و نه افرادی که در مناطق حساس زندگی می‌کنند و تحت تاثیر ساخت خانه‌های دوم قرار گرفته بودند.) گاهی نیز این امر از تلاشی اشتباه برای مبارزه با حقایق زندگی اقتصادی و توقف سیر کاهش جمعیت روستایی سرچشمه می‌گیرد. اما رای مردم سنت ایوس، و طرح‌هایی مانند آن، نشان‌دهنده نگرانی‌های قانونی بیشتری است مبنی بر اینکه وجود خیابان‌ها و خانه‌های خالی سرزندگی جوامع محلی را از بین می‌برد زیرا افراد غیرساکن خانه‌ها را بالا می‌کشند و خانه‌دار شدن را برای ساکنان دائمی و فقیرتر دشوار می‌کنند.

افرادی که وسوسه ترمیم بازار را دارند باید نسبت به پیامدهای ناخواسته آن هوشیار باشند. ممنوعیت فروش املاک نوساز به عنوان خانه دوم سبب افت قیمت و کاهش توسعه می‌شود، از جمله خانه‌سازی‌های جدید و با قیمت مناسب که اغلب از سازندگان انتظار می‌رود خانه‌هایی از این دست بسازند و سرایت آن به سایر قسمت‌های بازار مسکن می‌تواند ناگوار باشد.

یک ریسک آن از بین رفتن پویایی اقتصاد محلی در پی رفتن مسافران تعطیلات به مکان‌های دیگر است. کریستین هیلبر و الیور شونی از مدرسه اقتصاد لندن تاثیرات اصلاحات سوئیس را مطالعه کردند؛ نتایج اولیه مطالعه آنها نشان می‌دهد این امر قیمت سکونتگاه‌های اولیه را در مناطق تحت تاثیر تا ۱۲ درصد کاهش داده است. هرچه افراد محلی بیشتر خواهان بالا رفتن از نردبان مسکن باشند، احتمال کمتری دارد که از اقتصادی با پویایی کمتر استقبال کنند؛ و مالکان کنونی از این ضربه به ثروت خود متنفذ خواهند شد. یک ریسک دیگر این است که این امر می‌تواند مشکل «خالی ماندن» را که در تلاش برای حل آن هستند، بدتر کند. اگر بتوان سکونتگاه‌های اولیه و موجود را مانند مورد شهر سنت ایوس به سادگی به افراد غریبه فروخت، می‌توان قیمت آنها را افزایش داد، که سبب تشویق مردم محلی به سرمایه‌گذاری در آن و سپس نقل مکان از آن می‌شود.

پاسخ‌های بهتری به این مشکل از سوی مالکان خانه‌های دوم ارائه شده است. یکی از آنها نظام مالیاتی است: دولت بریتانیا، هلند، فرانسه و اسرائیل همگی مالیات‌های بالاتری بر آنها وضع کرده‌اند. این افزایش مالیات برای تمام آن مکان‌های دارای زیبایی طبیعی شگفت‌انگیز، مانند کوه‌های آلپ در سوئیس یا پارک‌های ملی، که توسعه‌های جدید و پراکنده منظره آنها را خراب خواهد کرد، معقولانه‌ترین راه به نظر می‌رسد.

یک آجر دیگر در کورن وال (Cornwall)

در هر جای دیگر، بهترین خط‌مشی افزایش عرضه است. تا زمانی که کمبود خانه وجود دارد، تنها افراد دارای جیب‌های پرپول می‌توانند از پس مخارج آن برآیند. قوانین برنامه‌ریزی مسامحه‌کارانه و توسعه تشویق‌آمیز بدون خارج کردن محلی‌ها، غریبه‌ها را به داخل منطقه می‌کشاند. استرالیا در نهایت تشخیص داد که با ملزم کردن خریداران خارجی به نشان دادن اینکه سرمایه‌گذاری‌شان به ذخیره موجود می‌افزاید می‌توان این مشکل را از ریشه حل کرد.

منبع: اکونومیست

ادب و نزاکت را کنار می‌گذارند و گستاخ‌تر از زندگی واقعی رفتار می‌کنند؟ از منظر جامعه‌شناسی می‌توان گفت علت این پدیده تا حد زیادی به نبود هنجارهای اجتماعی یا کم‌رنگ شدن آن در فضای مجازی بازمی‌گردد. در دنیای واقعی، در شرایط و موقعیت‌های مختلف، رفتارهای مختلفی به‌عنوان هنجار پذیرفته شده‌اند. این به آن معناست که محیط و افرادی که در آن هستند نوع و شیوه ارتباطات ما را تعیین می‌کنند. هر دو این عوامل در فضای مجازی رنگ می‌بازند چرا که افراد تنها خود را در برابر صفحه کامپیوتر یا گوشی موبایل می‌بینند؛ نه محیط حس می‌شود و نه فرد یا افراد درون آن قابل رویت‌اند. اما هنجارهایی که به ما بگوید در فضای مجازی چگونه باید رفتار کنیم وجود ندارد. از سوی دیگر نمی‌توان انکار کرد آنچه در دنیای واقعی رخ می‌دهد در فضای مجازی هم نمود پیدا می‌کند و حتی با سرعت بیشتری گسترده می‌شود. در جامعه‌ای که عصبانیت و پرخاشگری به‌وضوح در مراودات روزمره افراد دیده می‌شود، نمی‌توان انتظار داشت فضای مجازی از این رفتارهای نابه‌هنجار در امان بماند.

از منظر روانشناسی، ناشناس بودن در فضای مجازی نیروی قدرتمندی است که سبب می‌شود اشخاص احساس کنند نامرئی هستند. پنهان شدن پشت یک هویت قلابی یا نام جعلی به کاربران اجازه می‌دهد بی‌هراس از طرد یا تنبیه اجتماعی، هر چه دلشان می‌خواهد بر زبان برانند. این‌گونه افراد بدون احساس ترس و مسوولیت، اتیکت‌های اجتماعی را نادیده می‌گیرند و حتی به این هنجارشکنی‌های گستاخانه افتخار می‌کنند. آنها تصور می‌کنند فضای سایبر به آنان آزادی نامحدودی اعطا کرده است. در مورد نوجوانان و جوانان هم تکنولوژی ماهیت دست انداختن، تحقیر و توهین به همسالان را تغییر داده است. به جای نامه و ایمیل و دیوار نوشته، نوجوانان حالا برای همدیگر کامنت‌های استهزاآمیز می‌گذارند و به یکدیگر اهانت می‌کنند. بچه‌ها در فضای مجازی‌ای بزرگ می‌شوند که قوانین و اتیکت‌های آن نامشخص و سردرگم است و نظارتی هم بر هنجارشکنان وجود ندارد. «پیتر کو وایت» یکی از پژوهشگران دانشگاه «سایمون فریزر» می‌گوید: این شبکه‌های اجتماعی نیستند که ما را گستاخ کرده‌اند بلکه تنها فضایی ایجاد کرده‌اند که در آن، مردم چهره واقعی خود را نشان می‌دهند. صرف‌نظر از رفتارهایی که هر شخص در زندگی واقعی خود دارد، رفتارهای آنلاین تنها نگرش‌هایی را منعکس می‌کند که در زندگی واقعی پنهان مانده‌اند. به بیان ساده‌تر گرچه بیشتر افراد نمی‌توانند در محافل عمومی گستاخ و بی‌ادب باشند اما، نگرش‌های منفی آنان از بین نمی‌رود و مانند آتش زیر خاکستر باقی می‌ماند و هر جا فرصت پیدا شود این آتش پنهان دوباره برافروخته خواهد شد.

قربانیان بزرگ یک اشتباه کوچک

همانطور که گفته شد یکی از نمودهای این شکل از بی‌اخلاقی، رواج استفاده از عبارات توهین‌آمیز و رکیک در قالب کامنت هاست که به ویژه در خصوص برخی شخصیت‌های شناخته شده یا همان سلبریتی‌ها بیشتر دیده می‌شود. فحاشی در شبکه‌های اجتماعی، یکی پس از دیگری قربانی گرفته است، از هنرمندانی مثل مصطفی زمانی، فرزاد حسنی، هانیه توسلی و بهاره رهنما بگیرد تا بازیکنانی مثل علی کریمی، هاشم بیگزاده، علیرضا حقیقی، علیرضا منصوریان و در این اواخر یحیی گل‌محمدی. اما شاید جالب باشد که این مساله در بین ورزشکاران بسیار بیشتر به چشم می‌آید؛ قبلاً شاید حضور در ورزشگاه‌ها و سر دادن شعارهای مختلف می‌توانست تنها راهکار نشان دادن اعتراض هواداران به مربیان و بازیکنان باشد، اما امروز این رویکرد به شبکه مجازی هم منتقل شده است. هواداران در صفحات اجتماعی خیلی راحت‌تر و بدون پرداخت هزینه می‌توانند اعتراضشان را نسبت به هر موضوعی نشان دهند. البته به نظر می‌رسد اخیراً این ماجرا از حد اعتراض فراتر رفته و به سمت توهین کشیده شده است، تا جایی که بسیاری از ورزشکاران فرار از شبکه‌های اجتماعی را بر قرار ترجیح می‌دهند. به هر روی، فضای ورزش به خاطر عریانی اظهارنظر و تعدد رسانه و آزادی بیان فرصت خوبی برای مطالعه جامعه تودار ایرانی است. می‌توان از آن به‌عنوان میزان الحراره جامعه و بخصوص رفتارهای هنجارشکنانه جوانان یادکرد چراکه به‌سرعت این ادبیات و نگاه و نگرش تندخویانه به عرصه‌های دیگر سرایت می‌کند، چیزی که در هواداری از نامزدهای انتخابات و حتی در استندآپ کمدی‌های برنامه خندوانه شاهد آن بودیم. خوب است جامعه‌شناسان با دقتی بیشتر به این پدیده نگاه کنند؛ به رواج فحاشی و ناسزا در جامعه‌ای که همواره مدعی است در طول تاریخ طلاهدار «گفتار خوب، پندار خوب و کردار خوب» بوده است.

موج
Moj Exchange Company

Company Reg: 8718611
MLR: 12726579

مرامی موج

انتقال سریع ارز با بهترین نرخ

با مراجعه به وب سایت ما نرخ های روزانه را
مشاهده نمایید

www.mojexchange.co.uk

020 8209 1159

077 9300 0073

4-4A Accommodation Road, Golders Green London, NW11 8ED

دستمزدهای جهان در اتاق شیشه‌ای

تصور کنید که کارفرمای شما بخواهد جزئیات حقوق دریافتی شما را به صورت آنلاین در معرض دید همه قرار دهد. چه احساسی خواهید داشت؟ گر چه هنوز میزان حقوق و دستمزد کارکنان در بسیاری از کشورهای جهان موضوعی پنهانی و فوق سری محسوب می‌شود، اما راهکاری که کشورهای پیشرفته برای بحث حقوق و دستمزدهای کارکنان در پیش گرفته‌اند، چیزی نیست جز «شفافیت». گذشته از قوانینی که در این کشورها برای شفافیت حقوق دریافتی کارکنان رده‌های مختلف وضع شده است، فرهنگ غالب این جوامع نیز بر این پایه استوار است که اعلام بی‌پرده میزان حقوق دریافتی کارکنان می‌تواند مزایای زیادی در پی داشته باشد.

کارولین کوپراش، کارمند ارشد شرکت بافر وقتی که دریافت شرکتش تصمیم دارد حقوق همه کارکنان را منتشر کند، احساس خود را اینگونه توصیف می‌کند: «به‌شدت وحشت‌زده بودم.» این پرسش برای همه کارکنان مطرح بود که اگر دوستشان بفهمد او حقوق بیشتری دریافت می‌کند چه تبعاتی در پی خواهد داشت. مدیر اما به آنها اطمینان می‌داد که مزایای شفاف‌سازی از خطرات آن بیشتر است. هر فردی از هر جای دنیا قادر خواهد بود مشاهده کند که کارکنان شرکت بر اساس فرمولی برای تعیین ارزش کار هر یک از اعضای تیم‌ها، حقوق دریافت می‌کنند. در یک نظرسنجی از مدیران اقتصادهای پیشرفته، فرآیند گذار از «پنهان‌کاری» به سمت «شفاف‌سازی» دستمزدها در چند نکته خلاصه شده است: ۱- این تجربه همچون یک «سفر» است. همزمان با طرح این موضوع، موسسات به این نتیجه می‌رسند که ایجاد تغییر در برخی دستمزدها و حتی خود فرمول تعیین دستمزدها ضروری است. چون این احتمال وجود دارد که فرمول پیشین دربرگیرنده فرصت‌هایی برای رشد کافی کارکنان نباشد. ۲- بی‌شک جنبه‌هایی پنهان از چالش‌ها رخ می‌نمایند. ممکن است مذاکرات طولانی در مورد افزایش دستمزدها شکل

گیرد و مدیران باید توضیح دهند که افزایش حقوق‌ها تنها در چارچوب فصلی یا سالانه امکان‌پذیر خواهد بود. همین گفت‌وگوها اما ضمن فرهنگ‌سازی موجب به اشتراک‌گذاری ایده‌ها و مشارکت افراد خواهد شد. مباحثات موشکافانه، آن هم در دوره‌ای طولانی مدت بسیار راهگشا خواهد بود. ۳- در این مرحله فرصت‌هایی ایجاد خواهد شد تا با استخدام‌های بد مقابله شود. پیشگیری از تبعیض، یکی از راه‌های مقابله با استخدام‌های بد است.

باید اطمینان حاصل شود که ارزش یک کارمند ربطی به قدرت چانه‌زنی و روابط او نخواهد داشت. رفع تبعیض در تعیین حقوق گروه‌های مختلف همچون زنان در مقایسه با مردان، از دیگر مزایای شفاف‌سازی است. ۴- مهم‌ترین مزیت انتشار حقوق کارمندان اما، اعتمادسازی است. اعلام دستمزدهای مدیران بخش دولتی می‌تواند موجب اعتمادسازی بین دولت و مردم شود و در بخش

بخش دولتی گام‌هایی جدی برداشته است، برای هر یک از بخش‌های صنعت، حقوق مدیران مشخص است. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۱ حقوق و پاداش سالانه برخی از مدیران دولتی در بخش‌های مختلف صنعت به شرح زیر بود: مدیر صنایع خودروسازی ۱۱۸۵۰۶ یورو معادل حدود ۴۶۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان، صنایع برق و الکترونیک ۱۱۸۸۸۵ یورو معادل حدود ۴۶۳ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان، مدیر صنایع داروسازی ۱۳۷۹۹۵ یورو معادل ۵۲۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان. شفاف‌سازی حقوق تا حدی در آلمان عملی شده است که از فرد شماره یک حکومت، آنگلا مرکل تا سایر پست‌های دولت همه حقوق مشخصی دارند. به‌عنوان مثال آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان سالانه ۲۱۶۰۰۰ یورو معادل ۲۳۴،۳۸۳ دلار، برابر با ۸۴۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند. طبق اعلام دولت، در ابتدای ماه مارس سال ۲۰۱۵، ۲/۲ درصد به حقوق مرکل و همه وزرای کابینه افزوده شد. دیوید کامرون، نخست‌وزیر

نام / سمت	حقوق سالانه (میلیون تومان)	حقوق ماهانه (میلیون تومان)
آنگلا مرکل / صدر اعظم آلمان	۸۴۲/۴	۷۰/۲
دیوید کامرون / نخست وزیر انگلیس	۷۲۵/۳۴۵	۶۰/۲۲۳
هر عضو کابینه انگلیس	۳۴۱/۳۳۵	۲۸/۲۲۴
باراک اوباما / رئیس‌جمهوری آمریکا	۱۳۹۰	۱۱۵/۱۳۳
استفن هارپر / نخست وزیر سابق کانادا	۹۰۳/۵	۷۵/۲۹۱
جاکوب روما / رئیس‌جمهوری آفریقای جنوبی	۷۷۶/۶۶۲	۶۴/۷۲۱
شینزو آبه / نخست‌وزیر ژاپن	۷۰۴/۳۸۲	۵۸/۲۹۸
فرانسوا اولاند / رئیس‌جمهوری فرانسه	۶۷۵/۱۹۴	۵۶/۲۶۶
پوتین / رئیس‌جمهوری روسیه	۴۷۲/۶	۳۹/۳۸۳
دیلما روسف / رئیس‌جمهوری سابق برزیل	۴۱۷	۳۴/۷۵
نارندرا مودی / رئیس‌جمهوری هند	۱۰۵/۲۹۲	۸/۷۷۴
شی جن‌پینگ / رئیس‌جمهوری چین	۷۶/۴۵	۶/۳۷

انگلستان سالانه درآمدی معادل ۱۴۲۵۰۰ پوند، برابر با ۲۱۴،۷۸۲ دلار برابر با ۷۲۵ میلیون و ۳۲۵ هزار تومان دارد. این رقم شامل دستمزدی است که وی به‌عنوان یک عضو کابینه هم دریافت می‌کند. درآمد سالانه هر عضو کابینه انگلستان ۶۷۰۶۰ پوند معادل حدود ۳۴۱ میلیون و ۳۲۵ هزار تومان است.

خصوصی نیز بین کارکنان و مدیران اعتماد ایجاد می‌کند و علاوه بر آن بر شهرت و اعتبار موسسه می‌افزاید. در مجموع نتایج نظرسنجی‌های مختلف همه بر این نکته تاکید دارند که مزایای شفاف‌سازی بیش از چالش‌ها یا معایب آن است. در آلمان به‌عنوان نمونه‌ای از کشورهای که در راستای شفاف‌سازی حقوق مدیران

نگذارید ایده درخشان شما فقط ایده بماند

در دنیا اثرگذار باشید

برای انجام کاری بزرگ، باید احساس کنید که متفاوت هستید، احساس کنید که اثری معنادار بر دنیا دارید، احساس کنید که بخشی از یک کار مهم هستید. این به آن معنا نیست که قرار است بیماری سرطان را درمان کنید، بلکه یعنی تلاش‌های شما باید ارزشمند باشند. باید کاری کنید مشتریانتان بگویند: این زندگی مرا بهتر می‌کند. باید کاری انجام دهید که در صورت توقف آن، مردم نبود آن را متوجه شوند. همچنین باید ضرورت انجام کار را درک کنید. شما تا ابد زندگی نخواهید کرد. آیا قصد دارید محصولی مشابه محصول رقیب‌تان تولید کنید، یا می‌خواهید با محصول جدید بازار را به لرزه درآورید؟ کاری که انجام می‌دهید میراث شما است. نباید یک جا بنشینید و منتظر بمانید کس دیگری تغییری را که شما می‌خواهید ایجاد کند و فکر نکنید برای ایجاد این تفاوت نیازمند یک تیم بزرگ کاری هستید.

شرکت کریگزلیست (Craigslist) را در نظر بگیرید که کسب‌وکار سنتی آگهی‌های دسته‌بندی شده را متحول کرد. این شرکت تنها با چند ده کارمند، ده‌ها میلیون دلار درآمد دارد و در حال حاضر نیز یکی از محبوب‌ترین سایت‌های اینترنتی را ایجاد و کسب‌وکار آگهی در روزنامه را به‌طور

کامل مختل کرده است. وبسایت Report Drudge که مت دراج آن را راه‌اندازی کرده، تنها یک صفحه ساده اینترنتی است که به وسیله یک نفر اداره می‌شود. اما همین صفحه تاکنون اثرگذاری بسیاری زیادی بر صنعت خبر داشته است، به‌طوری که تولیدکنندگان تلویزیونی، مسوولان برنامه‌های زنده رادیویی و گزارشگران روزنامه دائماً برای مرور اخبار جدید به آن مراجعه می‌کنند. اگر قرار است کاری انجام دهید، کاری مهم انجام دهید. اینها افرادی معمولی هستند که از جای خاصی نیامده‌اند، تنها مدل‌های قدیمی را که سال‌ها وجود داشته کنار گذاشته‌اند. شما هم می‌توانید در صنعت خود کار مشابهی انجام دهید. هوای خودتان را داشته باشید

ساده‌ترین و مستقیم‌ترین راه ایجاد یک محصول / خدمت عالی، تولید چیزی است که خودتان نیاز دارید. این به شما امکان طراحی چیزی را می‌دهد که نسبت به آن شناخت کامل دارید و خیلی سریع می‌توانید متوجه خوبی یا بدی آن شوید. وقتی محصول یا خدمتی جدید تولید می‌کنید، روزانه باید صدها تصمیم کوچک اتخاذ کنید. اگر قرار باشد مشکلات دیگران را حل کنید، مانند آن است که در تاریکی با احتیاط و سرگردانی راه می‌روید. اما وقتی اول مشکل خود را برطرف کنید، همه چیز روشن خواهد بود، چون دقیقاً می‌دانید پاسخ درست چیست. جیمز دایسون، مخترعی است که هوای خودش را داشت. او در حال کشیدن جاروبرقی در منزل خود بود که متوجه شد قدرت مکش جاروبرقی به‌طور مداوم در حال کم شدن است. گرد و غبار باعث گرفتگی مجرای عبور هوا و مسدود کردن آن می‌شد. البته این مشکل شاید برای دیگران خیلی مهم نبود، اما برای وی یک تجربه واقعی و دست اول بود. بنابراین

آمریکا یک نمونه از کشورهایی است که در آنها دستمزد و حقوق همه کارکنان دولت به‌صورت آنلاین منتشر می‌شود که البته جزو وظایف دولت در راستای پاسخگویی به مردم محسوب می‌شود. این داده‌ها عموماً به‌صورت سالانه در پایگاه داده‌های هر ایالت در دسترس عموم قرار می‌گیرد. این شامل جزئیات حقوق و دستمزد رئیس‌جمهور و همه افراد کابینه هم هست. دستمزد باراک اوباما سالانه بالغ بر ۴۰۰ هزار دلار معادل یک میلیارد و ۳۹۰ میلیون تومان است. در آغاز دوره ریاست‌جمهوری جورج دبلیو بوش یعنی سال ۲۰۰۱ دستمزد رئیس‌جمهوری آمریکا به‌طور رسمی دو برابر شد. اوباما علاوه بر این رقم ۵۰ هزار دلار معادل ۱۷۲ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان نیز بابت حساب هزینه‌های معاف از مالیات دریافت می‌کند. استفن هارپر که تا تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۵ نخست‌وزیر کانادا بود، از سال ۲۰۰۶ حقوق سالانه‌ای معادل ۲۶۰ هزار دلار معادل ۹۰۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دریافت می‌کرد. جاکوب روما، رئیس‌جمهوری فعلی آفریقای جنوبی ۲۲۳۵۰۰ دلار معادل حدود ۷۷۶ میلیون و ۶۶۲ هزار تومان درآمد سالانه دارد.

شینزو آبه نخست‌وزیر ژاپن سالانه ۲۰۲،۷۰۰ دلار معادل حدود ۷۰۴ میلیون و ۳۸۲ هزار تومان دریافت می‌کند و فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهوری فرانسه سالانه ۱۹۴۳۰۰ دلار معادل حدود ۶۷۵ میلیون و ۱۹۲ هزار تومان حقوق می‌گیرد. در روسیه نیز درآمد قانونی پوتین، رئیس‌جمهوری ۱۳۶ هزار دلار معادل ۴۷۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان اعلام شده است. دیلما روسف برزیلی تا پیش از برکناری سالانه ۱۲۰ هزار دلار معادل ۴۱۷ میلیون تومان دریافت می‌کرد و نارندرا مودی نخست‌وزیر هند ۳۰۳۰۰ دلار برابر با ۱۰۵ میلیون و ۲۹۲ هزار تومان درآمد سالانه دارد. این رقم برای شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین ۲۲ هزار دلار معادل ۷۶ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان است. گر چه ممکن است در برخی کشورها درآمدهای جانبی یا پول‌های کثیف ناشی از ارتباطات سیاسی به درآمدهای برخی از مقامات افزوده شود که البته غیرقانونی و مستوجب مجازات است، اما آنچه تردیدناپذیر است، این است که جهان به سمت شفافیت دستمزدها گام‌های بزرگی برداشته و در این راستا در حال حرکت است.

می‌کنید. پاسخ این سوال احتمالاً این است که چیز زیادی به دست نمی‌آید. تازمانی که واقعا شروع به ساختن چیزی نکنید، ایده درخشان شما فقط یک ایده است و هر کس یکی مثل آن را دارد. ایده‌ها ارزان و فراوان هستند. ایده‌پردازی بخش کوچکی از کسب‌وکار است که تقریباً بی‌اهمیت است. موضوع اصلی آن است که آن را چگونه اجرا می‌کنید.

وقت ندارم فقط بهانه است شایع‌ترین بهانه مردم این است که وقت کافی وجود ندارد. آنها ادعا می‌کنند که عاشق راه‌اندازی یک شرکت، یادگیری نواختن یک ساز، بازاریابی برای یک اختراع، نوشتن کتاب یا هر چیزی دیگری هستند، اما وقت کافی برای آن ندارند. این طور نیست. همیشه وقت کافی وجود دارد، به شرطی که به درستی آن را صرف کنید. فکر نکنید که برای شروع پروژه‌تان لازم است کار روزمره را ترک کنید. کافی است ثابت قدم باشید و شب‌ها روی پروژه کار کنید. به جای اینکه تلویزیون تماشا کنید یا درگیر بازی‌های کامپیوتری شوید، روی ایده خود کار کنید. به جای ساعت ۱۰ ساعت ۱۱ به رختخواب بروید. ما در مورد شب‌زنده‌داری یا ۱۶ ساعت کار روزانه صحبت نمی‌کنیم، منظور این است که چند ساعت در هفته فشرده‌تر کار کنید. برای انجام یک کار اضافه، این زمان کافی است. وقتی این کار را انجام دهید، درمی‌یابید که هیجان و علاقه شما برای آن واقعی بوده یا فقط یک حس گذرا. اگر کارتان به نتیجه مثبتی نرسید، هر روز همین روند را ادامه دهید. شما ریسکی نکرده‌اید یا چیزی را از دست نداده‌اید. فقط مقدار کمی زمان گذاشته‌اید.

منبع: کتاب «دوباره فکر کن»



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

جویندگان کار باید این ۸ زبان بدن را بلد باشند



در مورد اهمیت زبان بدن بارها و بارها حرف زدیم، اما در این نوشتار از زبان بدن برای جویندگان کار می‌گوییم. می‌توانید حرف زدن را حرف بزیند، ولی اصلا مهم نیست وقتی نوبت آن می‌شود که با بدن تان حرف بزیند نتوانید قدم زدن را قدم بزیند. تنها در مورد ژست بدن حرف نمی‌زنیم، بلکه هر چیزی از دست دادن، نحوه راه رفتن گرفته تا حرکت پاهای تان در پشت میز.

زبان بدن

البته، از نظر بسیاری از ما، باید یاد بگیرید چگونه زبان بدن تان را بهتر کنید. هنری برای انجام آن وجود دارد. هرچند، ممکن است درس «سخنرانی عمومی» را در دانشکده گذرانده باشید و نکاتی آموخته باشید، مهارت‌های زیادی در مورد زبان بدن وجود دارد که برای مقام‌های شغلی اصلی روزمره به آنها نیاز داریم. با کارشناس مشهور زبان بدن، کارول گومان، در مورد بعضی از ضروری‌ترین نکات زبان بدن برای رده‌های جدید نیروی کار صحبت کرده ایم.

۱. ژست تان را درست کنید

گومان می‌گوید که این مورد برای شغل اول تان ضروری است. او به تحقیقی در دانشکده کسب و کار هاروارد و کلمبیا ارجاع می‌کند که نشان می‌دهند صرفا با نگه داشتن بدن تان در حالت‌های انبساط پذیر و «پرقدرت» (ملقب به زن اعجاب انگیز، که نخستین بار امی کودی در سخنرانی تد معروفش از آن نام برد) به مدت ۲ دقیقه، سطوح بالاتر تستوسترون هورمونی مربوط به توان و تسلط و سطوح پایین تر کورتیزول، هورمون استرس، ترشح می‌شود.

«وقتی حس مردد بودن دارید، ولی می‌خواهید مطمئن تر به نظر برسید، این مورد را امتحان کنید. علاوه بر این که تغییرات هورمونی در مردان و زنان ایجاد می‌کند، این حالت‌ها به افزایش حس قدرت و تحمل بیشتر خطر منجر می‌شود». اساسا، ژست فیزیکی شما به معنی واقعی کلمه دید مردم نسبت به شما و حس خودتان را تغییر می‌دهد. تحقیقی مشخص کرد که آدم‌هایی که صاف می‌نشینند، احتمال بیشتری دارد که نظرات مثبتی را باور داشته باشند که در مورد صلاحیت‌های لازم یک شغل می‌نویسند. کسانی که روی میزشان خم می‌شوند، احتمال کم تری دارد که صحت گفته‌های شان پذیرفته شود.

۲. بسته نباشید

دست‌ها و پاهای تان را ضربدری نگذارید، به عبارتی دست به سینه ننشینید و پاهای تان را روی هم نیندازید. بله، دست به سینه نشستن راحت تر است ولی حالت دفاعی به خود می‌گیرید. به علاوه، این کاری است که خانم‌ها خیلی انجام می‌دهند. وقتی دست به سینه می‌نشینید و پاهای تان را روی هم می‌اندازید، جمع می‌شوید که متضاد حالت داشتن قدرت زیاد است. تستوسترون شما به طور خودکار کاهش می‌یابد و کورتیزول شما سریعاً افزایش می‌یابد.

۳. توپ کوچکی را در دست چپ تان بشارید

نکته دیگری که به ویژه برای ورزشکاران موثر است این است که توپی را در دست چپ شان فشار می‌دهند. گومان می‌گوید: «وقتی ورزشکاران حرفه‌ای تمرین ندارند، روی حرکت‌های شان تمرکز زیادی می‌کنند (که در مورد آدم‌های راست دست، کارکرد نیم کره راست مغز است) به جای این که به مهارت‌های حرکتی خودکارشان تکیه کنند که در طول سال‌ها تمرین به دست آورده اند (که مرتبط با کارکرد نیمکره چپ مغز است). تحقیقات نشان داده اند ورزشکارانی که توپی را در دست چپ شان می‌فشارند، عملکرد بهتری دارند و احتمال کم تری دارد که تحت شرایط دشوار کم بیاورند.» کار فوق العاده راحتی است که می‌توانید پشت میزتان انجام دهید.

۴. عقب، عقب، عقب بروید

گومان می‌گوید: به عقب رفتن واقعا کمک تان می‌کند. تحقیقات در دانشگاه رادبونند هلند نشان داد که چطور حرکت رو به عقب، شیوه‌ای موثر در افزایش کنترل شناختی است. محققان دریافته‌اند وقتی آدم‌ها با وضعیت دشواری مواجه می‌شوند، به عقب گام برداشتن به افزایش اعتماد به نفس و توانایی شان کمک می‌کند.

۵. کمی تماس بدنی

بعضی از آدم‌ها به طور طبیعی تماس بدنی بیشتری با بقیه دارند. اگر جزء این آدم‌ها نیستید، روی آن کار کنید. گومان متذکر می‌شود تماس با بازو، دست، یا شانه کسی کم تر از صدم ثانیه، رابطه انسانی ایجاد می‌کند. در محل کار، تماس فیزیکی و صمیمیت از طریق عادت دست دادن انجام می‌شود و این تماس بساویایی یا لمسی تاثیر مثبت و طولانی مدتی دارد. تحقیقات نشان می‌دهند که اگر با آدم‌ها دست بدهید، احتمال این که شما را به خاطر بسپارند دو برابر می‌شود. محققان دریافته‌اند که عکس العمل آدم‌ها با کسانی که با آنها دست می‌دهند، راحت تر و صمیمی تر است که قطعا ایجاد کننده اعتماد به نفس است.

۶. لبخند بزیند

نه یک لبخند مشمنزکننده و از روی اجبار، بلکه لبخندی واقعی می‌تواند واقعا متمایز باشد. گومان می‌گوید این کار نه تنها حس سلامتی تان را برمی‌انگیزد، بلکه به آدم‌های دور و برتان این حس را انتقال می‌دهد که شما زودجوش، یاری رسان، و قابل اعتماد هستید. او می‌گوید: «لبخند واقعی به آرامی نمایان می‌شود، دور چشم‌ها چروک می‌شود، صورت را روشن می‌کند، و به آرامی محو می‌شود. مهم تر این که، لبخند زدن مستقیما عکس العمل بقیه آدم‌ها به شما را تحت تاثیر قرار می‌دهد. وقتی به کسی لبخند می‌زنید، آنها هم تقریبا همیشه به شما لبخند می‌زنند. و به این علت که حالت‌های صورت احساسات مشابهی ایجاد می‌کنند، لبخندی که در پاسخ می‌دهید در اصل حس عاطفی آن آدم را به صورتی مثبت تغییر می‌دهد.»

۷. دست تان را بچینانید

دست‌های تان را حرکت دهید. بخش بروکا در مغز که به تولید گفتار کمک می‌کند، وقتی حرف می‌زنیم و با دست‌های مان حرکت‌هایی انجام می‌دهیم، فعال است. این خبر عالی برای کسانی است که وقتی حرف می‌زنند از دست‌های شان استفاده می‌کنند. گومان می‌گوید: این کار در اصل به شما کمک می‌کند تفکرات واضح تری را شکل دهید.

۸. صدای تان را پایین نگه دارید

گومان می‌گوید: «قبل از یک تلفن یا مصاحبه مهم، لب‌ها را روی هم بگذارید و این صدای «اوم هوم، اوم هوم، اوم هوم» را تکرار کنید. به ویژه برای خانم‌ها مناسب است، تمرین کنید تا مطمئن شوید جملات تان با صوت بالاتری تمام نمی‌شوند. مقتدر باشید. لحن صدای تان را پایین نگه دارید. به جانی کش فکر کنید.»

منصور شاهرخ

عضو رسمی حسابداران خبره انگلستان

Mansour Shahrokh | BA(Hons), FCCA
Chartered Certified Accountant & Business Adviser

منصور شاهرخ، عضو رسمی انجمن حسابداران خبره انگلستان، از شما دعوت می‌نماید تا با مراجعه به سایت www.knightchadwick.co.uk از خدماتی که توسط ایشان ارائه می‌گردد آشنا شوید. آقای شاهرخ با سالها تجربه موفق در هدایت صحیح کارآفرینان، بازرگانان و نیز متخصصان تلاش نموده است تا سطح آشنایی صاحبین مشاغل مختلف را نسبت به کلیه امور حسابداری و مالیاتی افزایش داده و آنها را در مسیر رشد تجاری هدایت نماید. تهیه انواع طرح‌های تجاری، مشاوره بازاریابی و نیز تنظیم اسناد مالی جهت تمدید روادیدهای کارآفرینی از دیگر خدمات تخصصی می‌باشد که توسط این مجموعه ارائه می‌گردند.



@KnightChadwick
the needs of our clients come first!

ACCA

We are proud members of the Association of
Chartered Certified Accountants,
the global body for professional accountants



Unit 1A Woodstock Studios, 36 Woodstock Grove, London W12 8LE
Tel 020 7096 1822 Fax 020 7993 6258 Mob 07956 444 000
Website www.knightchadwick.co.uk Email enquiries@knightchadwick.co.uk



مورد عجیب نوزادان از دست رفته

ترجمه: الهام شیرمحمدی

سبکی که خودشان پرورش یافته‌اند بزرگ کنند، بچه‌دار نمی‌شوند. اکنون زمان آن رسیده که این طرز تفکر را از بین ببریم. برخی زوجین بچه‌دار شدن را به دلیل نداشتن توانایی مالی به تعویق نمی‌اندازند بلکه به این دلیل بچه‌دار نمی‌شوند که حس می‌کنند زندگی خانوادگی نسبت به گذشته دشوارتر شده است. نظرسنجی پیو (Pew) که سال گذشته در ۱۱ کشور ثروتمند انجام داد نشان داد ۶۴ درصد مردم معتقدند بچه‌های امروزی از والدین خود به مراتب بدتر می‌شوند. احتمالاً این سرنوشت به کشورهای دارای اقتصاد قوی نیز وارد شده است. آقای سوبوتکا می‌گوید مردم اسکاتلندی‌ها به اخبار تکراری که در دوران‌های سخت در همه جای اروپا پراکنده می‌شود بیش از حد واکنش نشان داده‌اند. این نگرانی‌ها به زیرپوست مردم خزیده است. در این صورت، تولد می‌تواند اندکی به سیاست شبیه باشد. زمانی که حال و هوای ضدسیاست پس از بحران مالی اروپا و آمریکا را فراگرفت، گمان می‌رفت با برگشت رشد اقتصادی نیز از بین برود. امروز که دونالد ترامپ نامزد احتمالی حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکاست، جبهه ملی در فرانسه فراگیر است و دولت بریتانیا با جدایی‌طلبان اسکاتلندی و اروپا‌هراسی در حال مبارزه است. این وضع بد می‌تواند ادامه یابد.

اینکه آیا نرخ تولد برمی‌گردد و اگر برگردد چه زمانی و تا چه اندازه‌ای، پیامدهای گسترده‌ای دارد. طبق برآورد ساده اداره آمار آمریکا نرخ کنونی باروری بدون تغییر باقی خواهد ماند. اداره آمار از سال ۲۰۰۸ پیش‌بینی خود مربوط به جمعیت کشور در سال ۲۰۵۰ را از ۴۳۹ میلیون به ۳۹۸ میلیون کاهش داده است. اگر نرخ پایین تولد ادامه یابد، می‌تواند حساب‌های دولت را در کوتاه‌مدت متوازن کند، زیرا کودکان کمتری برای تحصیل وجود دارند، اما در بلندمدت آسیب‌زاست. نرخ تولد ۱/۸ به معنای دو برابر شدن کسری تامین اجتماعی سالانه تا سال ۲۰۸۹ با وجود رقم ۲/۲ به عنوان پایه مالیات تامین اجتماعی است. این کاهش مداوم برای تولیدکنندگان پوشک نیز خبر بدی است. اما تاثیر کلی آن بر بازار بسیار اندک است. مارکوس تاگسون، رئیس شرکت بیبی‌شاپ استکهلم می‌گوید مورد مهم این است که زوجها حداقل یک فرزند دارند. فرزند اول سودآورترین فرزند برای ماست. والدین همه چیزهای جدید و عالی را برای او می‌خواهند؛ به علاوه، آنها در فرزند اول اشتباهاتی می‌کنند که هنگام داشتن فرزند دوم آنها را تکرار نمی‌کنند. او با اندکی تاسف می‌گوید «مانند خریدن لباس‌های سفید».

منبع: اکرونومیست

یونان و ایتالیا کاهش یافته است. اما در کشورهایی که از این بحران به سلامت گذشته‌اند مانند استرالیا و نروژ نیز کاهش یافته است. اگرچه انتظار می‌رفت که شمار تولد در آمریکا کاهش یابد، اما عدم بهبود آن روند پس از هفت سال عجیب به نظر می‌رسد. آقای جانسون می‌گوید «من تقریباً مطمئن بودم که زنان در حال بچه‌دار شدن هستند، و اینکه می‌توانیم شاهد بازگشت افزایش تولد باشیم. اما کم‌کم دارم تعجب می‌کنم.» این افت در بریتانیا دیرتر رخ داد: نرخ باروری در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ از ۹۲/۱ به ۸۱/۱ رسید. سپس در فرانسه رخ داد، کشوری که زوجین در آن به رکود اقتصادی می‌نگرند اما به آن بی‌توجهی می‌کنند. نرخ باروری در آنجا به‌زحمت تغییر می‌کند. اگر درک تعدادی از روندهای بین‌المللی دشوار است، هماهنگی میان کشورها نیز عجیب است. تروود لپگارد، جمعیت‌شناس نروژی، می‌گوید کاهش شمار تولد در کشورش را که شش سال ادامه داشته به سادگی می‌توانست توضیح دهد اگر تنها در یک گروه رخ می‌داد. اما، داشتن فرزند کمتر در زنانی از تمام سنین و تمام سطح تحصیلات مشاهده می‌شود.

یک توضیح ممکن این است که مهاجران این روزها به افزایش نرخ تولد کمک چندانی نمی‌کنند، و حتی ممکن است آن را کاهش دهند. برخی جمعیت‌شناسان می‌گویند ممکن است کاهش رفاه مادران فقیر را از داشتن فرزند بیهنگام کرده باشد. اما این امر رفتار زنان طبقه متوسط را توضیح نمی‌دهد. حمایت از طرف خانواده در واقع در بعضی کشورهای دارای نرخ باروری رو به کاهش بسیار بالاست.

آن برینگتون از دانشگاه ساوتهمپتون به مساله مسکن اشاره می‌کند. خرید خانه برای زوج‌های جوان و حتی نه‌چندان جوان در انگلستان و ولز دشوار است: ۴۶ درصد از افراد ۲۵ تا ۳۴ ساله در سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ در اقامتگاه‌های اجاره‌ای خصوصی زندگی می‌کردند که نسبت به یک دهه پیش ۲۴ درصد رشد داشته است. چهار نفر از هر ۱۰ فرد ۲۴ ساله هنوز با والدین خود زندگی می‌کنند. نرخ مالکیت مسکن در آمریکا و استرالیا نیز کاهش یافته است. این نرخ در فرانسه که نرخ باروری‌اش ثابت مانده در حال افزایش است اگرچه ممکن است به دلیل سیاست‌های قوی ملی‌گرایانه باشد.

البته زوجها در خانه اجاره‌ای نیز می‌توانند بچه‌دار شوند. اما به نظر می‌رسد برای تعدادی از افراد در کشوری مانند بریتانیا که خرید خانه برای نسل پیشین آن بسیار آسان بود، این امر زیر پا گذاشتن قاعده روانشناسی باشد. ریچارد ایسترلین، اقتصاددان آمریکایی، در دهه ۶۰ میلادی پیشنهاد داد افراد اگر احساس کنند نمی‌توانند فرزندان خود را به

جایگزین یعنی ۱/۲ برسد که به معنای حفظ جمعیت خود بود بدون آنکه مهاجران را به شمار آورد. توماس سووتکا از انستیتو جمعیت‌شناسی وین می‌گوید دو دلیل وجود دارد. نخست اینکه زنانی که برای ادامه تحصیل و داشتن شغل بچه‌دار شدن را به تاخیر انداختند، در زمانی که هنوز فرصت بچه‌دار شدن داشتند به سوی بخش‌های زایمان شتافتند. بچه‌دار شدن در دهه سوم زندگی زنان که سال‌ها رشدی آرام داشت در نروژ و کشورهای دیگر سرعت گرفت. دوم اینکه کاهش باروری در دهه دوم زندگی زنان متوقف شد. بحران مالی ناگهان انفجار نرخ تولد را کاهش داد. شمار تولد در کشورهای عضو اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۰۸، پنج میلیون و ۴۶۹ هزار نفر بود در سال ۲۰۱۳ تنها پنج میلیون و ۷۵ هزار بود که نشان‌دهنده کاهش هفت‌درصدی است. این کاهش شمار تولد برای کیمبرلی-کلارک، تولیدکننده پوشک Huggies، بسیار زیاد بود، زمانی که در سال ۲۰۱۲ اعلام کرد از بیشتر کشورهای اروپایی خارج می‌شود. در آمریکا نرخ باروری از نقطه اوج ۱۲/۲ در سال ۲۰۰۷ به ۸۶/۱ در سال ۲۰۱۴ رسید. کین جانسون، جمعیت‌شناس دانشگاه نیوهمپشایر، برآورد می‌کند آمریکا ۳/۲ میلیون نوزاد را از دست داده است.

این افت چندان عجیب نبود: نگرانی درباره داشتن شغل و پول مردم را از داشتن فرزند غافل می‌کند. اما کاهش نرخ تولد در کشورهای ثروتمند که آغاز شده بود به معما تبدیل شد. نرخ باروری در کشورهای با اقتصاد اسفبار مانند

با آغاز بحران مالی، طبق انتظار نرخ تولد در کشورهای ثروتمند کاهش یافت. اما مساله واقعی پایین بودن مداوم نرخ تولد است.

پاپ فرانسیس دقیقاً مثال ارائه نمی‌دهد اما خواستار تولد نوزادان بیشتر است. او سال پیش در حالی که می‌گفت خانواده‌های جوان مایل به داشتن فرزندان کمتری هستند زیرا داشتن تعطیلات بیشتر را ترجیح می‌دهند، اظهار کرد «چالش بزرگ اروپا بازگشت به موقعیت اروپای مادر است.» اروپا قطعاً دچار کمبود نیروی جوان به‌خصوص در کشورهای کاتولیک‌مذهب مانند ایتالیا و اسپانیاست. اما کمبود نوزاد موردی فراگیرتر است: آمریکای مادر و استرالیای مادر نیز ره گم کرده‌اند.

قطعاً آنها یک دهه پیش آن‌گونه بودند. اگرچه نرخ تولد در کشورهای در شرق اروپا که قبلاً کمونیست بودند و نیز در مکان‌های سنت‌گرایی که تلفیق کار و مادری دشوار است مانند ژاپن، کره جنوبی و کشورهای جنوب اروپا، پایین بود، اما کشورهای زیادی دارای انفجار تولد نوزادان هستند. در دهه منتهی به سال ۲۰۰۸، نرخ کل تولد (شمار کودکانی که یک زن می‌تواند در طول زندگی خود بر اساس الگوهای موجود داشته باشد) در بیشتر کشورهای ثروتمند دنیا افزایش یافت. این نرخ در بریتانیا از ۶۸/۱ به ۹۱/۱؛ در استرالیا از ۷۶/۱ به ۱۰۲/۲؛ و در سوئد از ۵/۱ به ۹۱/۱ رسید. آمریکا حتی این امر را طوری مدیریت کرد تا به «نرخ

برگزاری صیغه عقد و طلاق

مورد تأیید سفارت ایران

تهیه و تنظیم وصیت نامه

شرعی و قانونی و مراسم تدفین

مشاوره خانواده با تعیین وقت قبلی

محمد حسین متقی ۰۷۴۰۲۰۹۰۹۸۷



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

ای مشخص برای احیای اعتماد به نفس ضروری است. پژوهش ها نشان می دهند تشریفات خاص در تقویت عملکرد افراد و کاهش سطح تنش آنها به شدت مفید واقع می شوند. در حقیقت تیم های ورزشی تقریباً همیشه پیش از مسابقه دور یکدیگر حلقه می زنند، گروه های موسیقی نیز پیش از رفتن روی صحنه، دور هم جمع می شوند و شادی می کنند. شما نیز باید برای تقویت اعتماد به نفستان برنامه خاص خود را داشته باشید و با آمادگی بیشتری به استقبال رویدادهای پیش رو بروید.

۴ به موفقیت های کوچک خود افتخار کنید
بسیاری از انسان ها موفقیت های کوچک خود را نادیده می گیرند، و در عوض فقط اتفاق ها و موفقیت های بزرگ را جشن می گیرند. اما این اصل رویکرد درستی نیست. وقتی حتی قهرمانان المپیک هم برای بالا بردن انگیزه خود از پیروزی های کوچکشان استفاده می کنند، ما نیز می توانیم هر وقت به موفقیتی هرچند کوچک دست پیدا کردیم بابت آن خوشحالی کنیم و به خود روحیه بدهیم. این کار ممکن است به صورت مستقیم به بهبود کار شما کمکی نکند، اما هیچ چیز بیشتر از اینکه بدانید فعالانه در مسیر پیشرفت قرار دارید نمی تواند اعتماد به نفس شما را تقویت کند.

۵ از همین امروز شروع کنید
بعضی ها ذاتاً اعتماد به نفس بالایی دارند؛ درست مثل بعضی های دیگر که ذاتاً اعتماد به نفسشان پایین است. آلفرد بینت در مورد تست IQ گفته است: «لزوماً کسانی که شروع هوشمندانه ای دارند، هوشمندانه ترین پایان ها را رقم نمی زنند». همین گفته در مورد اعتماد به نفس نیز صادق است. تقویت اعتماد به نفس را به اولیوی در زندگی خود بدل کنید، اعتماد به نفس با خود موفقیت های بزرگ و رضایت به همراه می آورد.
وب سایت دیجیاتو

نتایج

ما انسان ها گرایش داریم به اینکه به جای فرایندها، همه چیز را به نتایج گره بزنیم. با این حال مطالعات بسیاری حاکی از آن بوده اند که تشویق زحمت ها و تلاش افراد، از تحسین استعداد ذاتی آنها اثربخش تر است. این نشان می دهد که باید به نتایجی که ماحصل تلاش و



زحمت فراوان بوده اند افتخار کنید؛ حتی اگر این نتایج آن چیزی نباشند که پیش از آن انتظارش را داشته اید.

۳ برای تقویت اعتماد به نفس خود برنامه ای داشته باشید

برای آنکه بتوانید به خودتان افتخار کنید، داشتن برنامه

واضح است که قرار دادن خود در جمع کسانی که شما را دوست دارند به نظر یکی از ریشه دارترین رفتارهای موجودات مختلف به ویژه انسان است. با این حال تعداد انگشت شماری از افراد هستند که برای اختصاص زمان کافی به این موضوع تلاش مناسبی انجام می دهند. همه ما به کسانی نیاز داریم که به ما باور داشته باشند،

اگر در حال حاضر روحیه خوبی ندارید، بخوانید

توانایی احیای اعتماد به نفس از دست رفته و دوباره روی پای خود ایستادن بعد از در هم شکستن روحیه، برای داشتن آینده ای موفق و همراه با رضایت ضروری است.

اعتماد به نفس یکی از آن چیزهایی است که به صورت طبیعی به واسطه بالا رفتن دانش شما تقویت می شود؛ هر کسی با پرورش و تقویت مهارت های تازه، برای به اشتراک گذاشتن آنها با دیگران احساس راحتی بیشتری خواهد کرد. اما متأسفانه اعتماد به نفس افراد با شنیدن چند کلمه منفی از سوی دیگران، یا ارتکاب اشتباه از سوی خودشان به راحتی از بین می رود. توانایی احیای اعتماد به نفس از دست رفته و دوباره روی پای خود ایستادن بعد از در هم شکستن روحیه، برای داشتن آینده ای موفق و همراه با رضایت ضروری است.

در ادامه با ۵ شیوه اثبات شده برای بالا بردن اعتماد به نفس در چنین مواقعی آشنا خواهید شد. به یاد داشته باشید که شکست و اشتباه بخش های اجتناب ناپذیر زندگی هستند و این نحوه برخورد شما با آنهاست که اهمیت دارد.

۱ خود را در جمع کسانی قرار دهید که از شما حمایت می کنند

و بر اقدامات ما صحنه بگذارند. وقتی اطراف خود را پر کنید از کسانی که مدام به شما یادآور شوند چه مهارت هایی دارید، کم کم به خودتان ایمان خواهید آورد و اعتماد به نفستان را باز خواهید یافت.

۲ تمرکز خود را روی فرایندها قرار دهید، نه

LEMOGE CLINIC

Dr Abbas Shirafkan, Dr Atena & Dr Hanieh, Dr Mohammad, Dr Hakim

کلینیک زیبایی لموژ (۶ شعبه)

مشاور رایگان توسط دکتر عباس شیرافکن

همه روزه از ساعت 7-4 بعد از ظهر و شنبه ها تمام روز

در کلینیک Lemoge در 191 Kilburn

Queens Park
47 Salusbury Rd
London NW6 6NJ
020 7912 0920
020 7604 3124

Lemoge Clinic
57 Salusbury Rd
London NW6 6NJ
020 7624 3040
020 7624 7585

Lemoge Swi Cot
122 Finchley Rd
London NW3 5HT
020 7794 7070
020 7794 7080

Lemoge Clinic
94 Kilburn Hi Rd
London NW6 4HS
020 7624 6644
020 7624 5533

Lemoge Clinic PRP
341 Kilburn Hi Rd
London NW6 7QB
020 7625 6060
020 7625 5500

Before



Free Consultation

سرویس
افزایش مو
برای افراد
نیمه طاس
با روش پی آر پی

After



By Dr Mohammad at No 341

www.lemogeclinic.co.uk

Beauty-Hair-Tanning- Slimming- Botox- Fillers
All Prices in this advert, strat from

SPECIAL OFFER Under arm LASER £20 normally £50

Upper lip LASER	£20	Full leg wax	£12
Face LASER	£45	Slimming LPG	£45
Full Legs IPL	£ 49	Pigment removal , TATTOO	
Bikini Laser	£ 49	Microdermabration	£30

14 LASER Machines : NDYAG, IPL, Ecolite,
Alexandrite laser, Any Area, Man/Woman, Any Skin
Botox: £130 Fillers: £200 Lips Enlargement: £200
Chemical Peels, Cheek enhancement

Lemoge (main) drshirafkan@hotmail.com

191 Kilburn Hi Rd, London NW6 7HY

0207372 0044-020 7372 4433



بزرگ کردن لب
از بین بردن خط خنده

At No 57 or 341

از بین بردن جوش صورت و رگهای قرمز - خال های پوستی
چروک صورت - لکه های پوستی و سایر موارد زیبایی

لیزر و IPL برای از بین بردن موهای زائد، صورت و بدن
برداشتن لکه های صورت، جوان کردن صورت

تخفیف استثنایی ویژه ایرانیان

لیزر کامل پا ۹۹ پوند، لیزر زیر بغل ۲۲ پوند

لیزر بیکی نی ۴۵ پوند، لیزر چانه ۲۰ پوند

بوتاکس ۱۳۰ پوند، لایه برداری و جوان سازی پوست ۶۰ پوند

از بین بردن رگهای قرمز و خالهای پوستی از ۳۵ پوند

سرطان‌های دیگری است که در مصرف‌کنندگان مواد دخانی، به ویژه مصرف‌کنندگان قلیان، دیده می‌شود. مطالعات متعددی، شیوع این سرطان‌ها را در مصرف‌کنندگان قلیان به اثبات رسانده است.

۴. سرطان مثانه: مطالعات متعددی افزایش آمار ابتلا به

قلیان به عنوان سرطان اصلی به اثبات رسیده است.

۲. سرطان لب تحتانی، حفره دهان و مری: به علت غلظت بالای دود قلیان و تجمع دود در حفره دهان و همچنین ریزش قطران از انتهای نی قلیان روی لب تحتانی و داخل حفره دهان، شیوع سرطان لب تحتانی و حفره دهان در

تاثیری بر کاهش غلظت مواد سمی و بیماری‌زای موجود در دود توتون ندارد.

۲. باور غلط خانواده مبنی بر استفاده از قلیان برای برقراری رابطه دوستانه با فرزندان: با توجه به گسترش باور صحیحی در خانواده‌ها مبنی بر احتراز از تنبیه فیزیکی و برقراری رابطه دوستانه با فرزندان و افزودن باور غلط اول به آن مبنی بر بی‌ضرر بودن استعمال قلیان و گسترش عرضه آن در مکان‌های تفریحی نظیر سفره‌خانه‌ها و قهوه‌خانه‌های سنتی، بسیاری از والدین به اشتباه استعمال دسته‌جمعی قلیان را وسیله‌ای برای ایجاد رابطه صمیمانه بین اعضای خانواده ارزیابی می‌کنند و دیده می‌شود که

استعمال قلیان در سال‌های اخیر، روند فزاینده‌ای داشته و این روند، در مقایسه با سیگار، به ویژه در نسل جوان و زنان، افزایش معناداری یافته است. مطالعات مختلف در اکثر کشورهای جهان، اعم از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، نشان می‌دهد که میزان مصرف قلیان رو به افزایش است. اگرچه همچنان جنس مذکر در معرض خطر بیشتری برای تجربه قلیان و اعتیاد به آن است اما اختلاف شیوع استعمال قلیان بین دو جنس مذکر و مونث، نسبت به استعمال سیگار، کمتر است. به عنوان مثال، طبق آمار سال ۱۳۹۰ وزارت بهداشت، شیوع مصرف روزانه سیگار در بین مردان گروه سنی بالای ۱۵ سال ۲۶٪ و در زنان ۶۳٪ در صد (متوسط ۱۰٪ در صد) و شیوع مصرف روزانه

ریشه‌ها و میوه‌های رواج قلیان در برخی از خانواده‌های ایرانی

قلیان، سرطان، خانواده

اعضای خانواده به طور دسته‌جمعی اقدام به استعمال قلیان می‌نمایند. این در حالی است که دود قلیان همچون دود سایر مواد دخانی واجد نیکوتین است که ماده اعتیادآور اصلی موجود در گیاه توتون بوده و موجب اعتیاد نوجوانان و جوانان مصرف‌کننده به این ماده دخانی می‌شود. از آنجا که مصرف قلیان شیوه سختی برای نوجوان و جوان در تامین نیکوتین مورد نیاز بدن پس از شکل‌گیری اعتیاد به آن است، معمولاً این مصرف‌کنندگان کم‌سن‌وسال به انواع سهل‌الوصول‌تر تامین نیکوتین نظیر سیگار روی خواهند آورد و والدین به دست خود و از سر ناگهانی، فرزندان خود را به مصرف توتون معتاد می‌کنند.

۳. عرضه تنباکوی طعم‌دار، معسل یا میوه‌ای: عرضه این نوع توتون در بازار کشورهای منطقه موجب افزایش چشمگیر میزان مصرف قلیان به ویژه در جوانان شده است. عرضه این نوع قلیان در اماکن تفریحی به عنوان نوعی تفنن نیز یکی از عوامل مهم شیوع مصرف قلیان در این گروه جمعیتی است.

قلیان و سرطان

۱. سرطان ریه: علاوه بر همه بیماری‌های ناشی از استعمال دخانیات که در مصرف‌کنندگان قلیان نیز دیده می‌شود، در تحقیقات مختلف، شیوع سرطان ریه در مصرف‌کنندگان

قلیان در مردان همین گروه سنی ۴٪ در صد در برابر ۲٪ در صد در زنان (متوسط ۲٪ در صد) گزارش شده است.

ریشه‌های شیوع قلیان

طی سال‌های اخیر، افزایش چشمگیری در میزان مصرف قلیان در ایران، کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به وقوع پیوسته است و عوامل مختلفی را می‌توان در بروز این پدیده دخیل دانست:

۱. باور غلط مبنی بر کم‌ضرر یا بی‌ضرر بودن دود قلیان به علت عبور دود از آب: نکته قابل‌توجه این است که در زمان اختراع قلیان هیچ دانشی در خصوص ارتباط استعمال دخانیات با بیماری‌ها وجود نداشته است، بنابراین فرض اینکه تعبیه مخزن آب در قلیان به منظور جذب سموم موجود در دود توتون و کاهش زیان‌های آن بوده، کاملاً مردود است. در قلیان با توجه به سوختن توتون به وسیله ذغال آفروخته، دود حاصله دارای دمای بالا و بسیار خشک است. ورود دودی با این دما و این درجه از خشکی موجب آسیب به مخاط دهان و دستگاه تنفسی فرد مصرف‌کننده می‌شود، لذا عبور دود از داخل آب باعث خنک شدن دود و اضافه شدن رطوبت به دود می‌گردد و در واقع تحمل دود قلیان برای فرد مصرف‌کننده راحت‌تر می‌شود و عملاً هیچ

سرطان مثانه را در مصرف‌کنندگان قلیان به اثبات رسانده است. پس از اشتغال در صنعت رنگ‌سازی، استعمال دخانیات را می‌توان مهم‌ترین عامل خطر ساز در ابتلا به سرطان مثانه به حساب آورد.

۵. دیسپلازی سلول‌های حفره دهان: مواد موجود در دود قلیان موجب بروز اختلالاتی در سلول‌های حفره دهان می‌شود که این سلول‌های جهش‌یافته استعداد تبدیل شدن به سرطان حفره دهان را دارند.

نتایج یک مطالعه در نوجوانان ۱۳ تا ۱۵ ساله -

در ایران

نتایج مطالعات انجام‌شده در خصوص وضعیت استعمال دخانیات در نوجوانان ۱۵-۱۳ ساله کشور و عوامل موثر بر آن در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۶، حاکی از افزایش نگران‌کننده تجربه مصرف قلیان در گروه سنی جوان و نوجوان و خصوصاً دختران است. با توجه به این نکته که نوجوانان در این گروه سنی به تنهایی قلیان را مصرف نمی‌کنند و بیشتر به همراه اعضای خانواده به مصرف قلیان می‌پردازند، نقش باورهای غلط در مورد قلیان، از جمله بی‌ضرر بودن قلیان و حساسیت کم والدین نسبت به استعمال آن توسط فرزندان نوجوان و حتی همراهی والدین در مصرف دسته‌جمعی قلیان به عنوان مهم‌ترین عامل در افزایش روند مصرف قلیان در این گروه سنی مشخص گردیده است. این در حالی است که متأسفانه نیکوتین موجود در تنباکوی قلیان موجب می‌شود نوجوان پس از مصرف به نیکوتین اعتیاد پیدا کند و از آنجا که تامین نیکوتین توسط قلیان برای نوجوان معتاد به نیکوتین مشکل و دسترسی به آن دشوار است، پس از شکل‌گیری اعتیاد به نیکوتین، نوجوان برای تامین نیکوتین مورد نیاز خود به شکل‌های سهل‌الوصول‌تری که شایع‌ترین آنها استعمال سیگار است، روی خواهد آورد.

نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که نزدیک به یک‌سوم نوجوانان مورد مطالعه، والدین سیگاری یا مصرف‌کننده

مصرف‌کنندگان قلیان نسبت به سیگاری‌ها بیشتر است.

۳. سرطان حنجره و حلق: سرطان حلق و حنجره از



سازمان گردهمایی شاهین
برای بزرگسالان و بازنشستگان

هر پنجشنبه

آموزش روشهای خود شناسی
روان درمانی گروهی
اطلاعات پزشکی عمومی

از ساعت ۱۲ - ۱۵/۳۰

تلفن: ۰۲۰۷۲۲۱۵۷۶۳ - ۰۷۹۶۱۴۴۷۱۱۶

(Resident Club Room Henry Dickens Court)

Saint Ann's Road W11 4DH

Tel: 020 7221 5763 - Mobile: 07961 447116
Email: persiancarecentre@hotmail.co.uk

نزدیک ترین آندرگراوند . لتیمر رود

Nearest Underground Station is Latimer Road
(Hammersmith & City Line and Circle Line)

اتوبوس: ۲۹۵ و ۳۱۶
ایستگاه اتوبوس: Wilsam Street

ورود برای عموم آزاد است

سرریعترین روش روانکاوای از طریق هیپنوتراپی
- روانکاو و هیپنوتراپیست



هیپنوتیزم درمانی
توسط خانم
دکتر روحی شاهین
درمان همه مشکلات:

رفع وحشت و اضطراب از پرواز، حل مشکلات خانوادگی، اضطراب - افسردگی، ترک عاداتهای ناخواسته، ترس‌ها - نگرانی‌ها، کسب اعتماد بنفس و رفع خجالت، ترک سیگار در یک ساعت، ترمیم غم از دست رفته‌ها و اتفاقات

فارغ التحصیل در رشته روانکاوای و مشاوره هیپنوتراپی تأیید شده از (London University) توسط وزارت بهداشتی انگلستان قاضی دادگاههای فرجامی در بیمارستانهای اعصاب لندن عضو جامعه روانکاوای انگلستان استاد تعلیم هیپنوتیزم درمانی و دادن مدرک تأیید شده از کنسول هیپنوتراپی لندن برگزار کننده سمینارهای تجربی و روانکاوای

www.advancehypnotherapy.com

Tel: 020 7221 5763

Mob: 07961 447116

10 Harley Street W1



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

بنیاد همیار تقدیم می کند

کلوپ فرشتگان

موسیقی، رقص، شعر، مسابقات و سرگرمی، تورهای تفریحی
نمایش فیلم و تئاتر، پذیرایی با ناهار (با سفارش قبلی)

**کلوپ فرشتگان با ارائه برنامه های متنوع مقدم شما
مهمانان را در هر شرایط سنی گرامی میدارد.**

079 0320 9503
Greenside Community Centre,
24 Lilestone Street, London NW8 8SR

حامیان: سازمان مراکزهای پارس، قند و رضا
و رستوران بهش

www.hamyarcharity.com

مدرسه اندیشه

کلاس های آموزشی کودکان، نوجوانان و بزرگسالان

آموزش زبان فارسی
از سطح ابتدایی تا GCSE, A Level

آموزش ریاضی
از سطح ابتدایی تا GCSE, A Level توسط معلم با تجربه ی
تدریس در مدارس لندن

زمان تشکیل کلاس ها: روزهای شنبه از ساعت ۱۴ تا ۱۷

ثبت نام ترم جدید ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۵

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن
07846 508 534 تماس بگیرید

Trinity Church Golders, 88 Hodford Road
Golders Green
London NW11 8EG
Tel 07846 508 534
www.englishschool.org.uk
Email: info@englishschool.org.uk

نهایت دچار عود مصرف می شوند.

در مدرسه

موثر بودن آموزش های مدرسه محور با رویکرد آموزش مهارت های زندگی در کاهش آغاز استعمال دخانیات به اثبات رسیده است. بنابراین آموزش های مدرسه محور، علاوه بر آموزش در مورد آثار استعمال دخانیات بر سلامت، باید حاوی آموزش مهارت هایی نظیر «نه گفتن»، «افزایش اعتماد به نفس»، «مقاومت در برابر فشار گروه همسالان» و مهارت هایی از این قبیل باشد.

با توجه به اینکه طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، هر وعده مصرف قلیان، دودی معادل مصرف ۵ تا ۱۰ پاکت سیگار (۱۰۰ تا ۲۰۰ نخ) وارد ریه فرد می کند و میزان مواجهه با دود قلیان برای اطرافیان معادل ۵ تا ۱۰ سیگار برآورد شده است، لزوم اطلاع رسانی در مورد خطرات مواجهه با دود قلیان برای اطرافیان، به ویژه کودکان، بسیار حائز اهمیت است. این در حالی است که طی تحقیقات انجام شده در این سازمان، رسوب بقایای دود قلیان بر روی فرش، دیوارهای محل مصرف قلیان (منزل، رستوران و...) و لوازم شخصی که تحت عنوان دود دست سوم شناخته می شود، موجب انتقال سموم سرطانزا به فرزندان و اطرافیان از طریق تماس پوستی می شود که جذب بسیار بالایی نیز دارد.

ترک سیگار و قلیان در ۶ مرحله

برنامه شش مرحله ای که پیش رو دارید، به شما کمک می کند آسان تر با سیگار و قلیان وداع کنید. اما برای افزایش اثربخشی این برنامه باید سعی کنید بین ۲ تا ۴ هفته، استرس های کاریتان را کم کنید و به مطالعه و شرکت در فعالیت های اجتماعی بپردازید:

۱. عادت های دخانیتان را شناسایی کنید: یک تکه کاغذ دور پاکت سیگار تان بچسبانید و روی آن بنویسید که چه زمانی سیگار کشیده اید؛ فعالیتی که با سیگار کشیدن شما همراه بوده، چه بوده و دلیل سیگار کشیدن تان چه بوده است. همین کار را می توانید در دفترچه جداگانه ای در خصوص قلیان نیز انجام دهید؛ مثلاً بنویسید: «بعد از صبحانه، در ماشین، حس ناامیدی» یا «بعد از ناهار، با دو نفر از دوستان، تفریح». در ۲ هفته اول به فکر تکمیل دقیق یادداشت های تان باشید تا نوبت به تحلیل و عمل برسد.

۲. دنبال حامی باشید: بیمودن این مسیر، بدون پشتیبان، آسان نیست. از مشورت و همراهی دیگران استفاده کنید. می توانید با افراد دیگری که در حال ترک سیگار یا قلیان هستند، همراه شوید تا انگیزه بیشتری برای این کار پیدا کنید.

۳. کم کم از میزان مصرف سیگار و قلیان تان بکاهید: طی یک دوره ۱ تا ۴ هفته ای با خودتان عهد ببندید که تعداد سیگارهای مصرفی و تعداد وعده های قلیانی تان را هر روز کمتر از دیروز کنید. در این دوران نیز بهتر است با افرادی که در حال ترک سیگار یا قلیان هستند یا قبلاً در این زمینه موفقیتی کسب کرده اند، بیشتر در ارتباط باشید.

۴. تاریخ تعیین کنید: برای ترک نهایی سیگار و قلیان، یک تاریخ قطعی تعیین کنید و آن تاریخ را به دوستان، اعضای خانواده و دیگرانی که در این برنامه همراه شان شده اید، اطلاع بدهید. بهتر است این تاریخ را با یک تاریخ خاص همزمان کنید؛ مثلاً با تاریخ تولد یا سالگرد ازدواج تان.

۵. عجله نکنید: روند تدریجی ترک سیگار و قلیان باید به گونه ای باشد که یک هفته قبل از فرا رسیدن روز قطعی ترک سیگار، کمتر از روزی ۵ نخ سیگار بکشید و هر روز اولین سیگار تان را دیرتر از روز گذشته روشن کنید؛ مثلاً به خودتان بگویید امروز تا قبل از ساعت ۴ عصر اصلاً سیگار نمی کشم. ۲ تا ۳ نخ از ۵ نخ سیگار روزانه تان را در فواصل نسبتاً کوتاه بکشید تا تلخی اش را در گلویتان حس کنید و بتوانید بر جنبه های منفی آن تمرکز کنید. به طعم بدی که در دهان تان ایجاد شده یا آسیبی که به ریه های تان وارد شده، فکر کنید. پس از یک هفته، وقتی سیگار را به کلی کنار گذاشتید، به خودتان پاداش بدهید؛ پاداشی مانند تماشای یک فیلم دلخواه یا خوردن غذای مورد علاقه یا خریدن لباسی جدید و زیبا. همین دستور را می توانید در خصوص ترک قلیان نیز اجرا کنید.

۶. پیگیر باشید: تا ۲ هفته پس از ترک سیگار و قلیان، با دوستانی که در طول این مدت با آنها همراه بوده اید، در ارتباط باشید؛ به ویژه اگر چیزی باعث ناراحتی تان شده و احتمال می دهید آن استرس مجدداً شما را به سمت سیگار یا قلیان سوق دهد. به شخصیت جدیدی که دارید به آن دست پیدا می کنید، با علاقه و احترام نگاه کنید. یادتان باشد که شما دارید سالم تر، جذاب تر، داناتر، دوست داشتنی تر، شایسته تر و زیباتر می شوید و در کنار اینها می توانید روی یک پس انداز مالی جدید هم حساب کنید.

مواد دخانی داشته اند و این امر، نقش والدین را در استعمال دخانیات توسط فرزندان شان برجسته می کند. نکته دیگر آن است که بیش از دوسوم نوجوانان مورد مطالعه، خواهان ممنوعیت استعمال دخانیات در اماکن عمومی هستند و نزدیک به ۵۰ درصد آنها در اماکن عمومی، مواجهه ناخواسته با دود مواد دخانی دارند و این امر نقش مهمی در ابتلای آنها به بیماری های ناشی از استعمال



دخانیات خواهد داشت و احتمال تجربه مواد دخانی توسط آنها را در آینده افزایش خواهد داد.

در این مطالعه، روش تهیه سیگار مورد نیاز عمدتاً از مغازه یا سوپرمارکت عنوان شده است، بدون اینکه از طرف فروشنده، ممانعتی برای فروش به آنان ابراز شود. شاید به این علت که به ذهن فروشنده خطور نمی کرده که ممکن است نوجوان برای مصرف شخصی خودش در حال خرید ماده دخانی باشد. این امر نیاز به اجرای قوی تر قانون کنترل دخانیات و نیز ارائه آموزش های لازم به صنوف عرضه کننده مواد دخانی را ضروری می سازد.

طبق نتایج این مطالعه، متأسفانه تنها به طور متوسط، ۲۵ درصد از نوجوانان مورد مطالعه اظهار داشته اند که طی سال تحصیلی، موضوع کنترل دخانیات برای آنها به بحث گذاشته شده و هیچ آموزش مدون و برنامه ریزی شده ای در مورد کنترل دخانیات در مدارس کشور وجود نداشته است. قسمت اعظم این جمعیت، ساعات زیادی از عمر خود را در کنار یکدیگر در مدرسه به سر می برند. ارائه برنامه های پیشگیرانه موثر در حوزه کنترل دخانیات، یک اولویت اخلاقی است. مدارس مجموعه های ایده آلی برای ارائه این برنامه ها هستند.

در آمریکا

در سال ۱۹۹۲، حدود ۱۸ درصد از دانش آموزان نوجوان مورد مطالعه در کشور آمریکا گفتند که اولین نخ سیگار خود را در دوره ابتدایی تجربه کرده اند. ۲۰ درصد از آنها اولین نخ سیگار خود را در دوره کلاس هفتم تا نهم تجربه کرده بودند. برنامه های مدرسه محور، فرصتی برای پیشگیری از آغاز استعمال دخانیات فراهم می کنند و فرد را از مواجهه با سختی های اقدام به ترک، در صورت اعتیاد به استعمال دخانیات، رهایی می بخشند. ۸۳ درصد از سیگاری های فعلی آرزو می کنند که ای کاش هرگز سیگار را تجربه نکرده بودند. ۹۳ درصد از سیگاری هایی که ترک می کنند، ظرف یک سال مجدداً استعمال آن را آغاز می کنند. یک سوم از سیگاری هایی که یک سال یا بیشتر از ترک سیگار شان می گذرد، در

پیاده‌راه‌ها؛ تلفیقی از شهرسازی و روانشناسی اجتماعی

گردآورنده و ترجمه: شادی رحیمی فر

طراحی شهرها بر اساس راحتی و لذت بردن از پیاده‌روی یکی از مهم‌ترین اهداف شهرسازی جدید است. جذاب‌ترین شهرها شهرهایی با خیابان‌های عاری از ماشین است که «شهرهای عابران پیاده» نامیده می‌شوند. این شهرها با شعار «رد پای شخصی ما یافتن ردپای اکولوژیکی ماست» به دنبال سلامت روان در فضاهای بین ساختمان‌ها هستند، چراکه در اقتصاد جهانی سفر حقیقت زندگی است و در شهرهایی که از سلامت روان بیشتری برخوردارند مسافران بیشتری دیده می‌شوند. از آنجایی که شهرها و کشورهایی که از منابع طبیعی خود به بهترین شکل محافظت می‌کنند دارای اقتصاد بهتری بر پایه گردشگری هستند، بازتاب این حقیقت زندگی برای بدهکاران و طلبکاران محیط زیست، ثروت، سلامت و فراغت مناسب به ارمغان خواهد آورد.

امروزه علم روانشناختی و جامعه‌شناسی با علم شهرسازی آمیخته شده و برای کاستن از جرم و جنایت بهسازی اعصاب و روان مردم را مورد هدف قرار می‌دهد. راه رفتن در فضایی آرام بدون آلودگی‌های صوتی، رویدادهای اجتماعی بسیاری به دنبال خواهد داشت. از آنجا که هرگونه بی‌عدالتی بازخورد اجتماعی خواهد داشت، روانشناسان انگلیسی به بررسی زندانیان پرداختند. آزمایشات حاکی از این است که اثرات سر و صدای ثابت و تابش نور مستقیم سبب می‌شود که افراد پس از بیرون آمدن از زندان پرخاشگرتر از گذشته شوند. بنابراین آرام بخشی فضاها توسط تزئینات شهری مانند آب‌نما و تندیس‌ها، زیباسازی و انسان‌محورکردن خیابان‌ها و پیاده‌راه‌ها نقش مهمی برای ایجاد آرامش افراد جامعه بازی می‌کند. امروزه توریسم هم به دنبال مکان‌هایی است که انسان محور باشد. شاید بتوان گفت یکی از دلایلی که شهرهای ما در جذب گردشگر به اندازه بسیاری از شهرهای اروپایی موفق نیستند کمبود همین فضاهای پیاده و برنامه‌های خاطره‌انگیز اجتماعی در این فضاها است. در این نوشتار به بررسی شهرهایی پرداخته شده است که از بیشترین فضاهای خود برای پیاده‌محوری و انسان‌محوری استفاده می‌کنند. یکشنبه ۲۱ سپتامبر، روز بدون اتومبیل از ساعت ۷:۳۰ صبح تا ۹ شب برای مردم بروکسل بسیار خاطره‌انگیز است. سالی یک روز خودروهای مانده در گاراژ جای خود را به دوچرخه‌سواران داده و ۱۶۰ کیلومتر مربع برای احترام به محیط زیست و تمامی فعالیت‌هایی که منجر به تحرک جهت سلامت انسان است مانند اسکیت، دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی... در اختیار افراد است. تنها وسایل حمل و نقل اضطراری مجاز به عبور از این منطقه هستند. کره جنوبی هم مانند بروکسل روزهای بدون اتومبیل شاد و زیبایی را برای ساکنانش به ارمغان آورده است.

سوون واقع در کره جنوبی شهر دیگری است که برای افزایش تحرک مردم شهر، ماهی یک روز به استقبال استفاده از دوچرخه و وسایل نقلیه برقی می‌شتابد. در محله ی شامپتق بروکسل بیش از ۲۰۰۰ مترمربع پیاده‌راهی پوشیده از چمن، ساختمان‌های تاریخی این منطقه را بیشتر به جلوه می‌آورد. در ۲۱ سپتامبر ده‌ها هزار نفر در این پیاده‌راه با پای برهنه روی چمن راه می‌روند و در مقابل کاخ

ایران در مسیر تورهای جاده ابریشم نیست

چین با همکاری کشورهای قزاقستان، قرقیزستان و دیگر کشورهای همسایه در سال ۲۰۱۵ نزدیک به ۲۶ میلیون گردشگر خارجی را به مسیرهای جاده ابریشم جذب کرد. این کشور حالا تورهایی تعریف کرده که مسیر جاده ابریشم را می‌پیمایند و از مرزهای غربی چین به آن وارد می‌شوند. به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی و به نقل از چاپنا دلیلی در این تور دو ماهه، ۵۰ گردشگر آلمانی‌زبان با اتوبوسی در مسیر جاده باستانی ابریشم از کشورهای آلمان به لهستان، بلاروس، روسیه، سپس قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان و پس از آن به چین می‌روند اما جای ایران در میان مقاصد این مسیر خالی است.

مدیر تور چینی که این برنامه را در مسیر جاده ابریشم اجرا می‌کند، در این باره گفته است: «این تجربه‌ای فراموش نشدنی است؛ سفر از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام که نزدیک به ۱۳ هزار کیلومتر سفر درون چین را نیز دربر دارد و شامل ۲۰ شهر چین می‌شود.» لیو گوشنگ افزوده است: «من این تور را حدود ۱۰ سال است که برگزار می‌کنم و تعداد گردشگران هر سال بیشتر و بیشتر می‌شود. در این تور که به طور خاص برای گردشگران آلمانی‌زبان طراحی شده، مسافران نه فقط از آلمان بلکه از تمام کشورهای آلمانی‌زبان هستند.» یکی از مسافران آلمانی‌زبان تور مذکور در تایید اهمیت فرهنگی این مسیر گفته است: «از کودکی علاقه زیادی به جاده ابریشم داشتم و اکنون این شانس را دارم که از نزدیک در آن سفر کنم. این مسیر در مقایسه با شهرهای مدرن غربی جذابیت زیادی برای ما دارد؛ فرهنگ بومی، اقوام و اقلیت‌های قومی و نژادی و نیز روش زندگی آنها بسیار جالب است.»

وزارت گردشگری چین نیز گردشگری جاده ابریشم را به عنوان یک برند جدید برای جذب گردشگران غربی و دیگر کشورهای خارجی اعلام کرده و این موضوع در مدت دو سال گذشته مهم‌ترین موضوع و عنوان در پیشبرد و توسعه گردشگری این کشور بوده است. براساس این گزارش، تحقیقات صورت گرفته در ایران نشان داده است اغلب گردشگران جاده ابریشم بین ۴۰ تا ۵۰ سال سن دارند، دارای تحصیلات عالی هستند و به‌دنبال کنجکاوی و شناخت بیشتر فرهنگ‌های دیگر کشورها سفر می‌کنند. در واقع آنها سفیران صلح هستند و از بودن با دیگر مردمان و فرهنگ‌ها لذت می‌برند. به گزارش «دنیای اقتصاد» گرچه ایران نیز با شرکت در نشست‌های مختلف برنامه‌های گردشگری راه ابریشم سعی در توسعه و بهره‌برداری بهینه از این مسیر را دارد، اما همین امر که در میان مقاصد این تور چینی قرار نگرفته خود نشان از تعامل اندک تورگردانان در زمینه‌های اجرایی دارد.

سلطنتی با دوستان خود گردهم می‌نشینند و از فضا لذت می‌برند.

کوچه‌های باریک و شیب‌دار سنگ فرش شده با حفظ حریم عابران پیاده، خانه‌های دو طبقه و چراغ‌های زیبای یکدست، کلیساهای قدیمی، پارک‌های زیبا و تعداد زیادی مجسمه افراد مشهور بلژیک، شهر را به یک موزه کامل تبدیل کرده که دوربین را به هر سمتی بچرخانی، عکسی زیبا به ثبت خواهد رسید. این کوچه‌های باریک به میدان بزرگ گرنند پالاس منتهی می‌شوند. اطراف این میدان با ساختمان‌های قدیمی و معماری به سبک اروپای قرون وسطی احاطه شده است. ساختمان شهرداری، موزه شهر، ساختمان بورس و سایر ساختمان‌های اطراف میدان به زیبایی کنار هم قرار گرفته‌اند. جشنواره فرش زیبا از گل، یکی از بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین جشنواره‌ها است که سالانه توریست‌های زیادی را به سمت بروکسل می‌کشاند.

بروکسل به شهر «تن تن» معروف است. در بسیاری از کوچه‌های آن نقاشی‌های این شخصیت کارتونی به چشم می‌خورد و برای کودکان و بزرگسالان شادی‌آور است. ۱

نمونه دیگری از پیاده‌راه فرهنگی و با قدمت در شهر میلان ایتالیا دورتادور کلیسای دموا پیزا را به شکل مستطیل احاطه کرده است. مساحت این پیاده‌راه فرهنگی ۲۲۰۰۰ مترمربع است. این پیاده‌راه نمونه کاملی از حرکت و تعامل مردم، اقتصادی پویا، خلاقیت و نوآوری در ترکیب با ساختمان‌های تاریخی باشکوه است. مناطقی که ورود خودرو به آنها ممنوع یا محدود شده، موجب آرامش مردم و حضور بیشتر آنان، احترام به میراث و آرامش گردشگر در فضایی بدون آلودگی صوتی، توقف طولانی‌مدت در واحدهای پذیرایی و تعامل و آشنایی با یکدیگر در مراکز و فضاهای بین ساختمان‌ها شده است.

پیاده‌راه پیازا کاستلو در مسیر قلعه اسفورزا میلان به مساحت تقریبی ۲ کیلومتر با همکاری شهروندان محله و با ساخت میلمان زیبای موقت، سازه‌های سبک وزن برای ایجاد سرپناه، بازدیدکنندگان را دعوت به پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری در یک فضای پیوسته، مطالعه و صرف نهار می‌نماید.

... و اما شهر استانبول پیاده‌راهی بسیار جذاب که دور تا دور آن را کافه و رستوران و بوتیک‌های وسوسه‌کننده برای خرید مسافران و اهالی شهر تدارک دیده که تقریباً یکی از بزرگ‌ترین‌های صنعت توریسم است. این پیاده‌راه سنگفرش شده به طول تقریبی ۳۰۰۰ متر در روزهای آخر هفته جمعیت ۲ میلیون نفری را در خود جای می‌دهد. ویژگی دیگری که این خیابان را از دیگر خیابان‌های این شهر متمایز می‌کند، قرارگیری مجموعه ای از بناهای تاریخی و مهم سیاسی مرکز شهر همچون گذرگاه گل، بازار ماهی، چندین کلیسا، کنیسه‌های بسیار، مساجد و موسسات دانشگاهی و کنسولگری‌های کشورهای اروپایی است.

در سال ۱۹۶۲ شهرداری کپنهاگ جهت رفع مشکل ترافیک و آلودگی محیط زیست تصمیم به ایجاد طولانی‌ترین پیاده‌راه دنیا گرفت. «اشترودگت» محوری عاری از ماشین به طول ۱ / ۱ کیلومتر است. این پیاده‌راه توانسته یکی از بالاترین درصد های گذران اوقات فراغت مردم را فراهم نماید. کپنهاگ اولین شهری بود که سامانه دوچرخه کرایه‌ای را برای تشویق مردم به استفاده از این شیوه حمل و نقل راه‌اندازی کرد. مردم می‌توانند دوچرخه‌های شهری را در حدود ۲ دلار و ۵۰ سنت کرایه کنند؛ زمانی که استفاده آنها تمام شد به سادگی دوچرخه‌ها را در هر یک از ۱۱۰ توقفگاهی که در اطراف مرکز شهر واقع شده است رها کرده و پول آنها پس داده می‌شود، کاری که به رونق گردشگری در این شهر اضافه کرده است.

خیابان نانجینگ شانگهای در سال ۱۹۹۹ به پیاده‌راه تبدیل شد. پیاده‌راهی به طول ۳ / ۴ مایل حس زندگی شهری برای عابران پیاده را به ارمغان آورد. این عملیات باعث بهبود وضعیت اقتصادی فروشگاه‌ها در اطراف خیابان شد. مارک‌های بیشمار مشهور، فروش اجناس در کیفیت‌های مختلف، رستوران‌های کی اف سی، مک‌دونالد، پیتزا هات و دیگر فروشندگان مواد غذایی مشهور جهان، و از طرفی صنایع خلاق دستی و سنتی مانند گلدوزی و ابریشم، دو طرف این پیاده‌راه را اشغال نموده است. استفاده از رنگ قرمز در این خیابان جلوه ای دیگر به آن بخشیده است. این پیاده‌راه نمونه دیگری از اقتصاد پویا، تحرک مردم و گردشگری پایدار را نشان می‌دهد. پیاده‌راه درونتینگ گاتن به طول ۸۳۷ متر در استکهلم سوئد واقع در محله واساستادن و نوراملان، حیاتی دوباره به این شهر بخشیده است.

مسیر آزادی در قلب شهر بوستون یک جاده پیاده ۴ کیلومتری است که ۱۶ نقطه ارزشمند تاریخی شهر را به هم وصل می‌کند. این نقاط در درجه اول مکان‌هایی هستند که به دلیل نقشی که در تاریخ آمریکا داشته‌اند، اهمیت دارند ولی بسیاری از تحولات قرن بیستم نیز در این مسیر وجود دارد. های لاین، باز آفرینی یک پیاده‌راه سبز خطی به طول ۲ / ۳ کیلومتر در منهتن نیویورک که بر روی یک ترن هوایی متروکه ساخته شده و تا محوطه راه آهن هادسون امتداد می‌یابد، شور و هیجان پیاده روی در آن را به وجود آورده است.

۱- «هرژه» نویسنده و خالق کتاب های تن تن ، بلژیکی است.

Child Foundation UK بنیاد کودک

فرشتگان را در یابیم

پسر! یک بهار، یک تابستان، یک پائیز، و یک زمستان را دیدی! از این پس همه چیز جهان تکراری است جز "مهربانی"

کودکان زیباترین هدیه ی هستی اند که متاسفانه در بسیاری از کشورهای جهان، اندوه بی شماری را با خود حمل میکنند. اما فراموش نباید کرد که شانه های آنها برای تحمل بارهای سنگین شکننده است. در ایران عزیز بخش بزرگی از این کودکان به دلیل فقر و یا نداشتن سرپرست دشواری دهشتناکی را متحمل میشوند و بنیاد کودک انگلستان به سهم خود دست یاری به سویشان دراز می کند تا شاید تعدادی از آنها با تکیه بر دستهای ما از زمین برخیزند و استوار و امیدوار قدم بردارند و آینده سازان کشور شوند. بنیاد ، از تمامی کسانی که دلشان برای این کودکان می تپد دعوت به همکاری مینماید. علاقمندان در هیات امنای بنیاد نقش آفرینی خواهند کرد. برای اطلاعات بیشتر با ایمیل info@childfoundation.co.uk تماس حاصل فرمایید.



سوون بلوونگنر دریافت کردم و پس از این تیم به تیم لس‌آنجلس گالکسی و آمریکا برگشتم، در این تیم استیو سامپسون سرمربی بود و ما قهرمان شدیم.

قطبی در ادامه در خصوص حضورش در تیم ملی کره گفت: «پس از جدایی از تیم ملی کره جنوبی در سال ۲۰۰۲ فکر می‌کردم دیگر هرگز به این تیم برنخواهم گشت اما پس از آنکه دیک ادوکات از من خواست به این تیم بروم، قبول کردم چرا که در درجه اول کره را کشور دوم خودم می‌دانم و از طرفی فوتبال کره رویای هر مربی است چون که در این فوتبال بازیکنان برای شما می‌جنگند، پس از استعفای ادوکات از سال ۲۰۰۷، پیم فوربیک هدایت کره را بر عهده گرفت و من شدم کمک مربی اول تیم و مسئولیت بیشتر شد. هدف ما قهرمانی در جام ملت‌ها بود اما شکست مقابل عراق در ضربات پنالتی پایان همه چیز بود.»

قطبی در ادامه با اشاره به حضورش در ایران گفت: در همین اوضاع یک خبرنگار با من تماس گرفت و پرسید علاقه به کار در تیمی ایرانی دارم یا خیر که گفتم هنوز با تیم کره جنوبی قرارداد دارم و باید این موضوع به چند ماه بعد موکول شود که چندی بعد کریم باقری بازیکن سابق چارلتون با من تماس گرفت و از پیشنهاد بزرگترین تیم ایران و آسیا به من گفت. من خیلی هیجان زده شدم آنها سابقه طولانی داشتند و من از زمان کودکی محبوبیت این تیم را به خاطر داشتم. من در فرودگاه مانند قهرمانان وارد تهران شدم، هزاران نفر با گل و پرچم به استقبال آمدند و اشک‌هایم سرازیر شد. ما در این تیم به طور متوسط ۹۰ هزار تماشاگر داشتیم و موفق شدیم از ۱۱ بازی ۲۵ امتیاز بگیریم اما شرایط زمانی بدتر شد که فیفا به خاطر مشکلات مدیریتی ۶ امتیاز از تیم کم کرد. در هفته پایانی باید به مصاف سپاهان صدرنشین می‌رفتم که دو امتیاز از ما بیشتر داشت، بازی روز یکشنبه و روز کاری بود اما ۱۱۰ هزار نفر به استادیوم آمدند و سرانجام ما با گل دقیقه ۹۶ قهرمان شدیم. در آن لحظه ژوروان ویرا که عراق را قهرمان آسیا کرده بود، مدام ساعتش را به داور نشان می‌داد تا سوت پایان را بکشد اما دیگر دیر شده بود و ما گل قهرمانی را به تیم او زدیم. وی در ادامه این گفت‌وگو افزود: من پس از این قهرمانی پرسپولیس را ترک کردم چون می‌دانستم اکنون انتظارات خیلی بالا خواهد رفت. پس از آن مدیریت باشگاه تغییر کرد و مدیر جدید وعده داد تا با پول فراوان همه امکانات برای قهرمانی در آسیا فراهم خواهد کرد، این یک فرصت عالی بود اما من بعد از قهرمانی دشمنان زیادی در ایران پیدا کرده بودم. پس از آن خیلی‌ها خواستند این تیم را قهرمان کنند اما تاکنون پرسپولیس آن قهرمانی را تکرار نکرده است و لقب امپراطور بین طرفداران برای من باقی مانده است.

بعد از جدایی از پرسپولیس گفته شد قرار است سرمربی تیم ملی ایران شوم، من با پرسپولیس قهرمان ایران شده بودم، با بسیاری از مربیان کار کرده بودم و از نظر بازیکنان بهترین گزینه بودم، در نظر سنجی هم که صورت گرفته بود ۸۵ درصد مردم خواهان سرمربیگری من در تیم ملی بودند و سرانجام یکی از مسئولان هم نام مرا به عنوان سرمربی تیم ملی ایران اعلام کرد اما دو ساعت بعد اعلام شد که شورای تصمیم‌گیری علی دایی را به عنوان سرمربی معرفی کرده است. قطبی در ادامه به ماجرای حضورش در تیم ملی پرداخت و گفت: «پس از شکست ایران به عربستان و در حالی که فقط سه بازی از مقدماتی جام جهانی باقی مانده بود من جانشین علی دایی شدم اما در نهایت از صعود به جام جهانی بازماندم. برای جام ملت‌های ۲۰۱۱ فشار زیادی روی من بود و حواشی زیادی ایجاد شد، من از مطبوعات و مسئولان خواستم فقط برای ۶۰ روز آینده از تیم حمایت کنند تا همه مردم را خوشحال کنیم اما مسائل زیادی ایجاد شد و در نهایت ما در وقت اضافه مغلوب کره شدیم تا با استعفا از تیم ملی و قراردادی سه ساله به شیمیزو اس پالس ژاپن بروم.» قطبی با توضیحاتی در خصوص فعالیت سه ساله‌اش در لیگ ژاپن مصاحبه‌اش را اینگونه به پایان برد: بدو ورودم به این تیم با زلزله و سونامی ژاپن همراه شد که این موضوع کاملاً فوتبال ژاپن و شرایط ما و بازیکنان را تحت شعاع قرار داد. سال گذشته نیز به عنوان دستیار پاتریک کلاپورت به تیم ملی کوراسائو رفتم که هیچ‌کس انتظار موفقیت از این تیم نداشت و اکنون در تیم بوریرام بهترین تیم منطقه هستم.

زمانی که با تماس گرفتند درنگ نکردم چرا که این فرصتی برای اثبات خودم است، هدف من در این تیم فقط قهرمانی نیست بلکه بازگشت به لیگ قهرمانان آسیا و تبدیل این تیم به یکی از ۵ تیم برتر آسیا است.

گفت‌وگو با افشین قطبی، سرمربی ایرانی بوریرام تایلند

بعد از قهرمانی در پرسپولیس، دشمنان زیادی پیدا کردم

افشین قطبی که با تیم بوریرام تایلند اولین پیروزی خود را در لیگ برتر این کشور را کسب کرده است در مصاحبه‌ای با «FOURFOUR TWO» از زندگی شخصی و دوران فعالیت حرفه‌ای خود گفت.

قطبی که در ۱۳ سالگی ایران را به مقصد آمریکا ترک کرد، در



ابتدای مصاحبه خود گفت: «من خیلی خوش شانس بودم که از ۳ سالگی با توپ آشنا شدم، من با توپ پلاستیکی در خیابان‌های تهران بازی می‌کردم و چون کوچکتر از بقیه بودم باید خیلی تلاش می‌کردم که نشان دهم از آنها بهتر هستم. پس از آن زندگی در کالیفرنیا مرا با فرهنگ فوتبال آشنا کرد. خانه ما با استادیوم رزبال فقط ۱۵ دقیقه فاصله داشت و خوش‌شانس بودم که توانستم چهره‌هایی چون پله، بکن بائر و کرایوف را از نزدیک ببینم. زمانی که در تیم مردان UCLA بازی می‌کردم مربی تیم زنان آن هم بودم. همین باعث شد تا به اهمیت مدیریت و ارتباط پی ببرم و به این ترتیب مربیگری مرا جذب کرد.» قطبی ادامه داد: پس از فارغ‌التحصیلی به مربیگری در کالج روی آوردم، در آن برهه جوانان را به باشگاه‌های اروپایی می‌فرستادیم که حاصل آن بازیکنانی چون لاندن داناون بودند. در جام جهانی ۹۸ در کادر مربیگری آمریکا بودم که ایران و آمریکا در یک گروه قرار گرفتند. روز بازی دو تیم، روز سختی برای من بود. از طرفی کشورم را دوست داشتم و از طرفی عضو کادر فنی آمریکا بودم بعد از هر گل من نمی‌دانستم شادم یا غمگین، فقط خیره به تماشای بازی نشستم. بعد از جام جهانی تماسی داشتیم که مسیر زندگی من را تغییر داد.

در آن زمان گاس هیدینک هدایت کره را بر عهده گرفته بود تا این تیم را در جام جهانی هدایت کند و وظیفه من آنالیز حریفان بود و حتی دوست نزدیکم، بورا میلویتینویچ که در آن زمان هدایت چین را بر عهده داشت از من مشاوره می‌گرفت. من آنالیز تصویری و پیشرفته را در سال ۹۸ و در تیم ملی آمریکا آموزش دیده بودم. پس از چهارمی کره در جام جهانی من یک پیشنهاد از باشگاه

رنال با شکست اتلتیکو در ضربات پنالتی برای یازدهمین بار قهرمان اروپا شد

داستان اشک و غم در مادرید



خیلی نزدیک اما خیلی دور. نه یک بار، نه دو بار بلکه سه بار. در پایان شبی استثنایی در میلان، اشک‌ها در هر دو سمت بازی دیده می‌شد، جایی که بازیکنان و هواداران شدیداً استرس داشتند. با این حال احساسات هواداران دیگر بیشتر از این نمی‌توانست متفاوت باشد. جام‌های اروپایی یعنی داستان شکل‌گیری رئال مادرید، کسانیکه ۱۱ بار قهرمان شده‌اند و حالا چاقو را یک بار در بدن اتلتیکو مادرید وارد کردند و در بار دوم چاقو را در بدن اتلتیکو چرخاندند. در آخر، هواداران اتلتیکو مادرید تیم را تشویق کردند. البته آنها برای نخستین بار بازیکنان را تشویق نکردند چون غرق در اشک بودند و در زمین بدون هیچ حرکتی ایستاده یا خوابیده بودند. با این حال شاید هواداران اتلتیکو مادرید از این دوره مسابقات شدیداً دلگیر باشند، دوره‌ای که به شکل ظالمانه‌ای با آنها رفتار کرد. با این حال، آنها باز هم فصل بعد برمی‌گردند و این دقیقاً کاری بود که بعد از فینال لیسبون انجام دادند. گابی فرناندز، کاپیتان تیم، بازیکنان را دور خودش جمع کرد و به آنها گفت که باز خواهیم گشت. اگر دوباره این کار را بکنند، تصویری بسیار زیبا از این باشگاه به نمایش گذاشته‌اند. البته شاید امروز تنها دلخوشی و توجه آنها تیتز زیبای مارکا قبل از فینال احساسی سن‌سیرو بود. اینکه نگران نباشید چون جام قهرمانی اروپا به مادرید می‌آید. حالا یا به خانه من، یا به خانه تو...»

روی دست راموس خالکوبی عدد ۹۲/۴۸ است که نشان از زمان دقیق گل وی در لیسبون دارد. خودش می‌گوید آن گل همیشه خاص خواهد بود. می‌گوید که قهرمانی چمپیونزلیگ مثل عشق بازی برای نخستین بار است. درست است که نخستین بار رویایی است اما شما هر بار که آن را تکرار می‌کنید، لذت بیشتری به دست می‌آورید. حالا جایی از بدن وی خالی از خالکوبی خواهد بود چون بازی میلان از نظر اسطوره‌های کمی پایین‌تر از لیسبون بود. برعکس فینال دو سال پیش که سرخیو راموس در ثانیه‌های پایانی دروازه اتلتی را باز کرد، کاپیتان رئال این بار فقط ۱۵ دقیقه وقت می‌خواست تا به جمع ساموئل اتوئو و لیونل مسی به عنوان تنها بازیکنانی که در دو فینال اول‌شان در تاریخ چمپیونز لیگ (با فرمت جدید) گل زده‌اند، ببینند. جدا از این گل راموس در طول بازی موفق شد با وجود تمام درگیری‌هایی که با گابی و خوان فران داشت، به شکل شگفت‌انگیزی آرامش خودش را حفظ کند و با گرفتن کارت قرمز به تیمش ضربه نزند. در حالی که زوج او، یعنی پیپه فقط مشغول اجرای تئاتر و غلت خوردن روی زمین بود، راموس با ۸ دفع توپ (بیش از هر بازیکن دیگری در زمین) و ۳ قطع توپ عنصر کلیدی خط دفاعی رئال مادرید بود. راموس در پایان هم پنالتی خودش را گل کرد تا وظیفه‌اش را کامل انجام داده باشد. راموس گلی به ثمر رساند که تیمش را در راه قهرمانی کمک کرد اما اتلتیکو مقابل سرنوشت خود جنگید. مقابل گل اول رئال جنگید. مقابل پنالتی از دست رفته گریزمان جنگید و مقابل لیسبون جنگید. سیمونه هم گفت که مهم نیست کاراسکو گل بازی را در زمین نبوده است. وی می‌گوید که ۹۰ دقیقه، ۶۰ دقیقه یا ۴۰ دقیقه مهم نیست. چیزی که برای کادر فنی اهمیت داشت اثرگذاری کاراسکو بود که نصف زمین را طی کرد و در دقیقه ۷۹ بازی را برگرداند تا فینال جذاب‌تر شود. بازیکن تعویضی، سرنوشت آنها را چرخانده بود. آنها را به وقت‌های تلف شده برد و شانس قهرمان شدن را زنده کرد. شاید او می‌توانست آنها را به قهرمانی هم برساند. زمانی که هواداران در دقیقه ۹۳ از جا برخاستند اما راموس کاراسکو را نقش بر زمین کرد بعد از آنکه دو نفر را دربیبل کرده بود و می‌رفت که تک به تک شود. بازی در ۹۰ دقیقه با مساوی تمام شد و در دو نیمه ۱۵ دقیقه‌ای وقت‌های اضافه هم اتفاقی رخ نداد. پس مرگ یا پیروزی به منطقه ۱۸ قدم و ضربات پنالتی کشیده شد.

در آخر، یک پنالتی از دست رفته دیگر توسط خوان فران، اتلتیکو را دوباره به زمین زد. وقتی گرد و غبارهای بازی به کنار رفت، رونالدو بدون پیراهن آنجا ایستاده بود و گل کردن یک پنالتی تأثیرگذار بعد از عملکرد ضعیفش در طول ۱۲۰ دقیقه مسابقه را جشن می‌گرفت. زیدان در تنها بیست و هفتمین بازی‌اش روی نیمکت رئال مادرید قهرمان چمپیونز لیگ شده بود و راموس در نخستین سال کاپیتانی، از میلان با رضایت بیرون آمد، درست همان‌طور که از لیسبون دو سال قبل بیرون آمده بود. حالا رئال مادرید هم بازگشت. این هویت آنها است. به خاطر همین است که رئال مادرید، رئال مادرید است. این جام همیشه به آنها پناه داده است؛ رئال مادرید هشت بار قهرمانی اروپایی خود را در شرایطی به دست آورده است که لیگ را نبرده است. با وجود همه استعدادها، این تیم کاراکتر بالایی دارد. بعد از بازگشت به خانه و استقبال چهل هزار نفری هواداران در خیابان‌های مادرید جشنی باشکوه را به دنبال داشت و در تمام این مدت همه چیز برای اتلتیکو مادریدی‌های شایسته با اشک و غم همراه بود.



Cheapest flights to IRAN



Tehran **£245**
 Tabriz **£335**
 Shiraz **£315**
 Isfahan **£335**
 Mashhad... **£335**

Tehran
£329
 Start: 15 July 16

Tehran
£280
 Start: 17 April 16

Tehran
£245

Tehran
£378

Najaf
£355

Dubai
£315

Tehran
£379

Call us now or book online
www.YouShouldTravel.com

0207 100 0151





No. 446
Friday 3 June 2016
Published Since 2007
Registered as a Weekly Paper

Editor-in-Chief:
Abbas Najafi Zarafshan

Contributors:
Ala Amirshahi
Amir Arsalan Yektamanesh
Naser Nourozi

Marketing:
07811000455
sales@persianweekly.co.uk

Website:
www.persianweekly.co.uk

Tel: 020 7193 5592
Mobile: 07811000455

Email:
info@persianweekly.co.uk

Published Since 2007
Registered as a Weekly Paper

DON'T FORGET
Help to keep public area clean and tidy for everyone by taking your copy of Persian Weekly paper with you, when you leave. **When you have finished with this publication please recycle it.**



ISSN 2042-213X



LONDON FREE / All other UK major Cities 50p - European Countries €1.50 - Scandinavia : Kro 20.00 - USA: \$2.00 - Other Countries: equivalent £2.00 انگلستان یک پوند - کشورهای اروپایی 1/50 یورو - کشورهای اسکاندیناوی 20 کرون - آمریکا 2 دلار - سایر کشورها معادل 2 پوند بهای تکفروشی: شهر لندن رایگان - دیگر شهرهای

کلام آخر

Ghazal of Hafez Shirazi

In Persian with English translation

Original Translation by Henry Wilberforce Clarke (1840-1905)

Compiled and Corrected by Dr. Behrouz Homayoun Far

If that Bold One of Shiraz gain our heart,
For His dark mole, I will give Samarkand and Bukhara.
Said! give the wine remaining; for, in Paradise, thou wilt not have
The bank of the water of the Ruknabad nor the rose of the garden of Musalla.
Alas! These saucy dainty ones sweet of work, the torment of the city,
Take patience from the heart even as the men of Turkistan the tray of plunder.
The beauty of the Beloved is in no need of our imperfect love:
Of lustre, and color, and mole and tricked line, what need hath the lovely face?
By reason of that beauty, daily increasing that Yusof had, I know
That Love for Him would bring Zulaikha forth from the screen of chastity.
Thou spakest ill of me; and I am happy. God Most High forgive thee thou spakest well:
The bitter reply suiteth the ruby lip, sugar-eating.
O Soul! Hear the counsel, for, dearer than the soul,
Hold happy youths the counsel of the wise old man.
The tale of minstrel and of wine utter; little seek the mystery of time;
For this mystery, none solved by skill; and shall not solve.
Thou utterdest a ghazal; and threadedest pearls. Hafez! come and sweetly sing
That, on thy verse, the sky may scatter the cluster of the Pleiades.

غزلی از حافظ

ترجمه: هنری ویلبرفورس کلارک

گردآوری و ویرایش: دکتر بهروز همایون فر

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را
بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت
کنار آب رکن آباد و گلگشت مصلرا را
فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب
چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را
ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است
به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را
من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم
که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را
اگر دشنام فرمایی و گر نفرین دعا گویم
جواب تلخ می زبید لب لعل شکرخا را
نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند
جوانان سعادت مند پند پیر دانا را
حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کمتر جو
که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را
غزل گفتی و در سفتی بیا و خوش بخوان حافظ
که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریا را

پنجمین حراج میلیاردی در تهران

پنجمین حراج آثار هنری تهران امسال نسبت به سال گذشته میلیاردی تر برگزار شد. در این دوره حضور بازیگران و ورزشکاران در کنار برخی هنرمندان به حراج هنری چنان رونق داد که فروش ۲۵ میلیارد و ۳۶۵ میلیون تومانی آثار هنری امسال، رکورد سال گذشته را شکست و شاهدی بر این مدعا شد که این بازار نه تنها ظرفیت اقتصادی بیشتری دارد بلکه در دوره های آینده احتمالاً با گردش مالی بالاتری هم برگزار خواهد شد. در حراج پنجم از ۸۰ اثر ارائه شده، ۷۹ اثر به فروش رسید که در این میان، شاکردوست بازیگر سینما با خرید ۹۵ میلیون تومانی اولین اثر هنری که بر روی میز حراج رفت، چراغ بازار را روشن کرد. در این حراج که به آثار اساتید کلاسیک و مدرن ایران اختصاص داشت، ۱۵ تابلو از نقاشی آکادمیک ایران شامل آثار اساتید نقاشی واقع گرا، نگارگری نوین و قهوه خانه در کنار ۶۵ اثر از اساتید مدرنیست ایران ارائه شده بود. حراجی پنجم شاهد حضور وزیر ارشاد به همراه معاونش بود که از حمایت دولت از برگزاری چنین حراج هایی حکایت داشت. همچنین حضور چهره هایی چون علی دایی، پری صابری و شهرداد روحانی، نشان داد که بازار هنر ایران رو به ظهور است و احتمالاً در آینده ای نه چندان دور تقویت هم خواهد شد. گرانترین اثر مربوط به سهراب سپهری بود که یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان چکش خورد اما در نهایت ۲ میلیارد تومان به فروش رسید. تابلوی استاد محمود فرشچیان هم توانست به قیمت یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان فروش برود. در شب میلاری هنرهای تجسمی کشور، ۶ اثر بالای یک میلیارد تومان، ۸ اثر بالای ۵۰۰ میلیون تومان، ۴۰ تابلو و حجم بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان و در نهایت ۲۵ اثر هم زیر ۱۰۰ میلیون تومان به فروش رسیدند. یک اثر هم در این میان مورد بی توجهی خریداران میلیاردی قرار گرفت.

Masterfare.co.uk

The specialist partner
of British Airways
offer cheap flights to

Tehran
from 14 July 2016

BRITISH AIRWAYS
Specialist Partner

Call our Reservation
teams now on:

London | 0207 420 7333
Manchester | 0161 225 1770

Prices from **£325** incl. tax
subject to availability

Baggage allowance:
2 x bags checked-in | max 23kg each
1 x hand baggage | max 23kg